

سرمقاله ...

از «روز نکبت» حماس تا دوازده روز جنگ خامنه‌ای

منصور امان

دو سال پیش، زمانی که حماس در ۷ اکتبر به اسرائیل شلیخون زد، هنوز هیچکس نمی‌توانست تصور کند که در پس غبار برخاسته از تصویرهای مُشمز کننده‌ی ربودن دختران اسرائیلی، سلاخی غیرنظامیان و شکار بیرحمانه جوانان شرکت کننده یک فستیوال موسیقی، یک لحظه تاریخی تعیین کننده شکل گرفته که تغییرات ژئوپولیتیکی گسترده‌ای را به زایمان نهشته است. کمتر از همه، حاکمان ج.ا بودند که دست افشان و پایکوبان می‌خرامیدند و بلاهتبار هلهله‌ی «برهم خوردن توازن قوا به نفع مقاومت» را سر می‌دادند.

بیرون آمدن جنگ از سایه

حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ۱۲۰۰ کشته و صدها مجروح به جا گذاشت که اکثریت غالب آنها را غیرنظامیان تشکیل می‌دادند. در این حمله ۲۵۱ نفر نیز به گروگان این نیروی بنیادگرای اسلامی درآمدند. اگرچه رسانه‌ها و محافل رسمی از این حمله با صفت «غافلگیرانه» یاد می‌کنند، با این حال تردیدهای به حقی در مورد عبور آسوده چند هزار نیروی مسلح به سلاح و خودروهای سبک از ۳۰ نقطه مرزی به داخل خاک اسرائیل وجود دارد. باید توجه داشت که این نیروها با وجود نداشتن نیروی پشتیبانی زرهی، توپخانه یا هوایی، با هیچ مقاومتی روبرو نشدند و در امتداد یک نوار مرزی طولانی که یکی از حفاظت شده‌ترین خطوط مرزی جهان به شمار می‌رود، وارد اسرائیل شدند. حتی اگر وجود شبکه گسترده اطلاعاتی انسانی، فنی و سازمانی اسرائیل نادیده گرفته شود، هنوز نمی‌توان توجیه معتبری برای نبود حفاظت فیزیکی در مرز یک کانون شعله‌ور بحران ارائه کرد.

از این لحظه به بعد «جنگ سایه» که برای چند دهه شکل غالب پیشبرد درگیری بین اسرائیل و ج.ا بود، به کنار رفت، خطوط قرمز آن بی‌اعتبار گردید و خصلت محدود گسترده‌اش، دامنه‌ای بی‌پیشینه یافت. شلیخون حماس همچنین تاکتیک راست افراطی و نژادپرست اسرائیل برای حذف مساله فلسطین و تثبیت دائمی اشغال را تغییر و به آن اجازه داد به گونه عریان و بدون هر گونه تناسبی، غیرانسانی‌ترین شیوه‌ها را برای تحقق سیاست دیرینه‌اش به کار ببندد.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

فروپاشی فرهنگ ریاکارانه استبداد مذهبی

مهدی سامع

صفحه ۲

انگ سرخ زعفران و گوجه فرنگی

با خون کودکان کار بلوچ

بقای امنیت نظام

زینت میرهاشمی

اسامی ۲۴۸ تن از زندانیان اعدام شده

صفحه ۴

از اول تا ۳۰ مهر ۱۴۰۴

صفحه ۵

محمود درویش؛

با مردم در شبکه اجتماعی

صدای زخم‌خورده ملت فلسطین

مرجان

صفحه ۱۱

م. وحیدی

صفحه ۶



در این شماره :

- رویدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۴) صفحه ۸
- چالشهای معلمان (مهر ۱۴۰۴) - فرنگیس بایقره صفحه ۱۲
- دانشگاه در ماهی که گذشت (مهر ۱۴۰۴) - کامران عالمی نژاد صفحه ۱۵
- زنان در مسیر رهایی (مهر ۱۴۰۴) - اسد طاهری صفحه ۱۹
- جنبش رنگین کمان بیشماران (مهر ۱۴۰۴) صفحه ۲۱
- گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی
- یادواره / شهیدان فدایی مریم و جمشید دژآگاه - امیر ابراهیمی صفحه ۲۸
- شهیدان فدایی آبان ماه صفحه ۲۸

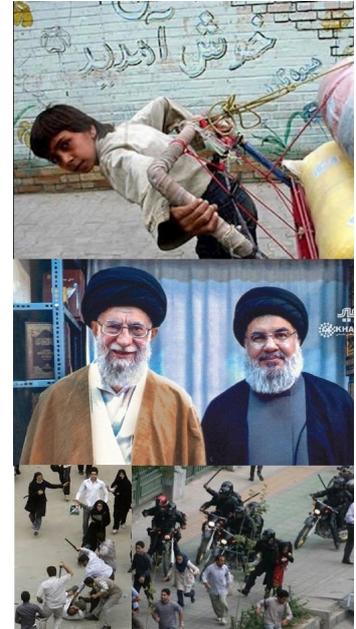
«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

فروپاشی فرهنگ ریاکارانه استبداد مذهبی

مهدی سامح



یکی از ویژگیهای ثابت و مداوم کارگزاران رژیم ولایت فقیه دروغگویی است. خمینی برای برخی از دروغهای خود دلیل تراشی می کرد و آن را «خدعه» [حیله شرعی مباح] می نامید و خامنه ای به طور اساسی برای دروغگویی خود نیاز به موجه سازی نمی بیند و چشم در چشم همگان دروغ می گوید. تنظیم ترازنامه از خسراهای انسانی و مالی جنگ میان رژیمهای اشغالگر اسرائیل و استبداد مذهبی ایران، دروغهای ولی فقیه را به طور کامل برملا می کند. وقتی خامنه ای مدعی «سیلی باورنکردنی جمهوری اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه» می شود (سخنرانی در روز دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴)، کلان واقعیهایی چند ماه پیش را با دروغ به شکل وارونه جعل می کند. این قابل فهم است که خامنه ای صورت خود را با سیلی واقعیتها سرخ می کند و همزمان به آنان که واقعیتها را روزانه با پوست، گوشت و استخوان خود احساس می کنند، بی اعتنایی کرده و راه خود، یعنی «حفظ امنیت ولایت»، را با استفاده از خشن ترین شیوه ها، با داغ و شلاق و دهان کجی به منافع مردم و کشور ادامه می دهد.

نمونه دیگر حرفهای روز چهارشنبه ۲ مهر ۱۴۰۴، پزشکيان در مجمع عمومی سازمان ملل است. او مجموعه ای از دروغ، حقه بازی و دغلکاری را تحویل مخاطبان داد. پزشکيان مخالفت و گریز مردم از جنگ دوازده روزه را با دروغ به حساب حمایت از حاکمیت جا زد. پزشکيان با تقلید از روضه خوانهای دغلکار، به شعر «بنی آدم اعضای یکدیگر اند» از سروده های سعدی استناد کرد تا رژیم تبهکار و کودک کش حاکم بر ایران را انسان دوست معرفی کند. او نماینده رژیمی است که کودکان بسیار از جمله کیان پیرفلک ۹ ساله، زکریا خیال ۱۶ ساله، هستی نارویی ۷ ساله، نیکا شاکرمی ۱۶ ساله، سارینا اسماعیل زاده ۱۶ ساله و صدها کودک دیگر را به قتل رسانده است. اعدامهای بیشمار، قتل عام زندانیان سیاسی، ترورهای در خارج از ایران و... نمونه های دیگر از «انسان دوستی» ولایت خمینی و خامنه ای است. اما پزشکيان در فرازی دیگر

پیروزی نسبی اعتصابگران

محکوم به اعدام

زینت میرهاشمی

از روز دوشنبه ۲۱ مهر، ۱۵۰۰ زندانی زیر حکم اعدام در واحد ۲ زندان قزلحصار دست به اعتصاب غذا زده اند. اعتصابگران در بیانیه ای با عنوان «وصیت نامه زندانیان قزلحصار» از مردم خواسته اند که با حمایت خود به درد و رنج آنها پایان داده شود. آنها برای توقف حکم غیر انسانی اعدام، از تنها ابزار ممکن در سایهچالها، اعتصاب غذا، از مردم برای حمایت از حق زندگی شان کمک خواسته اند.

اعتصاب کنندگان در زندان قزلحصار، زیر تیغ سرکوب با پلاکاردهای «نه به اعدام» در تصویر ویدئویی خطاب به مردم اعلام کردند: «حق ما اعدام و جایمان در زندان نیست، علیه اعدامها در ایران کاری کنید و نگذارید زندانیان را اعدام کنند.»

روز یکشنبه ۲۷ مهر، در پی فراخوان اعتصابگران قزلحصار، شمار زیادی از خانواده های زندانیان زیر حکم اعدام، مقابل مجلس ارتجاع دست به راهپیمایی اعتراضی زده و خواستار توقف حکم غیر انسانی اعدام شدند. مأموران سرکوبگر با یورش به خانواده ها از گسترش تجمع آنها جلوگیری کردند.

خواست ملی «توقف اعدام» و حرکتیهای اعتراضی شجاعانه زندانیان سیاسی در سه شنبه های «نه به اعدام» و در تداوم آن اعتصاب زندانیان محکوم به اعدام در قزلحصار، موجی از حمایت در ایران و جهان را ایجاد کرده است.

به دنبال اعتصاب شجاعانه محکومان به اعدام و اعتراض خانواده ها و مردم به گسترش اعدامها، رژیم به یک عقب نشینی نسبی دست زد. روز یکشنبه ۲۷ مهر، شش محکوم به اعدام از سلولهای انفرادی به بند عمومی بازگردانده شدند و اعتصاب غذای هفت روزه ۱۵۰۰ زندانی محکوم به اعدام به طور موقت پایان یافت. یکی از کارگزاران رژیم در جمع زندانیان گفت: «من بهنمایندگی از قضاییه و سازمان زندانها قول می دهم که تا چند ماه آینده اعدام نخواهیم داشت. در این فاصله تلاش می کنیم اصلاحیه بی به قانون مجازات اعدام در ارتباط با مواد مخدر تهیه کنیم.» (اطلاعیه زندانیان)

رژیم در تقابل با گستردگی شعار نه به اعدام دست به تهدیدهای سرکوبگرانه زده است. اخیرا دبیر ستاد سرکوبگر «امر به معروف و نهی از منکر» استان تهران از گسیل ۸۰ هزار مزدور و لمپنهای آموزش دیده در تشکیلاتی به نام «اتاق عفاف و حجاب» و ۴۵۷۵ مربی و ضابط قضایی با هدف «مقابله هوشمندانه با سکولاریسم و بی تفاوتی اجتماعی» خبر داده است.

در استبداد مذهبی ولایت فقیه، زنان در صف اول سرکوب و ابزاری برای حل بحران و شوراندن افشار ارتجاعی علیه کنشگران و چالشگران جامعه می شوند. آزادی و مشارکت آنان در امر سیاسی و اقتصادی، زیر چتر حجاب و تارهای مویشان قربانی می شود. پوشش تبدیل به امری سیاسی می شود. برداشتن حجاب اجباری اقدامی سیاسی و مقاومت در برابر ارتجاع محسوب می شود. در بحران مشروعیت رژیم و قوی شدن جبهه سرنگونی، مقاومت زنان شکاف در حکومت را دامن می زند.

پیدایی این اتاق فکر در پی شکست گشتهای ارشاد، واکنشی به مقاومت و شجاعت زنان کنشگر در جامعه است. زنانی که زندگی را مقاومت و آزادی پوشش را در محدوده ای با شجاعت خود مزه مزه می کنند. این شرایط دستاورد مبارزه زنان است. بنابراین سقف این «اتاق» قبل از عمل بر سر سازندگان آن آوار خواهد شد.

در جنبش ژینا (مهسا امینی) ۱۴۰۱، درهم آمیختگی شعارهای «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای»، تمامی ارکان رژیم را به لرزه درآورد. حفظ دستاوردهای خیزش انقلابی ژینا تنها با اتحاد همگانی و گامهای بلند برای سرنگونی ممکن است. رژیم با سرکوب آرامش و زندگی را از مردم سلب می کند، پس راه غلبه بر آن برهم زدن نظم و آرامش ظالمان با مقاومت برای آزادی است.

فراسوی خبر دوشنبه ۲۸ مهر

از وراجیهایش در روز پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴، به طور استثنایی حرف درستی را مطرح کرد و گفت: «همین جنگ همین دعوا، همین گرفتاریها من الان از آمریکا و از نمی دونم اسرائیل و از خارج نمی ترسم من از داخل می ترسم از دعوا و اختلاف می ترسم/ دعوا کنیم لازم نیست اسرائیل بیاید و آمریکا بیاید خودمون خودمان را خراب می کنیم/ این حرفایی که ما می زنیم از ما قبول نمی کنند، رفتار من را قبول می کنند البته اگه بتونم درست عمل بکنم اگر هم نتونم حالا هی بیایم حرفهای خوب خوب بزنم، ۱۰۰ تا فحش می دهند/ ما روی طلا خوابیدیم گرسنه ایم مقصر ما هستیم مقصر آمریکا نیست، مقصر ما مدیران هستیم مقصر ما مسئولان هستیم ما سیاست گذاران هستیم ما قانونگذاران هستیم.» (ایلنا)

در مراجعه به دروغگویی شخص اول و دوم حکومت می توان به عمق فساد که سراپای نظام را آلوده کرده پی برد. دروغ از جانب حاکمان مهمترین عامل برای فاسد کردن نظام است

در حالی که در شاکله استبداد مذهبی، دروغگویی همواره جاری است، کارگزاران حکومت و در راس آن ولی فقیه به ریاکاری متوسل می شوند. در سالهای اولیه استقرار رژیم جمهوری اسلامی، ریاکاریهای سرکردگان نظام پنهان و اکثریت جامعه از آن چه در درون حکومت می گذشت خبر نداشت و یا ریاکاری آن چنان سفید کاری می شد که عمق آن روشن نمی شد. نگاهی دقیق به گفتار و کردار اصلاح طلبان حکومتی و طرفداران آنها در خارج از حکومت از رمز و راز آن پنهانکاریها خبر می دهد. واقعیت جبهه بندی میان حکومت و مردم که از روز اول شکل گیری حکومت شکل گرفت و یکی از مهمترین نموده های آن تظاهرات زنان در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ بود، در انکشاف خود و بنا به عوامل گوناگون به جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱ با اسم رمز ژینا رسید. پس از این رویداد شگرف است که جامعه در کلیت آن «حجاب اجباری» را به عنوان یکی از احکام مستبدانه و البته ریاکارانه حکومت به سخره گرفتند و ثابت شد که ریاکاری و به طور کلی فرهنگی که آخوند خمینی و شاگرد به حق او خامنه ای مروج آن بوده و هستند، بدون چون و چرا در میان مردم فروپاشیده است. پوشش گسترده مراسم عروسی اشرافی دختر پاسدار شمخانی در رسانه های همگانی، به این فروپاشی مهر تأیید زد و باید به کارگزاران حکومت گفت: باش تا صبح دولت بدمد/ کاین هنوز از نتایج سحرست» (انوری)

به دنبال فروپاشی فرهنگ دروغگویی و ریاکاری استبداد مذهبی و از نتایج سحر نظام، «زبان دراز» شدن برخی از کارگزاران نظام نسبت به خامنه ای است. روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی در سرمقاله روز یکشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ با عنوان «آیا این طوفان برنده ای داشت؟» نوشت: «عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ اشتباه بود.»

سرمقاله ...

از «روز نکبت» حماس تا دوازده روز جنگ خامنه‌ای

بقیه از صفحه ۱

براساس آمار سازمان ملل تاکنون بیش از ۶۰ هزار نفر در غزه در اثر بمباران، اصابت گلوله یا قطعات انفجاری، گرسنگی و بیماری جان خود را از دست داده‌اند. اکثریت این تعداد را زنان، کودکان و سالخورده‌گان تشکیل می‌دهند. تعداد بیشتری مجروح یا نقص عضو شده‌اند. به گفته یونسف، غزه نسبت به سرانه جمعیت، بیشترین تعداد کودکان نقص عضو شده را در جهان دارد.

محاسبه غلط از سر جاه‌طلبی

هدف مقدم حماس از شبیخون فاجعه بار خود، جلوگیری از پیشرفت «پیمان ابراهیم» بود که با پدیدار شدن نشانه‌هایی از پیوستن عربستان به ماباه مرکز هژمونی کشورهای عربی به آن، در حال یافتن جنبه واقعی و پراتیک بود. این جریان براساس محاسبات غلط خویش می‌پنداشت که ۷ اکتبر مساله فلسطین را روی میز اسرائیل و متحدانش می‌گذارد و او که مدال این ضربه نظامی به اسرائیل را بر سینه دارد، به عنوان طرف اصلی و نماینده فلسطینیان در کنار آن خواهد نشست. اما آنچه که حماس روی زمین سفت واقعیت توانست رقم بزند، آفریدن یک «روز نکبت» دیگر برای فلسطینیان با ابعادی به مراتب مصیبت بار و دامنه دارتر بود.

اگر در ۱۵ می ۱۹۴۸م شهور به «روز نکبت»، همزمان با تاسیس دولت اسرائیل حدود ۷۰۰ هزار فلسطینی از خانه‌های خود رانده شدند و بیش از ۴۰۰ روستا و شهر فلسطینی تخریب یا خالی از سکنه شد، امروز دوسال پس از بهانه‌ای که حماس در سینی زرین تقدیم تانیاهو و راست افراطی اسرائیل کرد، از غزه، جایی که سرپناه دو میلیون نفر بود، جز ویرانه‌ای با میلیونها تن آوار، بدون آب، برق، بیمارستان، دانشگاه، مدرسه، خیابان، جاده و هر امکان دیگر زیست مدرن به جا نمانده است. بمب افکنها و تانکهای اسرائیل، غزه را به بیابانی سکونت ناپذیر تبدیل کرده‌اند. نزدیک به دو میلیون نفر بارها مجبور به ترک خانه‌های خود شده و از این شمار، صدها هزار نفر به گونه قطعی در وطن خود آواره شده‌اند.

این یک زمین آماده و حاصلخیز برای بنیادگرایان و نژادپرستان اسرائیلی است که دهه‌هاست رویای حذف زندگی فلسطینی در کرانه باختری و غزه و الحاق این دو به اسرائیل را در سر می‌پروراند. آنها در خلال این مدت طولانی مانع هر راه حل سیاسی و مسالمت آمیز برای پایان درگیریها شده‌اند و آگاهانه آتش بحران را برای لحظه موعود شعله‌ور نگه داشته اند.

از خیال هژمونی تا واقعیت ورشکستگی

اما نسل کشی در غزه و تشدید فشار و شهرک سازی در کرانه باختری تنها هدف تانیاهو باقی نماند. او از فرصت غیرمنتظره‌ای که ۷ اکتبر به دست داده بود، برای حل چالشهای امنیتی پیرامون و از این طریق کسب هژمونی در خاورمیانه بهره‌بردار کرد. در این راستا رژیم ج.ا و نیروهای نیابتی آن هدف مرکزی این استراتژی قرار گرفتند. خامنه‌ای و شُرکا به گونه ساده لوحانه ای تلاش کردند از ۷ اکتبر برای تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی خود استفاده کنند. آنها

در حالیکه می‌کوشیدند وارد درگیری مستقیم با اسرائیل نشوند، گروه‌های نیابتی خود در لبنان و یمن را فعال کردند و به تقویت نفوذ خویش در سوریه پرداختند. شبکه نیابتی ج.ا از اواسط اکتبر شروع به حُمله به آمریکا، موشک پرانی و حملات پهپادی با اسرائیل و شماری از پایگاههای آمریکا در مرز عراق و سوریه کرد. دهها هزار نفر از ساکنان شهرها و شهرکهای اسرائیلی در امتداد مرز این کشور با لبنان در نتیجه حملات موشکی و حُمله ای حزب الله مجبور به ترک محل زندگی خود شدند. از نگاه خامنه‌ای و همدستان نظامی امنیتی اش، اسرائیل وارد «مهلکه» شده بود، «پیروزی» در دسترس قرار داشت و «نظام» و «محور مقاومت» آن می‌توانست نظم آینده منطقه را شکل دهد.

دو سال بعد از این خیالهایی تری برجا نمانده است. زنجیره‌ای از ضربات، حزب الله لبنان را که نقش کانونی در «محور مقاومت» ایفا می‌کرد، از پا درآورده است. حسن نصرالله، سرکردگان کلیدی و مهمترین کارهای نظامی آن کشته شده اند. در سوریه، رژیم بشار اسد، متحد استراتژیک ج.ا، سرنگون گردیده و نه فقط سرمایه گذاری کلان خامنه‌ای، بلکه دریچه حیاتی او برای کُکم رسانی به حزب الله و ایجاد یک جبهه بی واسطه علیه اسرائیل بر باد رفته است.

حمله ۷ اکتبر که از دید حاکمان خام خیال ج.ا یک جنگ کنترل شده بود و با بازی دلپذیر با مهره‌ها می‌شد آن را مدیریت کرد، بی درنگ به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شد و خامنه‌ای و همدستانش نه تنها نتوانستند زمین بازی را تعیین کنند، بلکه خود به زمین بازی اسرائیل بدل گردیده و با تهاجم نظامی آن به ایران روبرو شدند. بدین ترتیب کاخ استراتژی بازدارندگی رژیم ج.ا که تنها هدف آن بقای دستگاه حاکم بر ایران در قدرت و سلطه انحصاری آن بر منابع ثروت است، گام به گام فرو ریخت. این سیاست پُر هزینه فقط با مصارف هنگفت نظامی، بودجه کلان برای تامین مزدوران نیابتی، پول پاشی و ولخرجی برای باز کردن جا یا افزایش نفوذ در کشورهای گوناگون و هزینه‌های باورنکردنی برای ترویج فرقه‌گرایی شیعه شاخص نمی‌شود؛ بلکه و مهمتر از آن، با هزینه‌هایی که این ماجراجوییهای خارجی، با تحریمها، انزوا و فساد حکومتی برای مردم ایران به بار آورده.

تغییر چارچوب نظری و جنگ دوازده روزه

دیگر محصول بی واسطه ۷ اکتبر، شکسته شدن دو تابو بود: نخست کشاندن درگیری به داخل خاک ایران و سپس دخالت مستقیم آمریکا. اگر علامتی برای پایان دوره «جنگ در سایه» وجود می‌داشت، حمله اسرائیل به ایران این علامت بود. جنگ به روشنی نشان داد که بیرون آمدن از زیر سایه نیروهای نیابتی، رژیم جنگ طلب و بحران زای ج.ا را در چه توازن نابرابری با حریفانش قرار می‌دهد. طی دوازده روز - که برای جنگ زمان به نسبت کوتاهی محسوب می‌شود - اسرائیل خسارات سنگینی به داراییها و تواناییهای استراتژیک ج.ا وارد کرد. در ضربه اولیه آن، رده یک فرماندهی نظامی رژیم خامنه‌ای به گونه تحقیرآمیزی حذف شد و همچنین شماری از دست اندرکاران برنامه اتمی آن کشته شدند. ضربات انسانی به ویژه میزان عمق و گستردگی نفوذ اطلاعاتی و عملیاتی اسرائیل در کانونهای حساس قدرت را به نمایش گذاشت. با ورود مستقیم آمریکا به جنگ و بمباران مراکز هسته‌ای، گذار از پارادایم جنگهای نیابتی به رویاروییهای بی واسطه سیمای روشن‌تری به خود گرفت. پیامد این تحول، تغییر تعریفهای پیشین از امنیت ملی و مساله بقا برای هر دو طرف درگیری است که در ادامه به باز-تنظیم

دکترین امنیتی و خط مشی‌هایی که آن را تاکنون مادی و عملیاتی می‌کرد، منتهی می‌شود.

در حالیکه به نظر می‌رسد اسرائیل دستگاههای سیاسی، نظامی و امنیتی خود را با دوران پسا جنگ نیابتی آدابت کرده، رژیم خامنه‌ای هنوز قادر نیست درک روشنی و نتیجه‌گیری عملی از شرایط جدید داشته باشد. حتی عدم مداخله «محور مقاومت» در جنگ دوازده روزه به پشتیبانی از پدرخوانده به هر دلیل، کُمکی به فهم آن نکرده است. برای رژیمی که بر خرابه‌های استراتژی مانوس خویش و خاکستر سرمایه‌های گرانبهایش ایستاده، شرایط بسا گیج‌کننده و پیچیده به چشم می‌آید. دو رویداد مهم پس از جنگ دوازده روزه، سردرگمی و درجا زدن حاکمان ج.ا در الگوهای فکری و رفتاری گذشته را مستند کرده است، ابتدا بن بست مذاکره با آمریکا و آنگاه فعال شدن مکانیزم ماشه که از یک طرف با تحریمهای بیشتر همراه است و از طرف دیگر ج.ا را در برابر یک صف بندی جهانی قرار می‌دهد؛ انزوایی که مداخله نظامی برای حل مسائل مورد اختلاف را به ابزاری مشروع بدل می‌سازد.

ناتوانی خامنه‌ای و شُرکا در تصمیم‌گیری در مورد مسیر آینده و چگونگی تنظیم خود در شرایط جدید یک چالش تاکتیکی نیست، بلکه ناشی از روبرو بودن با یک تضاد استراتژیک بین دو گزینه نامطلوب است؛ رژیم حاکم اگر برنامه‌های هسته‌ای و موشکی اش را پایه تضمین بقای و استراتژی بازدارندگی اش قرار دهد، با تهدید واقعی جنگ و فروپاشی روبرو خواهد شد و اگر از این دو ابزار دستکم برای مدتی چشم‌پوشد و در انتظار زمان مطلوب برای از سرگیری آنها بماند، مولفه‌های قدرت و انحصار آن و نیز بیمه نامه بقا را از دست می‌دهد و در پروسه این تحول با خطر سرنگونی چشم در چشم می‌شود. در هر دوی این سناریوها، عامل اجتماعی تعیین کننده نهایی است و حل و فصل آنچه که با کشمکش خارجی آغاز گردیده، به صف بندی داخلی منتقل می‌شود. براین اساس، حاکمان ج.ا می‌توانند بین به خطر انداختن بقای خود در کوتاه مدت با ادامه سیاست گذشته یا به خطر انداختن بقای شان در دراز مدت با کنار گذاشتن آن، یکی را انتخاب کنند.

دایره تنگ گزینه‌های رژیم ولایت فقیه همچنین محصول این واقعیت است که نه خود می‌خواهد و نه در اساس ظرفیت سیاسی و ایدئولوژیک لازم برای تغییرات واقعی در ساختار قدرت را دارد. دستگاه حاکم نه فقط ناتوان، بلکه به گونه ذاتی مخالف چنین تغییراتی است. حاکمیت همچنانکه نشان داده، حتی تن دادن یا دست زدن به اصلاحات سطحی و فریبنده را نیز تهدید می‌شمارد و از این نظر نه خود قادر به اصلاح می‌باشد و نه اصلاح‌پذیر است.

برآمد

تحول مخربی که حماس به جریان انداخت، در مسیر حرکت خود دهها هزار قربانی غیرنظامی در اسرائیل، غزه، لبنان، ایران و یمن به جا گذاشت، به روند اشغال فلسطین شتاب و قدرت بیشتری داد و تحقق رویای خلق فلسطین برای تشکیل کشور و دولت مستقل فلسطینی را بسا بیشتر از آن چه که بود، گمان ناپذیر کرد. ۷ اکتبر همچنین سیمای ژئوپلیتیکی خاورمیانه را به زبان رژیم ولایت فقیه و محور نیابتی آن دگرگون ساخت و بر آرزوی «قدرت منطقه‌ای» آخوند خامنه‌ای و گزماه‌هایش مهر بطان کوبید. ادامه اجتناب ناپذیر این تحول جنگ دوازده روزه بود، اما مسیر آن هنوز به انتها نرسیده و برای رژیم خامنه‌ای از یکطرف و خاورمیانه از طرف دیگر پیامدهای بیشتری را در آستین دارد.

رنگ سرخ زعفران و گوجه فرنگی با خون کودکان کار بلوچ زینت میرهاشمی

کارهای زبانبار که سلامت کودکان از نظر بهداشت، توقف در آموزش و موانع در پیشرفت اجتماعی و... از کودکان حفاظت کند. رژیم فاسد جمهوری اسلامی به هیچکدام از تعهدات کنوانسیونهای بین المللی عمل نکرده و حقوق کودکان هم یکی از آنها است.

محرومیت اجباری کودکان بلوچ

روز ۱۰ مهر، مسعود پزشکیان، دعاگو و دست به سینه خامنه ای، در استان هرمزگان گفت: «اگر فکر می کنید از دولت چیزی بگیرید، بشینید تا پچه هاتون بی سواد باریان. اصلا فرض کنید ما نیستیم؛ واسه آموزش بچه تون چی کار می کنید؟» زهی بی شرمی از این همه گراف گوئی!

پاسخ پزشکیان، در حرکتی اعتراضی و شعارهای مردم به خوبی داده می شود. ایران بدون جنایتکارانی مانند پزشکیان و امسال او، بهتر خواهد بود. راهی از این جهنمی که رژیم برای مردم ساخته آرزوی میلیونها ایرانی است.

مجلس نشین از چابهار: «از هر ۱۰۰ نفر دانش آموز در سیستان و بلوچستان، کمتر از ۴۰ نفر موفق به کسب دیپلم می شوند... بیشتر دختران هستند... ۲۳ هزار کلاس فاقد معلم، ۱۴ هزار و ۵۰۰ معلم کم داریم... به دلیل نبود سرویس مدارس با کمپرسی و تریلی رفت و آمد می کنند و همچنین حادثه چهارم آذرماه که یک مینی بوس حامل دانش آموزان بلوچ در شهرستان قصرقند واژگون و آتش گرفت و...» (تجارت نیوز، ۱۰ آذر ۱۴۰۲)

محروم کردن کودکان دانش آموز در شهرهای سیستان و بلوچستان، به دلیل نداشتن شناسنامه در سال تحصیلی ۱۴۰۴، یکی از این گونه نمایشهای اقتدار رژیم بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه است. کودکان دانش آموز بدون شناسنامه از سال ۱۳۹۶ با اظهاریه خانواده می توانستند در مدارس تحصیل کنند که این امکان از آنها در سال جدید گرفته شد. رژیم تحمیلی بی سواد را به تبعیض در بی هویتی این کودکان اضافه کرد.

یکی از کودکان که با دید کودکانه اش نداشتن شناسنامه را کوچک فرض می کند گفته است: «از روزی که مدرسه شروع شده ما فقط می ریم و می آییم... ۲۵۰ نفر به خاطر شناسنامه کوچک نمی توانیم درس بخوانیم... ما نمی توانیم درس بخوانیم؟ ما بلوچ هستیم و من یک دختر ۱۱ساله هستم که امسال می خواستم به کلاس چهارم بروم.» (اعتماد آنلاین ۱۲ مهر ۱۴۰۴) به گفته فعالان اجتماعی بلوچستان، اکثریت این کودکان از خانواده های یک طرف ایرانی و یا دو طرف ایرانی هستند.

در مناطق محروم سیستان و بلوچستان، جایی که شلاق فقر بر کرده کودکان شکاف می اندازد، محرومیت از شناسنامه و جلوگیری از تحصیل، به حساب نشمردن آنها در جغرافیای ایران است. این امر، تبعیض مضاعف، عدم دستیابی به امکانهای اجتماعی و... پدیده ای غیر انسانی در حکومت فاسد ولایی است.

محروم نگاه داشتن جوانان سیستان و بلوچستان و دیگر مناطق مرزی، سیاستی هدفمند برای تداوم نابرابری، کنترل امنیتی و سرکوب است. کاربرد چنین سیاستی چه در زمان حکومت پادشاهی پهلوی و چه در دوره ۴۶ ساله جمهوری اسلامی، همواره مانعی در برابر توسعه، عدالت و... در این مناطق است.



بامداد روز دوشنبه ۲۱ مهر، خوروی حامل ۱۴ سرنشین از کارگران بلوچ و کودکان کار در مسیر مشهد - فریمان در برخورد با ستونهای بتنی در عوارضی باغچه مشهد، ۶ نفر جان باختند و بقیه سرنشینان زخمی شدند. سرنوشت آنها در این تصادف وحشتناک روشن است؛ قطعی عضو و مشکلات سلامتی که به دلیل فقر، امکان درمان آن را نخواهند داشت.

از این قبیل تصادفها در جاده های ایران، در سرویسهای نقل و انتقال کارگران، دانش آموزان و ... مرتب اتفاق می افتد، بخش دردناک این تصادف، وجود کودکان کار بلوچ، بدون شناسنامه و... است. بنا به گزارشهای محلی بیشتر آنها کودکان بین ۷ تا ۱۲ ساله بودند. شانه های کودکان کار بلوچ که اغلب همراه خانواده های خود برای برداشتهای فصلی به مزارع گوجه فرنگی، زعفران، پسته و... می روند زیر بار هنجارهای تبعیض مضاعف، بی عدالتی و... خم شده است.

وضعیت کودکان کار در استان سیستان و بلوچستان هر چندگاه در قاب تصویر یا گزارشی محدود در رسانه های حکومتی بازتاب می یابد. اما تاکنون برای پرکردن چاله های فقر از طرف غارتگران چاره اندیشی نشده بر عکس به برکت اقتصاد مقاومتی در مسیر پرکردن جیب الیگارشیهای مالی زیر چتر امپراطوری ولایت خامنه ای بسیار پیشرفت کرده است.

تاثیر اقتصاد مقاومتی خامنه ای، بیش از هر جای ایران، در مناطق محروم و به ویژه در استان سیستان و بلوچستان بوده است. تبعیض، فقر و بازتولید فقر ... آنچنان شکافی در جغرافیای ایران ایجاد کرده است که گویا این انسانها متعلق به ایران نیستند. کودکانی در مناطق محروم بر بستر فقر و تنگدستی چشم به جهان می گشایند، برخی از آنها اصلا شناسنامه ندارند، در تبعیض ملیتی قد می کشند، پابرهنگه در کوچه ها می روند، در مدرسه های کپری به کلاس اول می روند، در راه مدرسه جان شان را از دست می دهند، اگر زنده بمانند به صف ترک تحصیل کنندگان می پیوندند و...

ایران کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده است. بر اساس ماده ۳۲ این کنوانسیون، دولتها موظفند که در مقابل انجام

البته همین هموطنان بی شناسنامه ما در پای چوبه های اعدام، در شکنجه گاهها هویت دار می شوند. زنده یاد خدانور لجه ای، بلوچ و از اهالی زاهدان، مدرک هویتی نداشت و در جریان خیزش سراسری سال ۱۴۰۱، در سرکوب خونین جمعه زاهدان، به دست ماموران جنایتکار خامنه ای زخمی و به قتل رسید. بیمارستان تامین اجتماعی زاهدان، خدانور را که کلیه اش تیر خورده بود از درمان محروم کرد. نگاهی به لیست اعدامیهها کافیتست که این تبعیض و شکاف طبقاتی را در مناطق محروم سیستان و بلوچستان ببینیم.

در رابطه با لاکچری شدن تحصیل و پولی سازی مدارس، ساکنین شهرک پارس جم، روز یکشنبه ۱۲ مهر در اعتراض به نبود مدارس دولتی و هزینه ای بالای مدارس غیر انتفاعی دست به تظاهرات زدند و شعار دادند: «آموزش رایگان حق مسلم ماست.»

وضعیت بهداشتی کودکان از وضع آموزش فاجعه بارتر است. «در حالی که حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می دهند؛ تنها ۱۲ بیمارستان تخصصی کودکان در کشور فعال است.» (روزگار، چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۴)

به گزارش وبسایت حکومتی ایسنا، دکتر احمد اسماعیلزاده، مدیر دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت در همایش روز جهانی غذا که روز ۲۷ مهر امسال در انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور برگزار شد، اظهار کرد: آمار و ارقام میزان مرگ و میر کشور بیانگر این است که حدود ۴۰۰ هزار تا ۴۲۰ هزار نفر سالانه جان خود را از دست می دهند که ۳۵ درصد از این میزان برای مسائل تغذیه ای است. بنابراین با توجه به آمار و ارقام میزان مرگ و میر کشور می توان گفت که یک سوم مرگهای کشور یعنی حدود ۱۲۰ هزار نفر به دلیل مسائل تغذیه ای است.

وی درباره کاهش مصرف لبنیات، گوشت، میوه و سبزیجات هشدار داد و گفت: کاهش آمار مربوط به سوء تغذیه کشور به دلیل مسائل تغذیه ای و افزایش قیمت مواد غذایی سخت است ۱۰ هزار نفر به دلیل عدم دریافت اسیدهای چرب امگا ۳ جان خود را از دست می دهند، ۱۰ هزار مرگ منتسب به دریافت ناکافی میوه و سبزی هستند ۲۵ هزار نفر به دلیل عدم مصرف غلات و نان کامل به میزان کافی، جان خود را از دست می دهند، مصرف لبنیات در کشور کمتر از نصف مقدار توصیه شده است دلیل این موضوع، قیمت بالای محصولات لبنی است.

حق تحصیل و بهداشت رایگان و برابری در آموزش از جمله حقوق بشر و سلامت نسلهای آینده است. این ابتدایی ترین خواست عمومی با ساختار فاسد رژیم تضاد دارد. برای تحقق آن، سرنگونی رژیم و برپایی ایرانی دموکراتیک با جدایی دین از دولت امری ضروریست.

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۲۴۸ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا ۳۰ مهر ۱۴۰۴

دهم اکتبر، روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام

در بازه زمانی ۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۵، دستکم ۱۵۳۷ نفر در نقاط مختلف ایران به شیوه حلق آویز اعدام شدند، که این رقم در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته، حدود ۸۶.۰۷٪ درصد افزایش داشته است.

روز یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۴، پس از هفت روز اعتصاب غذای گسترده در واحد ۲ زندان قزلحصار کرج، که صدها زندانی با شعار «نه به اعدام» در آن شرکت کرده بودند با بازگرداندن شش زندانی از سلول انفرادی، به طور موقت پایان یافت.

۱ مهر: فرهاد مهدی پور در ایلام

۲ مهر: میثم کرمی، جابر عسگری، احمدرضا گراوند و فرشاد گراوند و امیر (نام خانوادگی نامشخص) در قزلحصار کرج در قزلحصار کرج/ کیوان رحمتی، سجاد اصلانی، علی کشاورز و احمد بختیار در اصفهان/ مهناز دهقانی، سید مراد همتی، کامران امیرزادگان در شیراز/ علی صابری در ایلام/ بیژن سلیمانی در نهاوند/ میثم خدادادی در گرگان/ کیوان محمدی در زنجان

۳ مهر: مهدی سالاری پور در کرمان

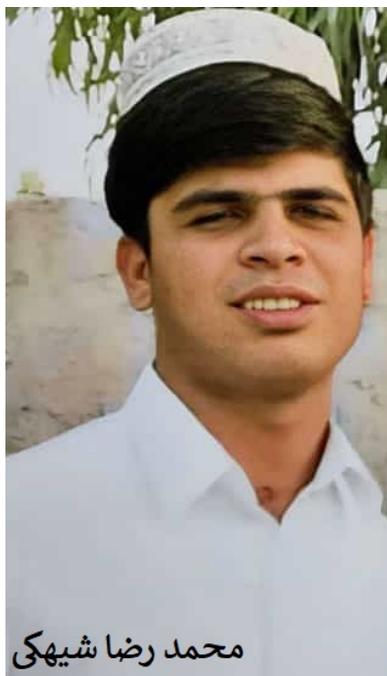
۵ مهر: یونس احمدی در خرم آباد/ مهران بیرانوند در همدان
۶ مهر: رسول نوری در اراک/ محمود نظری در جیرفت/ سعید پارسایی در کرمان/ اسماعیل رحیمی تبار و قدرت دهقانی در شیراز/ خشایار امیری در گرگان/ قدرت نظری و مهدی ویسی در خرم آباد/ علی سمساری و سامان سمساری در ساری/ صلاح الدین آقامحمدی در یاسوج/ عزیز قربانی فر در بم/ رضا شهلاهی نیا در کرمان/ رضا زارع و رضا حیدری در کرج/ کورش سعادت در کاشان/ مهران صحرایی و منوچهر شهبازی در شیراز/ رضا انصاری در جیرفت.

۷ مهر: بهمن چوبی اصل در زندان قزلحصار/ کمال اسدی، صمد رضایانه و مراد جعفریگی در قم/ یاسر بخشی در سمنان/ محمدرضا محمدی برنجگانی، جبران ظاهری، میلاد کیانی و بهنام میراحمدی و مهران جعفری در اصفهان/ حامد بدرآبادی در ملایر

۸ مهر: محمود قیطرانی در سنندج/ جهان هوشمند در اهواز/ غلام علی نازاریان، سعید امیری و مهرداد شهیدی در کرمانشاه

۹ مهر: علی گراوند، جواد سرگزی، حمیدرضا ملکی، مهدی مرادی، سعید سیدی طبائی و سجاد محمودی در قزلحصار کرج/ جعفر پور وردی، حیدر رضایی پور و هوشنگ رحمان طلب در لاکان رشت/ محمد فرجی در سنندج/ کامران نوابی در همدان/ مصطفی صالحی، نادر میانچی و حمزه سعیدی در اصفهان/ صادق بازوند در دزفول/ سلیمان محمودوند و خرم در همدان/ خسرو مرادلو در زنجان/ خدایار فرجی در بیرجند

۱۰ مهر: سعید براهویی در زاهدان/ کامیار براتی در کرمانشاه/ محمدرضا شیپکی در ایرانشهر



محمد رضا شیپکی

۱۲ مهر: سامان محمدی خیاره در قزل حصار کرج/ محمدرضا مقدم، علی مجدم، معین خنفری، حبیب دریس، عدنان غیبشایوی و سالم موسوی در زندان سپیدار اهواز

سید عدنان غیبشایوی سید سالم البوشکه علی مجدم



محمدرضا مقدم حبیب دریس معین خنفره(خنفری)

۱۳ مهر: عرفان افضلی در ساری/ رحمان درخشانی، محمد سلطان پور، نورمحمد ناصری و فرزاد رسول زاده در شیراز/ بهمن رحیمی در اراک/ محسن برزگر در قزوین/ مظفر درودی در سمنان/ سبحان نجفی در ملایر/ احمد رضایی در نهاوند

۱۴ مهر: رضا سقایی در سبزوار/ احمد ارزانی و ابوالفضل لری در اصفهان/ ابوالفضل سیدحسینی در ساوه/ طالب هجرتی پور در سنندج/ شاه حسین افشار در نیشابور

۱۵ مهر: جلال مرادی در تایباد/ محمد سابکی در بم/ سید محمود بهشتی، بهمن شاه حسینی، یونس شهبازی و یک زندانی به نام علی در قزل حصار کرج/ رحیم توکلی در اصفهان/ یک زندانی با نام فرزاد در قم/ ارسلان خانی و یک زندانی به نام قاسم در کرمانشاه/ ابراهیم رضاپور در مراغه/ صابر نصیری در الیگودرز/ ابراهیم عزیزی در بجنورد

۱۶ مهر: بهنام نیکتام در آمل/ شهاب جابری و رحمان (نام خانوادگی نامشخص) در مشهد/ مسعود ملکی (ملک زهی) در

اصفهان/ سجاد امیری و حشمت فروغی در شیراز/ سید محمود حسینی، محمود ولی الهی، احمد محمدی، علی سعیدزاده فهیمی، آرمان کاکاوند و میلاد یاری در قزل حصار کرج/ سیف الله شجاعی در زندان بروجرد

۱۹ مهر: حافظ رحمتی در خرم آباد/ همایون صفری در ایلام/ رحمان کهنزادی و علی اکبر حسینی در زنجان/ محمدرضا اخباری در یاسوج

۲۰ مهر: اسماعیل روشنی در کاشان/ فردین پرویزی در سمنان/ حمید عبدلی و سعدی خلیفه در دزفول/ حسن سهرابی و بهزاد مریدان در اراک/ ایوب لطیفیان در خرم آباد
۲۱ مهر: ابراهیم رئیسی و مرتضی درویشی (طاهرزهی) در میناب/ زینب خدابخنده و سبحان صفی نژاد در اصفهان/ موسی یگانه در قزوین/ آربین مرادی در جیرفت/ سعید دولت آباد در کرمان/ کریم اصلانی در یزد/ جواد یوسفی و اسکندر مالکی در قزوین

۲۲ مهر: یحیی نجفی در گچساران/ ابراهیم دلارام (آرام دل)، فاتح حقداریان و الله کرم قاسمی در یاسوج/ یارحسین نازاریان در خرم آباد/ احسان پور معصومی در سیرجان/ مجتبی حسن پور در رشت/ قاسم رحمت زهی و میثم غلامی در بیرجند/ شهرام چنایی و بیژن قهاری در کرمانشاه/ شفیع فراتی و بهزاد علی زاده در سمنان/ مصطفی (جاسب) میرزایی و ایوب لطیفیان در خرم آباد.

۲۳ مهر: امیر رضا قبادی، مجید حاتمی و سجاد حاتمی در کرج/ مسعود نعمتی نیا و محمد رفیق گله بچه در اراک/ عماد (قنبر) مرگان در اسفراین/ اسحاق زی (تبعه افغانستان) و مازیار بهرامی در اصفهان/ میلاد جهانی، سجاد شهریارگی گل مکانی، توج رستمی، نصیر باباحمدی، منصور بیدلی و کافیه قبادزاده در شیراز/ احمد بک ناصری در ایلام/ ناهید همتی در نهاوند/ مازیار فتحی در تایباد/ محمد نعیمی و کاظم امیدی در اهواز/ سلطان مرادمحمدی در قم



۲۴ مهر: جابر نادری و جلال محمودی در کرمان/ محمدرضا چراغی در شاهرود/ ابوالفضل گروس، شعبان عزتی و رضا یوسفی در تبریز

۲۶ مهر: کامران امینی در خرم آباد/ سید کاظم موسوی و یک زندانی دیگر در قم/ علی رضا خودکار در زندان لاکان رشت/ مهدی حمزه ای پور در اراک/ جواد نعیمی در قم

بقیه در صفحه ۷

محمود درویش؛ صدای زخم خورده ملت فلسطین

م. وحیدی



همه بیابید!

می‌خواهیم در این تاریکی

چراغی روشن کنیم...

(محمود درویش ۱۹۴۱ - ۲۰۰۸)

فلسطین دهها شاعر و نویسنده ارزشمند، با صدها اثر داشته و دارد، اما «اگر یک تن را برای نمونه بخواهیم انتخاب کنیم که شعرش با نام فلسطین همواره تداعی می‌شود، محمود درویش»^۱، سرشناس‌ترین و تحسین‌ترین شده شاعری که زندگی‌اش در تبعید و آوارگی و اشغال گذشت است. او از جایگاه و موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود و آثارش سندی تاریخی از مقاومت ملتی ستمدیده و رنجور است؛ وی را باید از بنیانگذاران ادبیاتی دانست که «غسان کنفانی»^۲ نامش را «ادبیات مقاومت» نامید.

محمود درویش شاعر و روشنفکری خوش‌قریحه و آفرینشگر بود، که با نبوغ و درک واقعیت و پایداری به اصول و ارزشهای انسانی، هنرش را با آرمان مردم فلسطین پیوند زد. او با تسلط به زبان و تکنیک، و دریافتی عمیق و تاریخی از زمان خود، وارد عرصه‌ی شعر و ادبیات شد. اشعار وی، آمیزه‌ای از شجاعت، وطن‌پرستی، رنج، تبعید، رزم، عشق و اندوه هست، و از دل همین تجربه‌های تلخ، صدایی جهانی برای انسان، خاک و آزادی گردید.

محمود درویش، با آرزوها و رویاهای انسان‌گرایانه‌اش، تنها یک شاعر نبود؛ بلکه سخنگوی انسان معاصر در جستجوی کرامت و وطن بود. وطنی که برای او خاک نبود، هویت بود؛ حافظه بود؛ مادر بود؛ و عشق و زایش و همزیستی؛ شاعری که فقط با کلمات، واقعیات را آشکار نمی‌کرد؛ بلکه آن را خلق می‌کرد و در شرایط ناسازگار، اشعارش را در جهت بیداری، تحول و برانگیختگی می‌سرود. او پلی شد، میان زیبایی و فاجعه، و تجسم شاعری که از دل زخمها، گل و شکوفایی می‌ساخت:

«من نماینده‌ی زخمی هستم

که چانه نمی‌زند؛

ضربه‌ی دژخیم آموخت مرا،

که با وجود زخمم

ره بسپارم؛

ره بسپارم؛

و

همچنان ره بسپارم،

و پایداری کنم».^۳

وی با تخیلات ریشه‌دار و آزادی‌خواهانه، و کنشی اصیل، مخاطب همه‌ی قلبهای تپنده و زنده بود و با ذهنیت غنایی در شعر، خواننده را وا می‌داشت، که آرزوها و رویاهایش را، با اندیشه ببیند. شعر او، شعر جسارت بود؛ با ترکیبی از تغزل و حماسه. سروده‌هایی سرشار از تصاویر عاشقانه و طبیعت‌گرایانه، ناب و پر از خشم و درد و پایداری و تبعید:

«فریاد بز!»

برای شنیدن شدن خود؛

و فریاد بز!

تا بدانی که هنوز زنده‌ای؛

و

زندگی این زمین

امکان پذیراست؛

پس،

امیدی برای گفتار ابداع کن!

مقصودی،

یا سرایی نو آخرین کن!

که امیدواری راه،

تداوم بخشد؛

و

آواز بخوان!

که شیفنگی،

زیبایی آزادی ست».



محمود درویش در سال ۱۹۴۱ در روستای «البروه» به دنیا آمد [۴] (بعدها اسرائیل آن جا را ویران و اشغال نمود). سرودن را از مدرسه شروع کرد و در نوزده سالگی - ۱۹۶۰ - اولین دفتر شعرش را به نام «گنجشکهای بی‌بال» منتشر نمود. او تحت تاثیر شاعران عرب «عبدالوهاب البیاتی» [۵] و «بدر شاکرالسیاب» [۶] قرار گرفت. چندبار به زندان افتاد و سپس، به حزب کمونیست اسرائیل پیوست. تنها حزبی که بیش از همه، به حقوق مردم فلسطین توجه داشت و محمود درویش در دو روزنامه‌ی وابسته به آن «الاتحاد» و «الجدید» قلم زد. در سال ۱۹۷۰ برای ادامه‌ی تحصیل به مسکو سفر کرد؛ اما درسش را نیمه تمام رها نمود، به قاهره رفت و به جنبش فتح پیوست. مدتی عضو کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین و رییس اتحادیه نویسندگان فلسطینی بود. همچنین، در آن سالها، بنیانگذار و سردبیر یکی از معتبرترین و مهمترین فصل‌نامه‌های ادبی و مدرن جهان عرب به نام «الکرمل» شد. اشعار و مطالب او - خصوصا در کشورهای عربی - با ستایش و احترام خوانده می‌شده است:

«به دیگران فکر کن!

همین که صبحانه‌ات را می‌چینی،

به دیگران فکر کن!

دوری کبوترها را از یاد نبر!

همین که به جنگ می‌روی،

به دیگران فکر کن!

آنها راه

که صلح می‌خواهند فراموش نکن!

همین که قبض آبت را می‌پردازی،

به دیگران فکر کن!

همین که به خانه‌ات باز می‌گردی،

به دیگران فکر کن!

خسته نشینان را از یاد نبر!

همین که می‌خوابی و ستاره‌ها را می‌شماری،

به دیگران فکر کن!

آنجا

کسانی هستند که جایی برای خواب ندارند!

وی با وسعت بخشیدن به فرهنگ و زبان عربی، آن را به رسانه‌های جهانی برای سخن گفتن از رنج مردم فلسطین بدل کرد. او با آشنایی به فرهنگ و ادب یهودیان و تسلط به زبان عبری، همواره از حقوق مردم اسرائیل دفاع و با یهودی ستیزی مخالفت می‌کرد.

«آیا می‌آزایم کسی را؟

آیا توهین می‌کنیم به کشوری؟

اگر حتی از دور، حتی یک بار،

به ما

نمی، از شادی برسد»؟

محمود درویش در رساندن پیامش، علاوه بر عناصر طبیعی، تاریخی و اجتماعی از اسطوره‌ها و روایات مذهبی نیز کمک گرفته و استفاده می‌کرد. از جمله در شعری به نام «من یوسفم پدر»، که یوسف راه، نماد ملت فلسطین گرفته و اسرائیل و ملت‌های عرب راه، به برادران خود تشبیه کرده‌ست [۷].

«من یوسفم پدر؛

پدرا! برادرانم دوستم نمی‌دارند.

پدرا! مرا همرا خود نمی‌خواهند؛

آزارم می‌دهند،

با سنگ‌ریزه،

و سخن مرا می‌رانند؛

می‌خواهند که من بمی‌رم؛

از خانه بیرونم کردند؛

از کشتزار بیرونم کردند؛

انگورهایم را به زهر آلودند؛

مگر من چه کرده‌بودم پدرا!

تو یوسفم نامیدی

آنان به چاهم انداختند.

ای پدرا!

آیا من به کسی جفا کردم»؟

نوآوری در فرم شعر، زبان شاعرانه و موسیقایی، ترکیب عشق و سیاست، و تاثیر بر ادبیات عرب و شعر جهان، از ویژگیهای شعر محمود درویش است. شعر او ژرف و چند لایه است. او، بارهایی وزن و قافیه سنتی، به شعر آزاد عربی، جان تازه ای بخشید و با استفاده از استعاره‌های پیچیده و تکرار، باعث شد، شعرهایش هم از نظر موسیقی و هم از نظر تصویرسازی برجسته باشند. همچنین، توانسته مضامین عاشقانه راه، یا درد بقیه در صفحه ۷

محمود درویش؛

صدای زخم‌خورده ملت فلسطین

بقیه از صفحه ۶



تبعید و مقاومت درآمیزد و این تلفیق، در ادبیات عربی - اگر نگوییم بی‌نظیر - کم نظیر بود. او شعر مقاومت فلسطین را به رشد و بالندگی رساند.

گنجاندن آثار او در کتابهای درسی اسرائیل در سال ۲۰۰۰، بحران سیاسی ایجاد کرد که نشان دهنده قدرت فرهنگی شعرهای اوست. شعر او، نوعی مقاومت غیر مسلحانه بود که در برابر روایت‌های رسمی و رسانه‌ای می ایستاد و دشواری و رنج مردم فلسطین را برجسته می‌کرد. اشعاری که به صدای میلیونها مهاجر و آواره در سراسر جهان تبدیل شد و حس همدردی ایجاد می‌کرده‌است. در بهار عربی، کشورهای تونس، مصر و سوریه اشعار او را در تجمعات مردمی می‌خواندند و به نماد مقاومت فرهنگی تبدیل گردید. بسیاری از سروده‌های او به شکل ترانه های عمومی و آوازهای محبوب درآمدند. شعرهایی چون: «حاصر، محاصرون» و «با هویت من بنویس!» به شعرهایی سیاسی برای نسلها، تبدیل و به فراتر از مرزهای عربی رفته‌اند:

«بنویس،

من عربم!

شماره شناسنامه‌ام پنجاه هزار است؛

هشت فرزند دارم؛

آیا عصبانی می‌شوی؟»

محمود درویش پس از امضای تفاهم‌نامه صلح اسلو در ۱۹۹۳ از سازمان فتح کناره گرفت و عرفات را مورد انتقاد قرار داد؛ اما همچنان در کنار جنبش بود و هنگام محاصره محل اقامت او توسط اسرائیل، از وی دفاع نمود.

«برگهای زیتون» (اوراق الزیتون)، «عاشقی از فلسطین»، «آن چه را می‌خواهم ببینم»، «نقاشی دیواری»، «چون شکوفه بادام یادورتر»، «یادداشت‌های روزانه آندوه عادی»، «و...» «حافظه‌ای برای فراموشی» از درخشان‌ترین دفاتر شعر و نثر او هستند. منتقدان، وی را با بزرگان شعر جهان، چون «لورکا»، «پل الوار» و... «ناظم حکمت» مقایسه می‌کنند. او طی سالها فعالیت خود، جوایز متعددی از جمله «جایزه انجمن بین‌المللی شعر عربی»، «جایزه صلح لنین»، «جایزه ابن‌سینا»، «جایزه هنرهای حماسی فرانسه» و... «جایزه لوتس» (از انجمن نویسندگان آفریقایی - آسیایی) را دریافت نمود.

مرگ او در پی عمل جراحی قلب در آمریکا، (در سال ۲۰۰۸ (موجی از سوک و آندوه در سرزمینهای عربی برانگیخت و جهان شعر و ادبیات، یکی از پرآوازه‌ترین و بزرگترین شاعرانش را از دست داد.

پانویس:

۱- «با چراغ و آینه»، دکتر شفیع کدکنی
 ۲- غسان کنفانی: (۱۹۳۶ - ۱۹۷۲) نویسنده و رمان‌نویس پیشرو، روزنامه‌نگار و متفکر برجسته سیاسی، صاحب کتابهای «مردانی در آفتاب»، «مردگان»، «مردها و تفنگها» و... «چه برایتان مانده»؛ او از اولین کسانی بود که مفهوم «ادبیات مقاومت» را وارد فرهنگ نوشتاری فلسطینها کرد.
 ۳- کتاب «آخر شب»، ص ۶۸، برگردان «موسی اسوار» انتشارات رادیو تلویزیون سال ۵۸
 ۴- ناصر خسرو در سفرنامه‌اش از آن به اسم «بروه» یاد کرده است: «به دهی رسیدم که آن را بروه می‌گفتند. آن‌جا قبرعیش و شمعون علیهم السلام را زیارت کردم».

۵- عبدالوهاب البیاتی: (۱۹۲۶-۱۹۹۹) شاعر نوگرا و مدرن عراقی، آرمانگرا و از جهانی‌ترین شعرای عرب، عضو حزب کمونیست عراق و صاحب کتابهای «الحریق»، «سفر الفقر و الثوره» و... «دیوان ملائکه و شیاطین»؛ وی با ناظم حکمت، اکتاویو پاز، نرودا و... مارکز حشر و نشر داشته‌است.

۶- بدر شاکر السیاب: (۱۹۲۶-۱۹۶۴) از شاعران مشهور عرب، متولد بغداد، و از پیشاهنگان شعر نو عرب، با اندیشه‌ی چپگرا که به سبب آشنایی‌اش با زبان انگلیسی، توانست با شعر آزاد غرب آشنا و تحولی در شعر سنتی ایجاد کند. وی چندین بار به زندان افتاد و در زمان دکتر مصدق به ایران گریخت و پس از مدتی ماندگاری به لبنان، و سپس به کویت رفت و در اثر بیماری درگذشت. مهمترین شعرش «سروده باران» است.

۷- در روایات مذهبی آمده‌است، یوسف برخلاف برادرانش که افرادی سنگدل و بدطینت بودند، جوانی پاکدل، درستکار و صمیمی بود. به همین سبب، مورد توجه پدرش قرار داشت. این موضوع باعث، نفرت و حسادت برادرانش نسبت به او می‌شد. در سفری بدون حضور پدر، یوسف توسط برادرانش به چاهی انداخته می‌شود و در بازگشت، به پدرگفته می‌شود که وی را، گرگی دریده و از بین برده‌است. آنها، برای صحت ادعای خود، پارچه‌ای خونین و دروغین به وی نشان می‌دهند.

آن روز، به طور اتفاقی، کاروانی از صحرا عبور می‌کرده‌است. صاحب کارون، برای به دست آوردن آب، کنار چاه توقف می‌کند. دلوی به چاه انداخته و هنگام بالا کشیدن، یوسف بآن خارج می‌شود. صاحب کاروان، او را به غلامی همراهش می‌برد. پس از سالیان، و طی حوادثی، یوسف به دربار فرعون راه می‌یابد و «عزیز مصر» می‌شود. او هنگام خشکسالی و قحطی سرزمین مصر، به برادران و پدرش که در سرزمین دیگری می‌زیسته و دچار قحطی شده بودند، کمک می‌کند، و این چنین، آنان را، از مرگ حتمی نجات می‌دهد.

- کتاب «شعر مقاومت»، در فلسطین اشغال‌شده» ترجمه کورش مهربان، تهران، چاپ افق، آبان سال ۱۳۴۹

- «عاشقی از فلسطین»، قاسم صنعوی، نشر توس، ۱۳۷۰

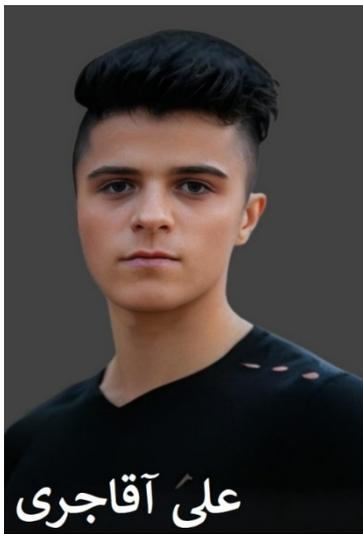
اعدام؛ راهکاری برای

بقای امنیت نظام

بقیه از صفحه ۵

۲۷ مهر: نیما ترکان و یک زندانی دیگر در اراک/ ایوب والی در برازجان/ غلام نعیمی در بیم/ میلاد فروزنده در نیشابور/ مسلم سلیمانی دهکردی و صمد عزیزی در شهرکرد/ سعدی مینایی و محمد ابراهیمی در قزوین/ فرهنگ هوت نمادای در کهنوج/ کامبیز میرزایی در رشت

۲۸ مهر: علی آقاجری پیوند و سجاد شکری در زندان سیدار اهواز/ نورمحمد عسگری در زندان نهبوند/ حمید (نام خانوادگی نامشخص) در زندان کرمان/ فرشاد صاعی در خرم آباد/ بهمن سلطانی در همدان / سیاوش کریمی در ملایر



۲۹ مهر: اقبال خزائی، شهرام میرزایی و احمد (نام خانوادگی نامشخص) در کرمانشاه/ جلیل عاشوری در زندان وکیل آباد مشهد/ امیرحمزه شاهرزهی، سراج‌الدین ابی‌طالبی و محمد شمس در شیراز/ مهیار افراشته در ایلام/ عظیم دستاور، اسلام میرسیده و یک زندانی دیگر در یزد/ محمد کریم سلوکی در بجنورد/ گودرز موسوی در گچساران/ فردین وفاپی پور در بروجرد.

۳۰ مهر: خسرو وفادار در قم/ وحید سلحشور در گرگان/ ابراهیم عزیزی در بیرجند/ سامان طالبی / ابوالفضل طارمی در زنجان/ نادر عبدی و علی رضا کشاورز در شیراز/ نورمحمد شاملو در اسفراین/ سحان زمانی در کرج/ صفر علی رضایی در سمنان/ ابراهیم عزیزی در بیرجند/ حبیب حق شناس، عبدالرضا غلامی، سعیده خدادادی و بشیر در اصفهان/ ساسان لرستانی در کرمانشاه/ منصور ایرانی، شهاب (نام خانوادگی نامشخص)، و "ا.م." در قزلحصار/ معروف فتاحی در تبریز

قتل زندانیان به دلیل بی توجهی به نیاز پزشکی

سجاد شعبانی در شیراز، حسن صحراپی و سعید کریمی در قزلحصار کرج، سودابه اسدی، جمیله عزیزی و سمیه رشیدی در زندان قرچک نیاز به رسیدگی پزشکی داشتند اما به دلیل بی توجهی مسئولان جان خود را از دست دادند.

رویدادهای هنری ماه (مهر ۴۰۴)

هنر مقاومت

دستگیری رپر اهوازی معترض



منابع حقوق بشری از بازداشت عباس دغاغله، خواننده عرب زبان اهل اهواز با نام هنری «رشاش»، خبر دادند. این هنرمند که آثارش به زبان عربی و با مضامین اجتماعی منتشر می‌شود، روز جمعه ۱۸ مهر ۱۴۰۴ توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شد. ماموران با یورش به منزل وی، ضمن ضبط تجهیزات موسیقی و تلفن همراه، او را بدون ارائه حکم قضایی بازداشت کردند. خانواده دغاغله اعلام کرده‌اند که تنها تماس کوتاهی از سوی نیروهای اطلاعات سپاه با آنان برقرار شده و از محل نگهداری او اطلاعی ندارند. عباس دغاغله در آثار خود به صراحت از تبعیض، فقر و نژادپرستی علیه مردم عرب اهواز سخن گفته بود. فعالان فرهنگی و حقوق بشری بازداشت او را بخشی از روند سرکوب صداهای معترض در ایران می‌دانند.

هنر در تهران پس از جنگ: بازگشت خلاقیت در سایه ویرانی



روزنامه هنر

در پی جنگ ۱۲ روزه میان رژیم ایران و اسرائیل در تابستان ۲۰۲۵، تهران تنها با خسارات فیزیکی و روانی روبرو شد، بلکه صحنه هنری آن نیز دچار سکون و شوک شد. گالریها تعطیل شد، نمایشگاهها لغو گردید و هنرمندان با محدودیتهای شدید مواجه شدند. اما در فاصله‌ای کوتاه، نشانه‌هایی از بازسازی، مقاومت و خلاقیت دوباره پدیدار شده است.

به گفته «ساروی گرانپایه» در پادکست «روزنامه هنر» (The Art Newspaper)، با فروکش کردن بحران، برخی گالریهای خصوصی با حمایت‌های مردمی و

سرمایه‌گذارهای کوچک فعالیت خود را از سر گرفتند. نمایشگاههای خانگی و زیرزمینی، به ویژه در مناطق مرکزی تهران، به بستری برای بیان هنرمندان جوان تبدیل شده‌اند. آثار با مضامین جنگ، مقاومت و امید به آینده در قالبهای نقاشی، چیدمان و هنر دیجیتال به نمایش درمی‌آیند. با محدودیتهای فیزیکی و نظارتی، بسیاری از هنرمندان به فضای مجازی روی آورده‌اند. نمایشگاههای آنلاین در اینستاگرام، تلگرام و پلتفرمهای مستقل ایرانی رشد چشمگیری داشته‌اند. برخی هنرمندان حتی از فناوری NFT (گواهی مالکیت دیجیتال روی شبکه بلاک چین) برای فروش آثار خود استفاده می‌کنند، هرچند با چالشهای فنی و قانونی روبرو هستند.

آثار هنری پس از جنگ به طور عمده به نقد قدرت، سانسور و بازنمایی تجربه‌های زیسته در دوران جنگ می‌پردازد. هنرمندان زن نقش برجسته‌ای در بازنمایی ترس، تاب آوری و امید ایفا می‌کنند. آثار آنها اغلب با زبان استعاره، بدن و حافظه تاریخی، تجربه‌های شخصی و جمعی را بیان می‌کنند. با وجود فشارهای سیاسی، هنرمندان نشان داده‌اند که هنر نه تنها ابزار بیان، بلکه شکلی از مقاومت است. آنها در حال بازتعریف نقش خود در جامعه هستند.

علیه سانسور: نمایشگاه «الان نگاه نکن» در نیویورک



منبع: The art newspaper

در شرایطی که فضای سیاسی ایالات متحده تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ با محدودیتهای فزاینده بر آزادی بیان مواجه شده، نمایشگاهی با عنوان «الان نگاه نکن» در محله «نولیتا» نیویورک برگزار شده است. این نمایشگاه توسط سازمان غیرانتفاعی «هنر در چنین زمانی» (Art At A Time Like This) با هدف اعتراض به سانسور آثار هنری سیاسی و اجتماعی برگزار شد.

در این نمایشگاه، آثار ۲۴ هنرمند معاصر به نمایش درآمده که به دلایل مختلف از جمله انتقاد از خشونت پلیس، حمایت از حقوق زنان و ترنسها یا همبستگی با فلسطین با سانسور یا حذف مواجه شده‌اند. از جمله هنرمندان حاضر می‌توان به «شپرد فیری»، «مرلین مینتر» و «درید اسکات» اشاره کرد. «باربارا پولاک»، یکی از بنیان‌گذاران نمایشگاه گفت: «ما شاهد افزایش خودسانسوری در موزه‌ها هستیم. بسیاری از مووسسات از ترس واکنشهای سیاسی یا اجتماعی، نمایش آثار را لغو می‌کنند.»

نمایشگاه «الان نگاه نکن» نه تنها اعتراض به سانسور است، بلکه تلاشی برای بازگرداندن نقش اجتماعی هنر به عنوان محرک گفتگو، نقد قدرت و دفاع از حقوق انسانی است. برگزارکنندگان تاکید دارند که هنر نباید به کالایی در خدمت

بازار کاهش یابد، بلکه باید بستری برای بیان آزاد و شجاعانه باشد.

سینما

آمریکا در آینه «یک نبرد پس از دیگری»



تایم

فیلم «یک نبرد پس از دیگری» (One Battle After Another) نه تنها یک اثر سینمایی پرهیجان و خوش ساخت است، بلکه آینه‌ای تیره و چندلایه از بحرانهای اجتماعی و سیاسی ایالات متحده در دهه‌های اخیر به شمار می‌آید. «پل توماس اندرسون»، کارگردان و نویسنده فیلم، با بهره گیری از طنز سیاه، نمادپردازی اغراق آمیز و شخصیت‌هایی پیچیده، جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن خشونت، تبعیض و بی‌اعتمادی به نهادهای قدرت به نقطه جوش رسیده است.

در مرکز روایت، ارتشی شبه‌نظامی و فاشیستی قرار دارد که خیابانها را در کنترل خود دارد و با سیاستهای انسان‌گریزانه، مهاجران و اقلیتها را سرکوب می‌کند. این تصویر، بازتابی از واقعیت‌های تلخ جامعه آمریکاست؛ از حضور نیروهای ICE در شهرها گرفته تا گسترش خشونت پلیسی.

فیلم روایتگر بازگشت اعضای گروهی از انقلابیون سابق به نام «فرانسه ۷۵» است که برای نجات دختر یکی از اعضا متحد می‌شوند. گروه «فرانسه ۷۵» نماد مقاومت چپ‌گرایانه در برابر نظام فاشیستی است. با این حال، فیلم نشان می‌دهد که حتی این مقاومت نیز از تناقضات درونی، خشونت بی‌هدف و ناکارآمدی رنج می‌برد.

خندیدن به فرانکو هنگام شام



فیلم «شام» (La Cena) به کارگردانی «کانوئل گومز پریرا» (Manuel Gómez Pereira) تا حد زیادی یک تابوشکنی تاریخی و سیاسی است، به ویژه در زمینه بازنمایی دوران پس از جنگ داخلی اسپانیا و نقد غیرمستقیم بقیه در صفحه ۹

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۸

رژیم فرانکو. استفاده از طنز برای نقد رژیم دیکتاتوری فرانکو در سینمای اسپانیا هنوز هم با حساسیتهایی همراه است، به ویژه در رسانه‌های دولتی و محافظه‌کار.

این فیلم جسورانه در تلاش است تا با زبان طنز، یکی از تاریک‌ترین فصلهای تاریخ اسپانیا را بازخوانی کند. «شام» نه تنها یک کمدی تاریخی است، بلکه بیانیه‌ای فرهنگی درباره قدرت خنده در برابر اقتدار است.

داستان فیلم باز این قرار است که دو هفته پس از پایان جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۹، فرانکو دستور برگزاری یک شام تشریفاتی در هتل پالاس مادرید را صادر می‌کند. اما هتل به بیمارستان تبدیل شده، آشپزها غیب شده‌اند و تنها گزینه باقیمانده، گروهی از زندانیان جمهوریخواه است که باید در زمان محدود، یک ضیافت بی‌نقص برای دیکتاتور آماده کنند. در دل آشپزخانه، زندانیان جمهوریخواه به ظاهر مشغول تهیه شام هستند، اما در واقع در حال طراحی نقشه‌ای برای فرار هستند. این تقابل میان پیروزی ظاهری رژیم و مقاومت خاموش بازماندگان، نوعی افشای خشونت پنهان و سرکوب تاریخی است.

فیلم بر اساس نمایشنامه‌ای از «خوزه لوئیس د سانتوز» (José Luis Alonso de Santos) ساخته شده که خود از چهره‌های منتقد رژیم فرانکو است. این اقتباس، صدای کسانی را بازتاب می‌دهد که در تاریخ رسمی اسپانیا کمتر شنیده شده‌اند.

«شام» فقط با دیکتاتور شوخی نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد چگونه طنز می‌تواند ابزاری برای بازسازی حافظه تاریخی باشد. در کشوری که هنوز درباره گذشته‌اش دویاره است، این فیلم دعوتی است برای گفتگو، نه فراموشی.

روسیه به فیلم جعفر پناهی اجازه نمایش نداد



رادپوردا شرکت پخش‌کننده فیلم «یک تصادف ساده»، ساخته جعفر پناهی در روسیه اعلام کرد به دلیل صادر نشدن مجوز پخش از سوی وزارت فرهنگ روسیه، این اثر در تاریخ اعلام شده قبلی در این کشور به نمایش در نخواهد آمد.

این شرکت دلیل خودداری روسیه از صدور مجوز برای فیلم آقای پناهی را اعلام نکرده است. پیشتر گفته شده بود که فیلم «یک تصادف ساده» از ۳۰ اکتبر (حدود دو هفته دیگر) در این کشور اکران می‌شود.

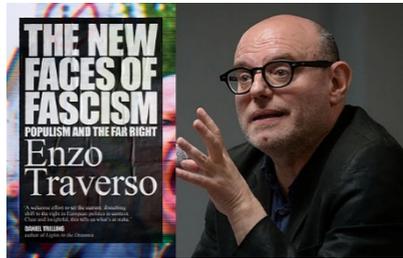
این فیلم آخرین ساخته جعفر پناهی، فیلمساز منتقد حکومت ایران، است که در دوره گذشته جشنواره کن موفق به دریافت جایزه نخل طلای بهترین فیلم شد.

فرانسه این فیلم را به عنوان نماینده خود برای شرکت در بخش بهترین فیلم بین‌المللی جوایز اسکار ۲۰۲۵ معرفی کرده است. اکران «یک تصادف ساده» در هفته‌های اخیر در فرانسه با استقبال قابل توجهی روبرو شده است.

این فیلم بدون دریافت مجوزهای رسمی و رعایت حجاب اجباری از سوی بازیگران زن در ایران ساخته شده و قرار است در چندین کشور دیگر دنیا هم به نمایش درآید.

ادبیات

«چهره‌های جدید راست» همچنان به‌روز



روزنامه چپ (La Izquierda Diario)

چاپ سوم کتاب «چهره‌های جدید راست، قدرت و تضادهای مرحله پسافاشیستی» نوشته مورخ برجسته ایتالیایی، «انزو تراورسو» (Enzo Traverso)، توسط انتشارات «قرن ۲۱» منتشر شد. این کتاب اولین بار در سال ۲۰۱۸ به بازار آمد.

در سالهای اخیر، ظهور چهره‌هایی چون «دونالد ترامپ»، «ژانیر بولسونارو»، «مارین لوپن» و «خاویر میلی» بحثهای گسترده‌ای درباره ماهیت راست افراطی در قرن بیست و یکم برانگیخته است. بسیاری از تحلیل‌گران، این جریانها را «فاشیست» می‌نامند، اما انزو تراورسو با طرح مفهوم «پسافاشیسم» تلاش می‌کند تا چارچوب تحلیلی دقیق‌تری برای فهم این جلوه‌های راست ارتجاعی ارائه دهد.

تراورسو تأکید می‌کند که فاشیسم کلاسیک، پدیده‌ای خاص اروپا در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بود. این جنبشها واکنشی به انقلاب اکتبر و تهدید قدرت طبقه کارگر بودند و پروژه‌ای تمدنی با افق انویایی داشتند. فاشیسم نه تنها ضد لیبرالیسم و ضد کمونیسم بود، بلکه در پی ساختن «نژاد جدید» و نظم نوین از طریق خشونت سازمانیافته بود. پسافاشیسم اما فاقد این مؤلفه‌هاست.

تراورسو رابطه‌ای مستقیم میان پیشروی مبارزات طبقاتی و عقب‌نشینی پسافاشیسم می‌بیند. مثالی که چون انقلاب اسپانیا در ۱۹۳۶ یا مبارزات معاصر مانند جنبشهای کارگری در فرانسه نشان می‌دهد که مقاومت مردمی می‌تواند مانع تثبیت راست افراطی شود. او تأکید می‌کند که بدون مبارزه طبقاتی نمی‌توان با پسافاشیسم مقابله کرد.

از این نویسنده دو کتاب به نامهای «غزه در پیشگاه تاریخ» و «مالیخولیای چپ» به فارسی ترجمه شده است.

«انقلابی حرفه‌ای»

آشیان

این کتاب داستان زندگی پرشور «ترزانوچه»

(Teresa Noce) رهبر، فعال، روزنامه‌نگار و فمینیست ایتالیایی است؛ یک

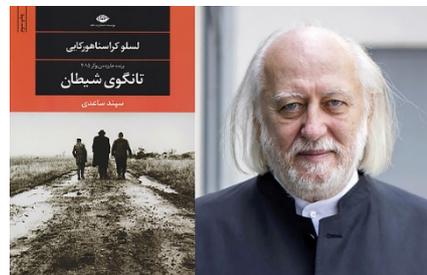
زندگی که هیچگاه یاس، دلسردی و رفتارهای خشک در آن راه نیافت. کتاب

روایتی سرشار از مبارزه و شجاعت است. او در این کتاب داستان زندگی اش را همراه با تاریخ حزب کمونیست ایتالیا بازگو می‌کند که خود یکی از پایه‌گذاران آن است.

ترزا نوچه (۲۹ ژوئیه ۱۹۰۰ - ۲۲ ژانویه ۱۹۸۰) از مادری بی سرپرست و طبقه کارگر در تورین ایتالیا متولد شد. او از ده سالگی به عنوان کارگر در کارخانه محلی «فیات» شروع به کار کرد. در سن ۱۲ سالگی وی در اتحادیه کارگری فعالیت می‌کرد.

او یکی از برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی، فمینیستی و ضد فاشیستی قرن بیستم در ایتالیا بود. زندگی‌اش تلفیقی از مبارزه طبقاتی، مقاومت در برابر فاشیسم و تلاش برای حقوق زنان و کارگران است. زندگینامه او منبع مهمی در مطالعات فمینیسم و تاریخ مقاومت اروپا در برابر فاشیسم و نازیسم شناخته می‌شود.

لاسلو کراسناهورکایی برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۵ شد



فرهنگستان سلطنتی علوم سوئد روز پنجشنبه ۱۷ مهر «لاسلو کراسناهورکایی»، (László Krasznahorkai) رمان‌نویس و فیلمنامه‌نویس مجارستانی را برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۲۵ اعلام کرد.

لاسلو کراسناهورکایی یکی از چهره‌های شاخص و تاثیرگذار ادبیات معاصر اروپا است که آثارش مرز میان فلسفه، رمان و شعر را درهم می‌شکند.

شهرت بین‌المللی او از دهه ۱۹۸۰ و با انتشار نخستین رمانش، «تانگوی شیطان» (Sátántangó)، آغاز شد؛ رمانی که در آن تصویری تاریک از یک جامعه روستایی در دوران پس از رژیم سوسیالیستی ارائه می‌دهد که در آن فساد، بی‌عدالتی، و انفعال جمعی غالب است. این رمان بعدها الهام‌بخش فیلمی هفت‌ساعته از بلا تار (Béla Tarr)، کارگردان صاحب‌سبک مجارستانی شد.

او در رمان دیگری به نام «مالیخولیای مقاومت» تصویری از جامعه‌ای در آستانه فروپاشی ارائه می‌دهد که در آن یک نیروی مرموز و شبه‌فاشیستی با استفاده از ترس و انفعال مردم، قدرت را در دست می‌گیرد. این اثر اغلب به‌عنوان تمثیلی از ظهور فاشیسم و خطرات بی‌عملی جمعی تفسیر می‌شود.

کراسناهورکایی به‌خاطر سبک منحصربه‌فرد و دشوارش شناخته می‌شود. جملات بسیار بلند، ساختارهای نحوی پیچیده و حذف مرزهای مرسوم میان جمله‌ها و پاراگرافها، از ویژگیهای اصلی آثار اوست. خودش در گفتگویی گفته که نقطه در پایان جمله را «مرزی مصنوعی» می‌داند. نتیجه، نثری سیال و فکری است که خواننده را ناچار می‌کند درون جریان ذهنی و فلسفی شخصیتها حرکت کند.

بقیه در صفحه ۱۸

*هروقت بحث فقر پیش میاد ذهن اول می ره سمت غذا و لباس. که گوشت و میوه نمی تونن بخورن، لباس ندارن بیوشن. اما گمونم فقر وحشت آورتترین جایی که خودشون نشون میده توی بحث درمانه. بدنتو، دندوناتو نداری که درمان کنی و با زجر و ایمیسی نگاه می کنی که سلامتت ریز ریز از دست بره. لعنت به این حکومت.



*همه مردم دارن می بینن که گرونی بیداد میکنه، همه دارن با پوست و گوشت خودشون فقیر شدن رو زندگی می کنن، قیمت دلار و مسکن و غذا کاملا روشن و گویاست که داره چه اتفاقی میفته، اما ارزشی بدون اینکه ذره ای خجالت بکشه، می پرسه، از توافق با دنیا چی بهتون میرسه؟

*آقای سوپری خریدارم رو به دور حساب کرد بعد با تعجب گفت چرا اینقدر زیاد شد و دوباره از اول حسابشون کرد و بازهم همون شد. چهارتا دونه کیک و بیسکویت، به ارده و پنیر و تن ماهی شد ۱ میلیون خود آقای سوپری هم اول باورش نشد! ولی عوضش می تونیم غنی سازی کنیم

*برای انجام کار اداری باید می رفتیم مرکز شهر. جلوی یه سوپر میوه ازدحام بود. خانمهای مسن توی صف بودند. علت رو پرسیدیم. گفتند میوه های خراب و گندیده رو به قیمت ارزون می فروشن... قلمم تیر کشید... آقای پزشکبان نهج البلاغه خوان حواست به مردم هست؟؟ یا دغدغهی شما هم بازسازی خونه های لبنانه؟؟

*در شیفت شب خط تولید شهرکهای صنعتی افرادی را می بینید با رفتار و منش اجتماعی موجه که بهشون نمی خوره کارگر بی سواد باشند! بعد از بررسی پرونده متوجه میشی معلم و حتی استاد دانشگاهن و به دلیل عدم تامین مخارج از حقوق کارمندی روزها مدرسه اند و نصف شبها کارخانه!

بانک دزدها موسوم به بانک

*«مدیر عامل بانک آینده» به عنوان سخنران همایشی در دانشگاه علامه دعوت شده و گفته «اقتصاد کشور باید دست افراد عاقل باشد»!! تصور کنید مدیر عامل بانکی که ۴۵۰ هزار میلیارد تومان زبان کرده و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک مرکزی بالا آورده و ۱۳۰ هزار میلیارد تومان به ۶۱ نفر بدون وثیقه کافی وام داده که وصول نشده گفته اقتصاد کشور باید دست افراد عاقل باشد!

بقیه در صفحه ۱۱

با مردم در شبکه اجتماعی

مرجان

این مجموعه حرفهای مردم در شبکه های اجتماعی با اندکی ویرایش است.



یک حرف حساب

*جای حذف چهار صفر از پول ملی؛ چهار صفر از بودجه نهادهای بی خاصیت حذف کنید چهار صفر از حقوقهای نجومی حذف کنید چهار صفر از قراردادهای رانتی حذف کنید چهار صفر از فساد و اختلاسها حذف کنید چهار صفر از وعدههای توخالی حذف کنید شاید هم پول ملی، هم مردم کمی نفس بکشند! احمقها.

فقر و فلاکت عمومی

*سبزی کیلویی ۸۰، لوبیا چیتی کیلویی ۷۰۰، انگور کیلویی ۳۷۰، شیر یک لیتری ۷۰، مرغ کیلویی ۱۵۰، گوشت کیلویی ۱۳۰۰، برنج کیلویی ۳۵۰، نان سنگک دونه ای ۴۰ اجاره خونه تو پایین ترین مناطق تهران از ماهی ۵ تومان با پیش ۴۰۰ میلیون شروع می شه! حقوق پایه کارگر ۱۳ تومان و دریافتی ۶۰ درصد مردم حدود ۲۰ تومان یعنی ۱۷۰ دلار...

*می گویند با روند فعلی دیر یا زود اقتصاد ایران فرو می پاشد، تعارف را کنار بگذاریم؛ اقتصادی که در آن انتظار خانه دار شدن یک قرن است، اقتصادی که در آن خط فقر ۵۵ میلیون و میانگین حقوق ۱۵ میلیون است، اقتصادی که در آن هزینه کپی اسکناس هزار تومانی می شود ۳۰ هزار تومان، خیلی وقته فروپاشیده!



*هی میگن پس چرا فروپاشی رخ نمیده، بچهها فروپاشی همینه. توش دارید زندگی می کنید. توقع نداشته باشید که یکی شیپور بزنه و اون یکی داد بزنه: «فرو پاشیدیم»

*اینکه خط فقر ۷۶ میلیون در ماهه، یعنی شما اگر کمتر از این میزان درآمد داشته باشی عملا فقیر حساب می شی، یک طرف ماجراست! اینکه این مبلغ با توجه به هزینه های واقعی زندگی به شدت کمه، یک طرف دیگه و اینکه در آوردن همین مبلغ هم برای اکثریت جامعه کار تقریبا محاله به سمت دیگه، مثلث فلاکت!

*قیمت بنزین راه حل دارد. یک سال واردات خودرو برای عموم مردم را آزاد کنید بدون هیچ تعرفه ای، شما هم قیمت بنزین را واقعی کنید. معامله برد برد برای هر دو طرف. نمی شود قیمت بنزین را با خودروهای تولید داخل که صفر کیلومتره، در هر ۱۰۰ کیلومتر مصرف بیش از ۱۰ لیتر دارد آزاد کرد.

*می گویند قیمت بنزین قابل دفاع نیست! مگر حقوق ۱۵ میلیونی در برابر خط فقر ۵۵ میلیونی قابل دفاع است؟ مگر فروش خودروی باستانی به قیمت خودروی روز جهانی قابل دفاع است؟ مگر یک قرن انتظار برای خانه دار شدن قابل دفاع است؟ مگر این حجم فقر و فلاکت در غنی ترین جغرافیای جهان قابل دفاع است؟



نماینده مجلس: صحبت از افزایش ۳۰۰ تا ۵۰۰ درصدی قیمت بنزین است

بحران آب

*معاون اجرایی رئیس جمهور دوباره گفت ۷۰ تا ۹۰ صد آب در کشاورزی مصرف می شود! مردم این آمار را آن قدر شنیده اند که از حفظند. بس است حرف! کمی هم عمل و تغییر نشان دهید. این راه حلهایی که از روی کاغذ خواندید، سالهاست کارشناسان تکرار کردند اما تغییر در مدیریت آب و کشاورزی صورت نگرفت. *کلاتری: کلاهدوز قایم مقام زنگنه در دولت هاشمی، در کرمان و رفسنجان برای چاههای غیرمجاز ۱۰ میلیون تومان می گرفت و مجوز بهره برداری می داد. سردار سازندگی شان!، هاشمی هم می گفت چه اشکالی دارد مگر آبهای زیرزمینی تمامی دارد؟! ۱۰ میلیون اونوقت می شود حدود ۳۰ میلیارد الان!

با مردم در شبکه اجتماعی

بقیه از صفحه ۱۰

زبان بانک آینده معادل ۴۰ مریخ نورد ناسا است، معادل ۲۵ برابر هزینه ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس یعنی پرافتخارترین و ارزآورترین پالایشگاه ایران؛

آنهم در روزگاری که در یک میلیارد دلارمان مانده ایم بدهی بانک آینده از کل بودجه عمرانی کشور بیشتر است، با این بدهی می شد ۱۴۰ بیمارستان فوق تخصصی در کشور ساخت، میشد تمام مسیر تهران، مشهد، شیراز، تبریز، اهواز، اصفهان را شبکه ریلی کرد
بی ربط هم نگفته، طفلکی خواسته طعنه ای بزند!

*اینم از بانک دی و فیش حقوقی یکی از کارمندان، نکته جالبش علاوه به ۹۲ میلیون حقوق و مزایا، ۵/۴ میلیارد وامه که قسطش فقط ۱۴ میلیونه و یکی از وامها ۵/۱ میلیارد و قسطش ۲ میلیون یعنی وام با اقساط بیش از ۶۰ سال! همین وام رو بذاره صندوق سود بگیره ماهی ۱۱۵ میلیون سودشه.

بانکها ساخته شدن فقط برای دزدی از جیب مردم و کمک به کارمندان خودشون

رابطه دلار با پول ملی کشور

*دلار ۱۱۵ / وزیر اقتصاد گفته: من مسئول نرخ ارز و تورم نیستم.

آره حاجی... تو وزیر نیستی تو گاو مش حسنی...



*از سال ۸۷ تا الان سقف برداشت پول نقد از خودپردازها ۲۰۰ تومنه و تغییر نکرده، البته با این تفاوت که سال ۸۷، ۲۰۰ هزار تومن معادل ۲۱۰ دلار بود و الان کمتر از ۲ دلار و حتی باهاش همیشه یه وعده غذایی برای یک نفر تهیه کرد.

*تصویب CFT در مجمع تشخیص مصلحت حتی هزارتومان روی قیمت دلار اثرگذاری نداشت.

وقتی کاری رو در موقع لازم انجام ندهید، هم چوب را می خورید هم پیاز.

سرنوشت کنوانسیون CFT

۱۵ مهر ۹۷ تصویب در مجلس؛ قیمت دلار: ۱۶ هزار تومان
۹ مهر ۱۴۰۴ تصویب در مجمع؛ قیمت دلار: ۱۱۶ هزار تومان
فاصله: ۷ سال

خسارت: غیر قابل اندازه گیری

*امروز صرافی قیمت حواله را اعلام کرد با این متن: اعتبار قیمت یک دقیقه!

ونزوئلا را مسخره می کردید؟!

*از آبان ۹۷ که دلار ۱۵ تومان بود و CFT حرام اعلام شده بود تا همین امروز که دلار به ۱۱۶ تومان رسیده و همزمان CFT تصویب شده، عمر و جوانی ما در این لجبازیهای بچه گانه از بین رفت. کاش می فهمیدید. کاش یک روز بابت این فرصت سوزیها در محضر دادگاه به مردم پاسخگو باشید.

دیگه چه خبر

*ایران سالها برق و گاز یارانه ای به عراق داد، بازارش را باز کرد و امنیتش را تضمین کرد.

حالا عراق چه کرده؟ تعرفه سنگین روی میل گرد گذاشته تا فولاد ایران از بازارش حذف شود!

این اسمش «حمایت از تولید داخلی عراق» است یا «ضعف دیپلماسی اقتصادی ما»؟

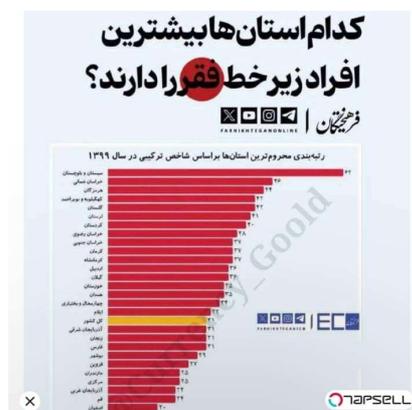
عراق هم به ما فهماند که در دنیای امروز برادری معنا ندارد؛ فقط سود و زبان حرف می زند.

فقط ما هستیم که هنوز در توهم «برادری بی حساب» مانده ایم.

*آقای پزشکیان، کشورهایی که بدون نفت و گاز زندگی می کنند چیزی دارند بنام دموکراسی

در ایران کالای لوکسی محسوب می شه، ما نداریم.

*لعنت به تک تک اون دانشجویانی که آبان سال ۵۸ از دیوار سفارت بالا رفتند و ۴۶ سال بدبختی و فلاکت رو برامون به ارمغان آوردند.



*تو شهرستان بهتر می بینی قدرت خرید مردم چقدر پایین اومده؛ گل بگیرن سر تا ته تونو که هر روز داریم فقیر و فقیرتر می شیم.

*فقط سه ابر رانتخوار صنعت غذایی ایران - مدلل، گلرنگ و میهن - بیش از ۱.۵ میلیارد دلار ارز دولتی ۲۸۵۰۰ تومانی گرفتن. با محاسبه اختلاف قیمت دلار بازار یعنی ۱۵۶ هزار میلیارد تومان رانت خالص! غذای مردم گروگان مافیاست!

*شما فکر کن ۱.۵ میلیارد دلار با قیمت ۲۸۵۰۰ می دهند به یک گروه و هیچ کالایی در بازار با قیمت ۲۸۵۰۰ دلار وجود خارجی ندارد!

این است قدرت اقتصاد دینفعان و اقتصاد کارتلتی که با تغییر هیچ دولتی این روش تغییر نمی یابد روزی ۴۲۰۰ و امروز ۲۸۵۰۰ و یا دلار ۷۰ تومنی و ...

*۵ نفر از ما دیشب تا صبح بیدار بودیم؛ یکی از همکاران پیام داد قصد خودکشی دارد.

دسترسی سخت بود، یکی از دوستان مجبور شد ۱۰۰ کیلومتر رانندگی کند تا برسد.

این وضعیت پزشکان جوان هست؛ نداشتن معیشت، نداشتن امید، سختی گرفتن پروانه و راه اندازی مطب، ندادن دانشنامه!

*بله، جنگ نمی شود، مذاکره هم نخواهیم کرد/گزینیه سومی هم وجود دارد:

در اثر تحریم و تورم، مردم از گرسنگی می میرند.

*تو ایران خیلی چیزا نداریم ولی وزیرشو داریم/ وزیر اقتصاد، وزیر راه، وزیر ارتباطات.

*پزشکیان رفته هرمزگان میگه فرض کنید ما اصلا نیستیم، خودتون چطوری شهرتون رو درست می کنید؟ والا ما اگر فرض کنیم شما نیستید، اول یه هفته پارتی می کنیم، بعد انتخابات برگزار می کنیم مملکت رو می دیم دست یکی که نره به مردم یه استان نفت خیز ولی منطقه محروم بگه خودتون یه کاریش بکنید.

*کاش اهل کشوری گمنام بودم، جایی در گوشه نقشه؛ نه نفت داشت، نه جنگ.

فقط شیرینی صادر می کرد و شکلات می گرفت. اسمش هیچ وقت در اخبار نمی آمد،

نه تحریم بود، نه تهدید. دولتش فقط دنبال خوشبختی مردمش بود.

و من آرام در گوشه ای می نشستم و نمی دانستم خاورمیانه کجاست.

*هر روز یک خبر جدید از فساد، رانت خواری، دزدی، زد و بند، مصادر اموال ملت در خارج، حیف و میل بیت المال، قاچاق سازمان یافته، خیانت، چپاول و... درمیاد. انصافا خسته مون کردید

چه خبر تونه، شماها چرا از رو نمی رید.

*روبل روسیه امسال نزدیک به ۴۰ درصد در برابر دلار آمریکا افزایش ارزش داشته است.

تحریم دارند، جنگ دارند، تهدید حمله اتمی دارند، اما مسئولان دزد و خائن ندارند.

*نمی دونم چند درصد مردم ایران می تونن ماهی ۱۰۰ میلیون تومن درآمد داشته باشن که شاید بتونن مثلا ماهی ۵۰ میلیون پس انداز کنن. اما می فهمم چرا جاده چالوس، کافه ها، فست فودها شلوغه. چون آخر سال با اون ۶۰۰ میلیون پس انداز هیچ کاری نمی شه کرد.

چون با این تورم امید به آینده رسما نابود شده.

*مذاکره که نمی کنن/ جنگ هم که نمی کنن/ صلح هم که نمی کنن، در تحریم مطلق هم که هستیم... اقتصاد قفل شده و هیچکس دیگه کار خاصی نمی کنه... به بی هدف ترین کشور کره زمین تبدیل شدیم.

*وضعیت کشور اینگونه است که دولت دستش را روی دستش گذاشته و ملت را نگاه می کند و "هیچ" کاری نمی کند! و ملت هم حاج و واج مانده اند، زیرا دیگر اقتصاد اجازه هیچ کاری به آنها نمی دهد حتی زندگی حداقلی. ویرانی جمعی...

چالشهای معلمان (مهر ۱۴۰۴)

فرنگیس بایقره

حادثه‌ی سقوط بالگرد رئیس‌جمهور»، «مشارکت در صدور بیانیه برای شریفه محمدی»، و «انتشار مطالب علیه شعائر دینی و اهانت به مقدسات» مطرح کرده است.

یورش نیروهای امنیتی به منزل ژاله روحزاد و اسماعیل گرامی

روز سه‌شنبه ۱۵ مهر ماه، مأموران وزارت اطلاعات به منزل خانم ژاله روحزاد و آقای اسماعیل گرامی یورش برده و برخی از لوازم الکترونیکی ایشان را توقیف کردند. خانم روحزاد هنگام انجام این اقدام، خواستار دریافت رسید رسمی برای وسایل ضبط‌شده شدند، اما مأموران از ارائه رسید خودداری کردند. این رفتار موجب مشاجره و در پی آن، بروز تنش عصبی شدید برای ایشان شد. پس از خروج نیروهای امنیتی و با تداوم وضعیت نامساعد جسمی و روحی خانم روحزاد، تیم اورژانس به محل اعزام شد. با توجه به سابقه بیماری قلبی، ایشان به بیمارستان رسول اکرم منتقل گردیدند.

خودکشی یک دانش آموز ۱۲ ساله در شیراز



دانش آموز ۱۲ ساله ساکن شیراز، روز ۱۲ مهر، در منزل اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد. هویت این دانش آموز سام زارعی جلیانی، ۱۲ ساله و ساکن شیراز گزارش شده است. این کودک از طریق پایین پریدن از پنجره خانه اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد.

فعالان اجتماعی مشکلات ترک تحصیل را ناشی از فقر، کمبود مدارس و امکانات آموزشی، فاصله زیاد خانه تا مدرسه، نگرشهای سنتی و بی اعتمادی به ارزش مدرک تحصیلی عنوان می‌کنند. آنها تأکید دارند که ایجاد مدرسه شبانه‌روزی، سرویس رفت‌وآمد، امکانات کافی و معلمان حرفه‌ای می‌تواند راهکاری برای کاهش ترک تحصیل باشد. با وجود ادعای اداره آموزش و پرورش مبنی بر اینکه «مرگ در منزل رخ داده و ارتباطی با مدرسه ندارد»، روایت خانواده، شواهد و تصاویر موجود، پرسشهای جدی درباره مسئولیت مدیران، نهادهای نظارتی و نبود حمایت روانی در مدارس برانگیخته است.

بقیه در صفحه ۱۳

صادر کرد. بر این اساس وی با اتهامات «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی، اقدام تبلیغی در تأیید اقدامات اسرائیل، همکاری و تبادل اطلاعات با نهادها و رسانه‌های وابسته به اسرائیل نظیر شبکه اینترنشنال، اهانت به رهبر جمهوری اسلامی، بنیانگذار نظام، مقدسات اسلامی و ائمه معصومین و حضور زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی» مواجه شده است.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این شهروند ضمن تأیید این خبر گفت: «در دادنامه صادره، هادی حکیم شفایی، همسر سابق خانم خسروی، به عنوان متهم معرفی شده است و یادداشت شده که پرونده در خصوص وی مفتوح است. این در حالی است که آقای حکیم شفایی تاکنون هیچ گونه ابلاغیه‌ای دریافت نکرده است.»

خانم فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی، دارای مدرک دکترای تعلیم و تربیت و ساکن بهبهان است. وی پس از اعتراضات ۸۸، از دانشگاه پیام نور بندر امام اخراج شد.

حکم اخراج یک دبیر آموزش و پرورش



شهربانو اسدی، دبیر آموزش و پرورش در رشت، با رای دیوان ضد عدالت اداری از ادامه فعالیت در آموزش و پرورش منع شد.

در حالی این حکم صادر شده که دیوان ضد عدالت پیش‌تر در پی شکایت خانم اسدی علیه هسته مرکزی گزینش، رای صادره را فاقد استناد قانونی و مدارک محکم دانسته و آن را نقض کرده با این وجود، هسته گزینش وزارت آموزش و پرورش بار دیگر صلاحیت این معلم را رد کرده بود. شهربانو اسدی، دبیر زبان و ادبیات فارسی در ناحیه ۲ آموزش و پرورش رشت است.

پرونده‌سازی تازه علیه فریبا انامی

فریبا (رقیه) انامی، فعال صنفی معلمان در استان گیلان، برای سومین بار توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش این استان با اتهامات تازه ای روبه‌رو شده است. این در حالی است که پیش‌تر حکم اخراج او توسط دیوان عدالت اداری نقض و حکم بازگشت به کار وی صادر شده بود. هیات تخلفات اداری آموزش و پرورش گیلان به ریاست محمدمحسن اخوان، دلایل گشایش این پرونده را «تبلیغ برای تحریم انتخابات مجلس و ریاست جمهوری»، «بارگذاری عکس توماج صالحی به‌عنوان تصویر پروفایل»، «تمسخر

۹۰۰ هزار دانش آموز ایرانی امسال مدرسه نرفتند

علی زرافشان مشاور وزیر آموزش و پرورش رژیم ضمن اعلام این آمار گفت: از دلایل بازماندگی از تحصیل می‌توان به بحرانهای ساختاری، فقر و نابرابری، مهاجرت، حاشیه نشینی، کسری بودجه برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی و اشتغال کودکان اشاره کرد.

فرارو، پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴

گرمیادداشت روز جهانی معلم در رشت



روز یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴، هم‌زمان با روز جهانی معلم (پنج اکتبر)، اعضای کانون صنفی معلمان گیلان گرد هم آمدند و مراسمی نمادین را در کنار آرامگاه زنده‌یاد هوشنگ ابتهاج (سایه)، شاعر بلندآوازه ایران، برگزار کردند.

فرهنگیان حاضر در این گردهمایی با قرائت شعر و بیانیه‌ای صنفی، بر جایگاه والای آموزگار به عنوان ستون اندیشه، عدالت و آگاهی در جامعه تأکید کردند.

در بخشی از بیانیه آمده بود: «آموزگار تنها آموزش نمی‌دهد؛ او جامعه را می‌سازد. اما در سرزمینی که معلم نگران معیشت و امنیت شغلی خود است، آموزش هم در خطر است.»

حاضران همچنین یاد و نام همه معلمان در بند و محروم از حقوق صنفی را گرمی داشتند و خواستار آزادی بی قید و شرط فرهنگیان زندانی و رفع تبعیض از نظام آموزشی کشور شدند. هم‌زمان یادمان روز جهانی معلم توسط گروه پیاده روی فرهنگیان لنگرود برگزار شد.

قرار جلب به دادرسی فروغ خسروی، معلم بهبهانی



شعبه دو بازپرسی بیدادسرای عمومی شهرستان بهبهان، قرار مجرمیت فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی ساکن بهبهان را

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۲

این فاجعه دردناک، بار دیگر زنگ خطر را درباره خشونت کلامی، تحقیر، و بی‌توجهی به سلامت روان کودکان در مدارس ایران به صدا درآورد.

حرکتهای اعتراضی معلمان و دانش آموزان

تجمع اعتراضی دانش آموزان و خانواده های دو مدرسه

روز سه شنبه یکم مهر، دانش آموزان و خانواده های مدارس ۱۵ خرداد و ۱۲ بهمن گلدشت برای اعتراض به بالاترین سطح تحصیلی به دنبال تعطیلی این ۲ مدرسه این شهر در استان اصفهان تجمع کردند.

پس از هشت سال کشمکش حقوقی با ورثه زمین، این دو مدرسه به یکباره تعطیل و تخلیه شدند و بیش از ۷۰۰ دانش آموز بی‌هیچ برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، به مدرسه تازه‌تأسیسی منتقل شدند که حتی برق هم ندارد.

خشم خانواده‌های اناری علیه بی‌قانونی و تحقیر آموزش دختران

روز چهارشنبه ۲ مهر ۱۴۰۴، خانواده های دانش آموزان دبیرستان دخترانه اسماعیلی انار در برابر دفتر احمد اناری محمدی، نماینده رفسنجان و انار، دست به تجمع اعتراضی زدند. مردمی که آینده فرزندان شان را به بازی گرفت هاند، فریاد زدند اما مسئولان دفتر نماینده حتی جرأت پاسخگویی هم نداشتند و با سکوتی تحقیرآمیز به مطالبه‌ی آنان پشت کردند.

خانواده‌ها اعلام کردند تعطیلی دبیرستان اسماعیلی و انتقال اجباری دختران به دبیرستان قمر، چیزی جز نادیده گرفتن حق تحصیل شرافتمندانه نیست. آنان این تصمیم را بی‌قانونی آشکار و خیانتی به آینده فرزندان‌شان می‌دانند. اعتراض امروز نشان داد مردم دیگر حاضر نیستند در برابر بازی‌های پشت‌پرده و تصمیم‌های ضد مردمی سکوت کنند.

تجمع دانش آموزان روستای هرچگان شهرکرد



روز یکشنبه ۱۳ مهر، جمعی از دانش آموزان روستای هرچگان شهرکرد با همراهی خانواده برای اعتراض به نبود معلم در مدارس ابتدایی این منطقه دست به تجمع مقابل ساختمان استانداری چهارمحال و بختیاری با شعار «بما معلم بدید» زدند.

در همین روز جمعی از اهالی منطقه تله شور از توابع میداوود شهرستان باغ‌ملک، استان خوزستان ایران برای اعتراض به عدم اختصاص معلم و ازدحام دانش آموز در کلاس، دست به تجمع زدند.

تجمع خانواده های دانش آموزان شهر شیرزی نو

روز سه شنبه ۱۵ مهر، جمعی از خانواده های دانش آموزان شیرین نو برای اعتراض به کمبود معلم در مدارس و مشکلات سرویس مدارس مقابل دفتر شورای شهر و شهرداری این شهر در استان بوشهر تجمع کردند.

یکی از خانواده های معترض گفت: با وجود شروع سال تحصیلی، برخی کلاسها همچنان بدون معلم هستند و این موضوع روند آموزش فرزندانمان را مختل کرده است.

یکی دیگر از این معترضان نیز افزود: کودکان ما حق دارند از آموزش باکیفیت برخوردار باشند. شهری که میزبان صنایع عظیم پتروشیمی است، نباید با مشکلاتی مانند نبود معلم یا کمبود سرویس مدارس دست‌وپنجه نرم کند. انتظار داریم امکانات اولیه آموزشی برای فرزندانمان فراهم شود.

تجمع خانواده های دانش آموزان مدرسه تیزهوشان علامه حلی رفسنجان

روز یکشنبه ۲۰ مهر، جمعی از خانواده های دانش آموزان مدرسه تیزهوشان علامه حلی رفسنجان برای اعتراض به نداشتن مدیر و معلم نگارش مقابل داره آموزش و پرورش این شهرستان در استان کرمان تجمع کردند.

تجمع خانواده‌ها در شهرک نفت جم در اعتراض به شهریه مدارس



روز یکشنبه ۲۰ مهر، برای چندمین بار در ماه جاری، جمع پرشماری از خانواده های ساکن شهرک نفت جم در ساختمان آموزش این شهرک تجمع کردند. این تجمع در اعتراض به شهریه های بالا و نبود شفافیت در عملکرد مدارس غیرانتفاعی برگزار شد. تجمع‌کنندگان با سردادن شعارهایی، خواستار شفاف سازی شهریه مدارس غیرانتفاعی با توجه به بهره‌برداری رایگان این مدارس از امکانات شهرک، افزایش ظرفیت مدارس دولتی و همچنین پرداخت ۶۰٪ شهریه مدارس توسط سازمان مربوطه، مطابق با رویه سالهای گذشته شدند.

۱- شفاف سازی شهریه مدارس غیرانتفاعی داخل شهرک نفت با توجه به اینکه مکان مدرسه و امکانات به صورت رایگان در اختیار این مدارس قرار می‌گیرد و توقع این وجود دارد شهریه مدارس داخل شهرک نسبت به مدارس بیرون مبلغ کمتری باشد.

۲- افزایش ظرفیت مدارس دولتی

۳- پرداخت ۶۰ درصد شهریه مدارس توسط سازمان همانند سال های قبل با توجه به کمبود مدارس دولتی و اجبار به ثبت نام در مدارس غیر انتفاعی شدند.

چندین تجمع داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

روز سه شنبه ۱ مهر، شماری از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش مقابل ساختمان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند. روز یکشنبه ۶ مهر، گروهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش، از شهرهای مختلف کشور به تهران آمدند و مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز سه شنبه ۸ مهر، گروهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز دوشنبه ۱۴ مهر، گروهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز چهارشنبه ۱۶ مهر، معترضان به نتایج آزمون استخدامی آموزش و پرورش در ادامه تجمعات خود بار دیگر در مقابل وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه ۲۳ مهر، آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی مقابل وزارت آموزش و پرورش برای دومین روز در درجید با شعار «نهضتی داذبن حق توفریادبز» تجمع کردند.

داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش که هفته هاست به طور متوالی در اعتراض به اعمال ضریب و امتیاز مقابل نهادهای حکومتی دست به تجمع زده اند اعلام کرده اند تا برگزاری آزمون جدید و رسیدگی به خواستههای شان به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

اعمال ضریب و امتیاز در آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش، دهها هزار نفر از قبولی های با نمرات بالا را از استخدام در این وزارتخانه محروم کرده و آموزش و پرورش با بی مسئولیتی تمام، شایسته محوری علمی را در آینده سازترین وزارتخانه کشور نادیده گرفته است.

تجمع فرهنگیان در یزد

روز سه شنبه ۲۹ مهر، جمعی از فرهنگیان شاغل و بازنشسته ساکن یزد، مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان دست به تجمع زدند.

فرهنگیان معترض در اعتراض به وضعیت نامطلوب مدیریت صندوق ذخیره فرهنگیان تجمع کرده و خواهان شفاف سازی مسائل مالی و ورود فرهنگیان به مدیریت این صندوق شدند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هم‌میهن، کانال صنفی معلمان ایران، افکار نفت، کانال تلگرام کودکان کار و خیابان، کانال تلگرام فرهنگیان البرز، کانال تلگرام چالش صنفی معلمان ایران، هرانا)

دانشگاه در ماهی که گذشت (مهر ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد



با آغاز سال تحصیلی جدید ۱۴۰۴، مکانیسم اعتراض و اعتصاب در دانشگاه‌ها را فعال می‌کنیم!
(بیانیه مشترک دانشجوی به مناسبت سال تحصیلی جدید)

در این بیانیه سیاست‌های ضروری زیر پیشنهاد شده‌اند:
۱. ایجاد سریع نهادی فرآیند، متشکل از همه جریان‌ها و نیروهای مترقی که دل در فروری آزادی‌ها و سیاسی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و خوشبینی جمعی دارند.
۲. گسترش سیاست «اعتراضی حداکثری» و طرح گفتار «انقلاب سراسری».
۳. لزوم طرح «انقلاب» به عنوان «بگانه» راه حل برای فائق آمدن به وضعیت فلاکت‌بار موجود.

یک بحران برای حکومتی است که از اولین روزهای موجودیتش، برای تحمیل عقاید و مناسک قرون وسطایی‌اش به مردم، شروع به تعطیلی دانشگاه‌ها و سرکوب دانشجویان غیرهمسو در جریان موسوم به "انقلاب فرهنگی" کرد. اما نتیجه همان شد که امروز می‌بینیم؛ شکستی تمام‌عیار برای حکومتی که در تحمیل خود به جنبش دانشجویی ناکام مانده. ورود به چهارمین سال آغاز انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، همزمان شده با بحران‌های عمیق این حکومت در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی. پس زمان مناسبی برای وارد آوردن ضربه‌های کاری به این رژیم فرا رسیده.

دانشگاه همیشه صحنه نبرد و مبارزه بوده، این نبرد از شهریور ۱۴۰۱ تا امروز، عیان‌تر از هر زمان دیگری شده. ما دانشجویان نه در زیست روزمره مان، نه در انتخاب‌های سیاسی سطح کلان و بلند مدت مان، اثری از این حکومت سرکوبگر و عقب‌مانده باقی نگذاشته‌ایم...

از این رو، ما امضاکنندگان این بیانیه ضمن تاکید دوباره بر ارزشها و آرمانهای انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، دانشجویان سراسر کشور را فرا می‌خوانیم تا در سال تحصیلی جدید، برای رقم زدن فصلی تازه از مبارزات علیه جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها، پا به میدان عمل بگذارند...

اخراج دانشجویان همزمان با آغاز سال تحصیلی شدت گرفت



دانشجویی برگزار شد با تاکید بر اینکه بیش از ۱۲ درصد دانشجویان علوم پزشکی با سهمیه ایتارگری وارد دانشگاه می‌شوند، گفت: در مجموع بیش از ۴۷ هزار دانشجوی ایتارگر و شاهد در دانشگاه‌های علوم پزشکی وجود دارد.

وعده دروغین «جلوگیری از پرونده‌سازی»

انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه شیراز با انتشار بیانیه‌ای در روز ۱ مهر ۱۴۰۴، نخستین روز سال تحصیلی خبر داد سه تن از اعضای این انجمن به کمیته انضباطی احضار شده‌اند؛ اقدامی که نشان می‌دهد ماشین سرکوب جمهوری اسلامی همچنان بی وقفه علیه دانشگاه و دانشجویان فعال است. در این بیانیه آمده است، احضارها بخشی از روند سازمان‌یافته «پرونده‌سازی» است که توسط بازماندگان دولت پیشین و هم‌پیمانان شان در دولت پزشکیان دنبال می‌شود؛ روندی که باوجود صحبت‌های دروغین وزیر علوم و شعار دولت وفاقی درباره پایان دادن به فشارهای انضباطی، با شدت بیشتری ادامه دارد.

پایان دوران انفصال از خدمت آذین موحد



آذین موحد، استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، که در پی اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» تعلیق و حقوقش قطع شده بود، پس از پایان دوران انفصال از خدمت به دانشگاه بازگشت. وی روز پنجشنبه ۳ مهر ۱۴۰۴، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «این بار برای همه ایران می‌ایستم؛ نه فقط برای موسیقی، نه فقط برای دانشگاه، نه فقط برای دانشجو، بلکه برای سعادت ایران بازمی‌گردم؛ آگاه تر، مصمم‌تر و با قدم‌هایی استوارتر، در کنار جوانان و دانشجویان، برای رسیدن به آرزویی که ناتمام مانده است.»

«مکانیسم اعتراض و اعتصاب در دانشگاه‌ها را فعال می‌کنیم!»

روز دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴، شکل‌ها و جمع‌های دانشجویی از سراسر کشور به مناسبت سال تحصیلی جدید ۱۴۰۴، بیانیه مشترکی صادر کردند که در آن به تلاش‌های حکومت در منکوب کردن جنبش‌های دانشجویی و در مقابل پیشنهاد سیاست‌های ضروری برای دانشجویان را ارائه کرده‌اند. در زیر بخشهایی از این بیانیه را می‌خوانیم:

«سال تحصیلی جدید، ما دانشجویان را به محیط سیاسی-اجتماعی "دانشگاه" باز می‌گرداند. این بازگشت مانند هر سال،

مهاجرت گسترده استادان نخبه دانشگاه شریف



وقتی بهترین‌ها می‌روند

مهاجرت گسترده اساتید نخبه دانشگاه شریف

www.autnews.org @autnews.org @EEAUT

روز سه شنبه ۱ مهر ۱۴۰۴، فهرستی از حداقل ۲۷ استاد برجسته دانشگاه شریف به دست خبرنگار امیرکبیر رسیده است که در سال‌های اخیر مهاجرت دائمی داشته‌اند یا به مرخصی‌های بلندمدت خارجی رفته‌اند؛ روندی که به گفته کارشناسان علمی «بزرگ‌ترین ریزش تاریخی» کادر علمی دانشگاه شریف به شمار می‌رود.

دانشگاهی که روزگاری مظهر شکوه علمی ایران بود، حالا در مسیر خالی شدن از بهترین اساتیدش گام برمی‌دارد؛ از استادان نخبه تا جوانان مستعدی که بعد از تحصیل به دلیل فشارهای اقتصادی، ضعف امکانات و فضای امنیتی به ترک وطن روی آورده‌اند. آنچه پیش از این تنها به عنوان «فرار مغزها» مطرح می‌شد، حالا به امری عادی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این موج خروج، جبران نشدن هزینه‌های زندگی است. فقدان امکانات آزمایشگاهی و پژوهشی قابل رقابت با دانش و تحقیقات جهانی، فشارهای پنهان و گاه آشکار از جانب حراست، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و فضای بسته دانشگاهی، انگیزه ماندن را برای آنهایی که توان حرکت دارند، گرفته است. استادان سابق دانشگاه‌هایی چون شریف از این فضاها رنج برده‌اند و بسیاری ترجیح داده‌اند راهی دانشگاه‌های خارجی شوند.

بیش از ۱۲ درصد دانشجویان علوم پزشکی از سهمیه ایتارگری



روز سه شنبه ۱ مهر ۱۴۰۴، دکتر مسعود حبیبی، معاون دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت در نشست خبری که به مناسبت هفته دفاع مقدس در معاونت فرهنگی و

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۴

با وجود تکرار مداوم اظهارات وزیر علوم مبنی بر اینکه «هیچ دانشجوی اخراجی یا ممنوع‌التحصیل در دانشگاه‌های کشور وجود ندارد» و همه محروم شدگان به تحصیل بازگشته‌اند، گزارش‌های تازه از اخراج دانشجویان، به‌ویژه همزمان با شروع سال تحصیلی جدید، این ادعا را زیر سؤال برده است.

روز دوشنبه ۷ مهرماه ۱۴۰۴، سپهر رائی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ مقطع کارشناسی ارشد مهندسی هوافضا در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، که پیش‌تر با حکم دو ترم محرومیت از تحصیل مواجه شده بود، این بار به دلیل استمرار اثرات پرونده‌های انضباطی و پایان یافتن سنوات مجاز آموزشی، از ادامه تحصیل بازمانده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که این دانشجو در اعتراض به عدم پیگیری حقوقی احکام انضباطی و برای لغو اثرات مجازات‌های پیشین که به گفته او غیرقانونی صادر شده بودند، درخواستی را به دانشگاه ارائه کرده بود؛ اما این درخواست توسط مسئولان دانشگاه و وزارت علوم رد شد و حکم جدید محرومیت، درست در آستانه دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد این دانشجو ابلاغ شده و عملاً به معنای اخراج آموزشی او است.

تصادف مرگبار اتوبوس دانشجویان در سمنان



بامداد روز سه شنبه شب ۸ مهر، اتوبوس دانشجویان دختر در جاده سمنان به سرخه دچار حادثه شد. یک منبع مطلع گفت: «بارها دانشجویان اعتراض کرده‌اند ولی هیچ نظارتی بر رانندگانی که برای سرویس‌های دانشجویی انتخاب می‌شوند و کیفیت اتوبوس‌ها نیست.»

بر اساس گزارش‌هایی که تا بعداز ظهر روز حادثه منتشر شده است، دو دانشجو جان خود را از دست داده و بیش از ۱۰ نفر مصدوم شده‌اند. تصاویر منتشر شده از محل حادثه، دو تریلی و اتوبوس زردرنگ دانشجویان را در محل حادثه نشان می‌دهد. پیش از وقوع این حادثه، یک دستگاه تریلی دچار تصادف شده بود که اتوبوس پس از برخورد با آن، از مسیر منحرف شد.

مرگ تلخ یک دانشجو در انفجار دانشگاه تهران

عصر روز پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴، انفجاری مهیب در یکی از آزمایشگاه‌های دانشکده مهندسی متالورژی و مواد دانشگاه تهران رخ داد که به مرگ محمد امین کلاته، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد این دانشکده منجر شد.

آقای کلاته دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مواد (شناسایی و انتخاب مواد) و دستیار آموزشی دانشگاه تهران



بود؛ از جمله دستاوردهای علمی او می‌توان به رتبه ۱۱ المپیاد کشوری مهندسی مواد و متالورژی اشاره کرد. این دانشجوی نخبه، همچنین مقالات بین‌المللی در مهندسی مواد و متالورژی منتشر کرده است.

براساس اعلام سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، حوالی ساعت ۱۴:۳۰ دقیقه روز پنجشنبه ۱۰ مهرماه، در یکی از آزمایشگاه‌های طبقه همکف دانشکده فنی دانشگاه تهران، تعویض کپسول گاز هیدروژن منجر به انفجار و بروز حادثه و آتش‌سوزی شد. در این حادثه یک دانشجوی دختر و یک دانشجوی پسر هم به شدت مصدوم شدند و دو نفر دیگر بر اثر سقوط شیشه‌های شکسته، مصدومیت سطحی پیدا کردند. همچنین بخشی از شیشه‌ها، درب و دیوار ساختمان تخریب شد.

محمدحسین امید (رئیس دانشگاه تهران) با اظهارات متناقض و تحریف واقعیت تلاش کرده است روایت دروغینی از حادثه ارائه دهد. او شب گذشته و در نخستین مصاحبه خود مدعی شد که محمود نیلی احمدآبادی نیز در لحظه انفجار در آزمایشگاه مذکور حضور داشته است و مصدوم شده است؛ در حالی که تصاویر منتشرشده هیچ نشانی از آسیب یا خراش بر چهره وی نشان نمی‌دهد و شاهدان عینی و همکلاسی‌های زنده یاد کلاته نیز تأکید کرده‌اند که تا ساعت شش بعداز ظهر در بیمارستان حضور داشتند اما نه نیلی احمدآبادی و نه ملکان (رئیس دانشکده) در محل حاضر نشدند.

حمایت و چشم‌پوشی مسئولان از تخلفات دانشجویان عراقی

رفتار مسئولان دانشگاهی و نهادهای نظارتی با دانشجویان عراقی تفاوت چشمگیری با دانشجویان ایرانی دارد. منابع دانشجویی می‌گویند این دانشجویان از حمایت کامل مسئولان و حتی نیروهای حراست برخوردارند، در حالی که دانشجویان ایرانی برای تخلفات جزئی با برخوردهای انضباطی مواجه می‌شوند.

برای مثال، از دانشگاه‌های همدان و تبریز گزارش شده است که در حالی که سیگار کشیدن دانشجویان ایرانی در محوطه باز دانشگاه با واکنش شدید حراست روبه‌رو می‌شود، برخی دانشجویان عراقی در فضاهای بسته دانشگاه نیز سیگار می‌کشند و با هیچ تذکری مواجه نمی‌شوند.

علاوه بر این، دانشجویان از تساهل آشکار در ارزیابی‌های آموزشی نسبت به این گروه از دانشجویان خبر داده‌اند.

محمدتقی علمی، رئیس دانشگاه تبریز روز پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۴، در گفت‌وگو با خبرنگاران، مجموع دانشجویان خارجی در حال تحصیل در دانشگاه‌های سراسری ایران را ۴۷ هزار نفر اعلام و اظهار کرد: از این تعداد سه هزار و ۴۰۰ نفر در

دانشگاه تبریز مشغول به تحصیل در رشته‌ها و مقاطع مختلف تکمیلی هستند.

وی عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ازبکستان، سوریه، افغانستان و چند کشور دیگر را از جمله ممالکی برشمرد که در دانشگاه تبریز دانشجو دارند و بر اساس آخرین آمارهای موجود بیش از ۹۰ درصد آنها را دانشجویان عراقی تشکیل می‌دهد.

اعلمی با اشاره به اینکه به غیر از دانشجویان شاغل در دانشگاه‌های دولتی، حدود ۶۰ هزار نفر نیز در دانشگاه آزاد اسلامی کشور دانشجوی خارجی وجود دارد، یادآور شد: در مجموع ۸۰ درصد دانشجویان خارجی ایران را اتباع عراقی شامل می‌شود.

بی‌خانمانی اجباری و اخراج از خوابگاه

براساس گزارشات رسیده با آغاز ترم جدید (پاییز ۱۴۰۴)، جمعی از دانشجویان دانشکده فنی و حرفه‌ای شریعتی تهران با مشکل جدی کمبود محل سکونت مواجه شده‌اند. مسئولان این دانشکده از اسکان دانشجویان سنواتی خودداری کرده و این تصمیم را به استناد آیین‌نامه وزارت علوم توجیه کرده‌اند؛ در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد هیچ بند مشخصی در آیین‌نامه‌ی موجود، چنین محدودیتی را پیش‌بینی نکرده است. به گفته‌ی دانشجویان، این تصمیم ناگهانی باعث شده بسیاری از آنان در ابتدای سال تحصیلی بدون خوابگاه بمانند و برای اقامت موقت به مسافرخانه‌ها یا خانه‌های اجاره‌ای کوتاه‌مدت پناه ببرند. برخی از آنان می‌گویند در تماس با مسئولان این دانشکده دخترانه پاسخی روشن درباره علت این تصمیم دریافت نکرده‌اند.

این در حالی است که کارشناسان آموزش عالی، با اشاره به مشکلات اقتصادی دانشجویان، تأکید می‌کنند که حذف اسکان برای دانشجویان سنواتی می‌تواند به ترک تحصیل اجباری و تشدید نابرابری آموزشی منجر شود.

تایید حکم اعدام احسان فریدی دانشجوی ۲۲ ساله



دیوان عالی دیکتاتوری آخوندها حکم جنایتکارانه اعدام زندانی سیاسی احسان فریدی دانشجوی محبوس در زندان تبریز را مورد تأیید قرار داد. روز چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۴، وکیل او اعلام کرد: «احسان فریدی دانشجوی ۲۲ ساله دانشگاه تبریز، که پیش‌تر از سوی شعبه سوم دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی حسن فتح‌پور به اتهام "افساد فی‌الأرض" به اعدام محکوم شده بود، با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور در آستانه اجرای حکم اعدام قرار گرفته است.»

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۵

احسان فریدی در ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ دستگیر و در اردیبهشت ۱۴۰۴ به اتهام آخوند ساخته افساد فی الارض به خاطر هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران به اعدام محکوم شد.

روز دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه بهشتی با پخش پوستر احسان فریدی دانشجوی محکوم به اعدام، اعتراض خود به این حکم را اعلام کردند.

گزارشی از بازداشت دستکم ۷ دانشجو

در پی شکل گیری تجمعات اعتراضی جمعی از دانشجویان در همدان، روز شنبه ۱۹ مهرماه دستکم هفت تن به نامهای تینا درویشی، پگاه پای، امید کرمی، علیرضا قربی، مهرداد (مهرداد) سیفی، دانیال و مرتضی (نامهای خانوادگی نامشخص)، بازداشت شدند. با گذشت چند روز از این رویداد، خانمها درویشی و پای با تودیع وثیقه آزاد شدند اما سایرین همچنان به صورت بلاتکلیف در زندان همدان در بازداشت به سر می‌برند.

مرگ مشکوک یک دانشجو در دانشگاه آزاد تبریز



بامداد دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴، مهدی اسمعیلی سقندل دانشجو رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد تبریز بر اثر سقوط از پنجره یکی از کلاسها جان خود را از دست داد. هنوز جزئیات دقیق حادثه و علت سقوط مشخص نیست. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با تایید خبر فوت این دانشجو، زمان دقیق حادثه را ساعت ۱۰:۳۰ صبح امروز اعلام و مدعی شد که با وجود تلاش نیروهای امدادی، شدت جراحات وارده به گونه‌ای بود که دانشجو در دم جان باخته است. جزئیات حادثه همچنان در دست بررسی می‌باشد.

احضار دانشجویان دختر در دانشگاه یزد به بهانه

«عدم رعایت قوانین پوشش»

در ادامه‌ی تشدید برخوردهای انضباطی در دانشگاه یزد، چند تن از دانشجویان دختر این دانشگاه در روزهای اخیر پیامکی از شماره‌ی رسمی دانشگاه یزد دریافت کرده‌اند که آنها را به دلیل «عدم رعایت قوانین پوشش» احضار کرده است. در این پیام، به دانشجو اخطار داده شده است که حداکثر تا روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۴ برای پیگیری موضوع به دفتر شماره ۰۰۱ در ساختمان مرکزی دانشگاه یزد مراجعه کند؛ در غیر این صورت «فرایند رسیدگی غیابی» درباره‌اش انجام خواهد شد.

زهرا رحیمی، فعال دانشجویی دانشگاه یزد، در واکنش به این احضارها در صفحه‌ی شخصی خود در شبکه‌ی اجتماعی اکس نوشت: «تهدید و خشونت علیه دانشجویان دختر در دانشگاه یزد هیچوقت تمام نمی‌شود. هر روز به شیوه‌ای جدید با روان دانشجو بازی می‌شود و واقعیت این است که متر و معیار این به اصطلاح قوانین پوششی‌شان سلیقه‌ای، تبعیض‌آمیز و بسیار سخت‌گیرانه‌تر از سایر دانشگاهها است.»

دوراهی کوچ اجباری یا ترک تحصیل!

روز پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان تازه پذیرفته شده‌ی دانشگاه چابهار، به‌ویژه از روستاهای اطراف، اعلام کرده‌اند که به دلیل نبود خوابگاه در این دانشگاه، ناچار به انتقال اجباری به زاهدان شده‌اند؛ تصمیمی که با توجه به هزینه‌های سنگین زندگی، ادامه‌ی تحصیل را برای بسیاری ناممکن کرده است. البته این جدا از دانشجویانی هست که به دلیل این کوچ اجباری، ناچار به مهاجرت شده‌اند.

روزهای سیاه دانشگاههای علوم پزشکی

روز شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۴، مژگان محمدنژاد، دانشجوی پزشکی ورودی ۹۴ دانشگاه آزاد یزد، در آستانه فارغ‌التحصیلی با اقدام به خودکشی جان خویش را گرفت.

بنابر اطلاعاتی که به دست ما رسیده، مژگان تحت فشار شدید از سمت اساتید جهت اصلاح یا تغییر پایان‌نامه‌اش، دست به این کار زده.

گشهای اعتراضی دانشجویان

اعتراض گسترده دانشجویان پرستاری

روز جمعه ۴ مهر ۱۴۰۴، بیش از ۸۰۰ نفر از فعالان و نمایندگان دانشجویی حوزه پرستاری سراسر کشور در نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر بهداشت، نسبت به سیاستهای اخیر این وزارتخانه هشدار دادند و آن را تهدیدی جدی برای آینده نظام سلامت کشور دانستند.

در این بیانیه، دانشجویان پرستاری چهار محور اصلی را به عنوان موارد بحران‌آفرین معرفی کردند. به گفته امضاکنندگان، هزینه سنگین آموزش پرستار در شرایطی صرف می‌شود که بیش از ۱۰ هزار پرستار بیکار در کشور وجود دارند و بسیاری به دلیل بی‌ثباتی شغلی و حقوق ناکافی از چرخه خدمت خارج شده‌اند. آنان هشدار دادند که ادامه این روند، مهاجرت پرستاران و ترک خدمت گسترده را تشدید کرده و آینده سلامت جامعه را به خطر خواهد انداخت. امضاکنندگان در پایان خواستار توقف فوری این سیاستها، بازنگری اساسی در روند آموزش پرستاری و توجه جدی به وضعیت معیشتی و رفاهی پرستاران شدند.

اعتصاب گسترده غذایی دانشجویان اصفهان

روز شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴، دانشجویان خوابگاه جی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اقدامی اعتراضی، غذای خوابگاه را تحریم کرده و از خوردن آن خودداری نمودند. معترضان ظروف غذای توزیع شده را به صورت ردیفی روی زمین خوابگاه چیدند تا نارضایتی خود را آشکارا نشان دهند.

این حرکت اعتراضی در ادامه سالها گلایه و شکایت دانشجویان از کیفیت پایین غذا و فقدان رعایت بهداشت در سلف دانشگاهها و خوابگاهها انجام شد. با وجود اعتراضهای

پی‌درپی، مسئولان همچنان نسبت به این وضعیت بی‌توجه مانده و اقدامی برای رفع مشکلات صورت ندادند.

اعتصاب غذای دانشجویی در دانشگاه زنجان روز



شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه زنجان در اقدامی خودجوش و اعتراضی، دست به تحسین و اعتصاب غذا در خوابگاه و دانشگاه زدند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه زنجان از ظهر روز جمعه ۴ مهر تجمع و اعتصاب غذایی را آغاز کردند. عده‌ای از دانشجویان با فراخوان «هر روز ساعت ۱۲:۳۰ غذا را بگیرد و نگه دارید» تلاش کردند با دریافت و امتناع از مصرف وعده غذایی، اعتراض خود را به وضعیت تغذیه و رفاه دانشجویان نشان دهند؛ و شماری دیگر راهکارهای نمادینی چون انتقال ظروف غذا به جلوی ساختمان مرکزی دانشگاه زنجان یا گذاشتن غذا روی زمین را به عنوان شیوه اعتراض مطرح کرده‌اند. دانشجویان دلایل اعتصاب را «فشارهای معیشتی، افت کیفیت و کمیّت غذای خوابگاه، بی‌توجهی به شأن دانشجو و سیاستهای ناب‌سامان مدیریت خدمات رفاهی» عنوان کرده و خواستار پاسخگویی و اقدام فوری مسئولان شدند.

تجمع خانوادگی جمعی از داوطلبان کنکور

روزشنبه ۵ مهر، جمعی از داوطلبان کنکور برای اعتراض به تأثیر قطعی معدل در کنکور سراسری دست به تجمع خانوادگی مقابل ساختمان شورای عالی انقلاب فرهنگی در تهران زدند.

یکی از اولیای دانش‌آموزان درخصوص دلایل این تجمع و مطالبات شان گفت: تصمیم غیرکارشناسی و ضدمدرمی تأثیر قطعی معدل در کنکور یک ظلم آشکار و تیر خلاص به پیکره نحیف عدالت آموزشی است. کنکور با تمام کاستیهایش، تنها عادلانه‌ترین میدان رقابت برای دانش‌آموزانی از شهرها، مدارس و طبقات اجتماعی مختلف بود. این تصمیم، این آخرین عرصه عدالت را نیز نابود می‌کند.

تجمع کارکنان دانشگاه صنعتی شریف

روز یکشنبه ۶ مهر، شماری از کارکنان دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به مشکلات شغلی و معیشتی خود در محوطه این دانشگاه دست به تجمع زدند. علت اعتراض صنفی این کارکنان موضوعاتی همچون پایه تشویقی، سرویس ایاب و ذهاب، کیفیت غذا، مشکلات مسکن و وضعیت سنوات کارکنان شرکی است.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۶

پس از این تجمع، معاون اداری مالی دانشگاه با حضور در جمع این دانشگاهیان پای سخنان آنها نشست. کارکنان دانشگاه شریف در این نشست، موضوعاتی مانند پایه تشویقی کارکنان، سرویس رفت و برگشت، غذا، مسکن، سنوات کارکنان شرکتی و سایر موارد صنفی را مطرح کردند.

خوابگاه دانش، صحنه اعتراض دانشجویان

یکشنبه شب ۶ مهر، دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر تهران در خوابگاه «دانش» با سر دادن شعارهایی علیه سیاستهای تبعیض آمیز و بی تفاوتی مسئولان به خواستههای شان دست به اعتراض زدند. آنان ابتدا در حیاط حلقه زدند و شعار دادند، سپس راهروها را پر کردند و اعلام کردند تا تحقق خواسته های شان، اعتراض ادامه خواهد داشت. دانشجویان خوابگاه «طلاکوب» نیز با حضور در بالکنهای خود، با شعارها و هم‌صدایی، دانشجویان معترض خوابگاه «دانش» را همراهی کردند. شعارهای اعتراضی دانشجویان: نه یادگان نه بنگاه، درود بر دانشگاه/ تا حقمو نداده، هر شب همین بساطه/ تا شهریه پابرجاست، قرار ما همین جاست/ دانشگاه پولکی، شهریه زورکی/ سلف و خوابگاه نداره، دزدی ادامه داره.

تجمع دانشجویان دانشگاه تهران

روز دوشنبه ۷ مهرماه ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان شبانه دانشگاه تهران در اعتراض به سیاستهای جدید دانشگاه در زمینه خدمات رفاهی، در محل باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران تجمع کردند و سپس برای اعتراض به دفتر معاونت دانشگاه تهران رفتند.

بر اساس تصمیم اخیر مسئولان دانشگاه، خوابگاههای نیمه خودگردان برای دانشجویان شبانه با هزینه هایی به مراتب بالاتر از گذشته اختصاص یافته است. این تصمیم با مخالفت و اعتراض شدید دانشجویان مواجه شده است.

تجمع دانشجویان علوم پزشکی سمنان

سه شنبه شب ۸ مهر ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان در اعتراض به سانحه مرگبار اتوبوس سرخه-سمنان، مقابل ستاد مرکزی دانشگاه تجمع کردند. دانشجویان معترض با انتظار پایان جلسه بررسی حادثه، خواستار اطلاع رسانی فوری درباره نتایج بررسی و مسئولیت مدیران و راننده هستند.

این تجمع نشان دهنده شدت خشم و نارضایتی دانشجویان از بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی دانشگاه در حفاظت از جان دانشجویان است.

تجمع کارکنان مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

روز سه شنبه ۸ مهر، جمعی از کارکنان مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و تبعیض در پرداختیها از جمله کارانه و اضافه‌کاری مقابل ساختمان اداری این دانشگاه زدند و خواستار پایان دادن به تفاوت‌های شدید پرداختی بین نیروهای ستادی و محیطی شدند.

سومین شب اعتراض دانشجویان خوابگاه دانش

آدینه شب ۱۱ مهر، اعتراضهای دانشجویان خوابگاه دانش برای سومین شب متوالی ادامه یافت. آنان ابتدا در حیاط بین خوابگاههای ۱ و ۲ و سپس در راهرو طبقات خوابگاه دانش راهپیمایی کردند. دانشجویان با شعارهای پرطنین خود به هیات رئیسه دانشگاه خواجه نصیر، خشم و اعتراض خود را نشان دادند:

«نه یادگان نه بنگاه / درود بر دانشگاه»

«تا حقمو نداده / هر شب همین بساطه»

«تا شهریه پابرجاست / قرار ما همین جاست»

«دانشگاه پولکی / شهریه زورکی»

«سلف و خوابگاه نداره / دزدی ادامه داره»

«دانشجو داد بزن / حقمو فریاد بزن»

«ما تماشگر نمی‌خواهیم / به ما ملحق شوید»

«دانشجو می‌میرد / ذلت نمی‌پذیرد»

«رفاه فروشی / نمی‌خوایم نمی‌خوایم»

«سرویس ما حذف شده / پولش کجا خرج شده»

این اعتراضها نشانه‌ای از بحران مدیریت و فساد در دانشگاهها است. تصمیمات تحقیرآمیز و پولی‌سازی خدمات، نه تنها رفاه دانشجویان را نابود کرده، بلکه شعله‌های خشم آنان را هر شب بیشتر می‌کند. دانشجویان با این اقدام شبانه، نشان می‌دهند که دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند صدای اعتراض آنان را نادیده بگیرد.

تجمع دانشجویان پرستاری در همدان



دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان در اعتراض به عدم اجرای اینترنتی مراحل قانونی آن از ماهها قبل به تصویب رسیده، روز یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴، مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی همدان تجمع کردند.

دانیال موحد، دانشجوی رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان با اشاره به جزئیات این طرح گفت: طرح اینترنتی ویژه دانشجویان ترم هفتم و هشتم پرستاری سالهاست در چندین استان کشور اجرا می‌شود. وی افزود: در این طرح، دانشجویان به جای حضور صرفاً آموزشی در نقش پرستار وارد بخشهای بیمارستانی می‌شوند، ساعت کاری بیشتری دارند، مسئولیت مراقبت از بیماران را برعهده می‌گیرند و در ازای آن مبلغی به عنوان حقوق دریافت می‌کنند؛ هرچند میزان آن زیاد نیست و در حد کار دانشجویی محاسبه می‌شود.

تجمع جمعی مقابل دانشگاه بوعلی سینا

روز دوشنبه ۱۴ مهر، جمعی از اهالی همدان برای انعکاس صدای اعتراض شان نسبت به رفتار دانشجویان حشد الشعبی مبنی بر تعرض و اهانت دانشجویان عراقی به دانشجویان دختر در دانشگاهها دست به تجمع مقابل دانشگاه بوعلی سینا با شعارها «دانشجوی عراقی اخراج باید گردد»، «همدان بس دیگه غیرت و نشون بده»، «ما همدانی هستیم، ذلت نمی‌پذیریم» و... زدند.

براساس گزارش منتشره در شبکه های اجتماعی، نیروهای سرکوب دستگاه رهبری به تجمع کنندگان با ماشین آپااش حمله ور شدند و با مقاومت معترضان باسردادن شعار «بی غیرت غیرت» روبرو شدند.

تحریم غذای دانشجویان دانشکده پرستاری ایزده

روز دوشنبه ۱۴ مهر، خبر تحریم غذای دانشجویان دانشکده پرستاری ایزده نسبت به عدم پاسخگویی مدیران دانشگاه علوم پزشکی اهواز به مطالبات شان و وعده های توخالی مسئولان استانی و تشکیل پرونده توسط حراست شبکه بهداشت و درمان برای دانشجویان حق طلب، رسانه ای شد.

دانشجویان دانشکده پرستاری ایزده با اعلام خبر اعتصاب غذای خود از شرایط نگران کننده حاکم بر این دانشکده و عدم مسئولیت پذیری دانشگاه علوم پزشکی اهواز، مدیران حوزه درمان ایزده و قول های بدون پشتوانه فرماندار و بهارستان نشین این شهرستان گفتند.

این دانشجویان افزودند: بارها و به شکلهای مختلف اعتراض صنفی و برحق خود را به گوش مسئولان شهرستان رساندیم. با هزینه شخصی به دانشگاه علوم پزشکی اهواز رفته و موضوع کیفیت نامطلوب غذا را با آنها در میان گذاشتیم. تنها دستاورد این همه پیگیری طی سه سال گذشته وعده های بدون عمل بوده است.

تجمع دانشجویان دانشگاه پیام‌نور

روز شنبه ۱۹ مهر، جمعی از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور برای اعتراض به عدم برخورداری از امکان شرکت در آزمون جامع مقابل وزارت علوم تجمع کردند.

یکی از دانشجویان پیام نور مدیران وقت دانشگاه پیام‌نور در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ در برخی واحدهای بین‌المللی خود مانند اربیل و نجوان به جذب دانشجویان ایرانی به‌عنوان دانشجوی بین‌المللی اقدام کردند و از آنجا که مسئولان فعلی اعلام کردند این واحدها تنها مجاز به پذیرش دانشجوی بین‌المللی هستند، حالا از حضور این دسته از دانشجویان در آزمون جامع جلوگیری می‌شود. اتفاقی که باعث شد تا پیش از برگزاری این تجمع، دانشجویان دست به راه‌اندازی کارزار بزنند. در کارزاری که با عنوان «درخواست حل مشکل صدور مدرک و آزمون جامع دانشجویان پیام‌نور بین‌الملل ورودی ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲» ایجاد شده، دانشجویان معترض با خطاب قرار دادن وزیر علوم، خواستار تعیین تکلیف وضعیت‌شان شدند.

دومینوی تجمع و تحسن در دانشگاه

خواجه‌نصیرالدین طوسی

در آغاز سال تحصیلی جدید، دانشجویان خواجه نصیر با محوریت مشکلات رفاهی، آموزشی و حذف برخی خدمات دانشجویی دست به اعتراض زدند.

در بامداد دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴، تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی در خوابگاه دانش گسترش یافت. این اقدام در ادامه سلسله اعتراضها روز یکشنبه صورت گرفت که پیش‌تر در پردیس ونک و سپس به ساختمان مرکزی دانشگاه خواجه نصیر کشیده شده بود.

دانشجویان معترض که از ظهر روز یکشنبه ۶ مهر، به دلیل گرانی غذا، حذف سرویس خوابگاه دخترانه اندیشه و نابسامانی‌های آموزشی دست به اعتراض زده بودند، پس از بی‌نتیجه ماندن جلسه پرسش و پاسخ با معاونت دانشجویی و فرهنگی، شب را در حیاط و محیط خوابگاه دانش با تحسن و سردادن شعارهای اعتراضی ادامه دادند.

بقیه در صفحه ۱۸

سلطان آواتارها

منصور امان

این می تواند طنز سیاسی باشد که از قضا یک روزنامه اسرائیلی با افشاگری خود رسوایی تازه و بی اعتبار کننده ای را برای رضا پهلوی رقم زده است. اسرائیل همان جایی است که دولت آن برای جا انداختن و اعتبار بخشیدن به «کینگ رضا پهلوی» برایش فرش قرمز پهن کرد و دیدارهای رسانه پسندی در سطح پایوران عالی رتبه برای وی ترتیب داد.

اکنون هارتس، یک روزنامه با گرایش لیبرال چپ، فاش می کند که مهمان نوازی نتانیاهو از رضا پهلوی فراتر از ترتیب چند عکس و رپرتاژ آگهی بوده است. هارتس از ایجاد فله ای حسابهای ساختگی در شبکه های گوناگون اجتماعی با هدف طرح و تبلیغ وی خبر می دهد. وظیفه این تور بزرگ از اکانت های جعلی فارسی زبان، بازتاب مواضع و سخنان رضا پهلوی، تبلیغ سلطنت و القای پشتیبانی اجتماعی از وی بوده و هست. بودجه و عملیات این پروژه توسط زیرمجموعه های شبه خصوصی دولت تامین و اجرا می شود.

به این ترتیب یک ویژگی مشترک جدید بین مجموعه سلطنت طلب پیرامون رضا پهلوی با رژیم ولایت طلب ج.ا.ا آشکار گردیده و آن ایجاد دسته های سایبری ساختگی برای راه انداختن کارزارهای گوناگون علیه مخالفان، جریانهای سیاسی اپوزیسیون و تبلیغات اغلب دروغین به سود خود است. تاکنون اشتراک این دو به طور عمده در دو پهنه به چشم می آید:

ابتدا از حیث مضمون تولیدات آنها که جهت گیری سیاسی - اجتماعی یکسانی را منعکس می کند و در ستیز علیه تحول انقلابی، عدالت اجتماعی، پلورالیسم، حقوق ملیتها و احزاب و گروه های مخالف و به ویژه جریانهای چپ خود را به نمایش می گذارد. سپس، به لحاظ متدی که این مضمون را حمل می کند و بر لمپنیسم، چاققاری و اوباشگری استوار شده است.

حال روزنامه اسرائیلی روشن کرده که این خویشاوندی ابعاد گسترده تری یافته است. اگر تا دیروز این فقط رژیم ج.ا.ا بود که با حسابهای ساختگی و آواتارهای خود جولان می داد، اکنون در این رسته نیز طیف رضا پهلوی و ج.ا.ا هم قد و ردیف شده اند. همپاری نتانیاهو می تواند «شاهزاده» را از خدماتی که تاکنون دستگاه سایبری رژیم ولایت فقیه به طور داوطلبانه به وی عرضه می کرد، بی نیاز کند.

آنچه که در این میان توجه پذیر است، همسویی دو رژیم راست افراطی اسرائیل و ایران است که با وجود درگیری با یکدیگر، در نقطه ایتاسیون به نفع طیف راست افراطی رضا پهلوی در کنار یکدیگر قرار می گیرند؛ اسرائیل با هدف ایجاد فشار بر ج.ا.ا با این ابزار و مدیریت تصویر اسرائیل نزد ایرانیان و ج.ا.ا برای تفرقه افکنی بین ایرانیان خارج کشور، منزوی ساختن جریانها و گروه های سیاسی مخالف، جاسوسی و خرابکاری. اگرچه شعارها و مطالبات حرکت های و جنبشهای اعتراضی در داخل و تجمعات و گردهماییهای مخالفان در خارج کشور خود به تنهایی روشنگرانه هست، با این حال افشاگری هارتس جنس و ماهیت بخشی از تبلیغات گمراه کننده پیرامون پایگاه اجتماعی سلطنت طلبان را شفاف تر می سازد، همانطور که پرده از کارزارهای مجازی آنان همچون «من و کالت می دهم»، «همکاری ملی» (کانال ارتباطی با نیروهای نظامی و امنیتی ج.ا.ا)، «ایران را پس می گیریم» و جز آن را نیز کنار می زند.

آنچه که این روزنامه نمی گوید، علت درز داده شدن دوپینگ رضا پهلوی توسط اسرائیل است. طیفی از احتمالات گوناگون را برای آن می توان برشمرد که از کشمکش احزاب سیاسی اسرائیل در و بیرون دولت تا اختلافات داخلی سلطنت طلبان و سرانجام تغییر سیاست نتانیاهو را در بر می گیرد. اما روشن است که این راز نیز پوشیده نخواهد ماند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۷ مهر

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۷

شعارهایی همچون: دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد/ دانشگاه پولکی، شهریه زورکی/ سلف و خوابگاه نداره، دزدی ادامه داره.

دانشجویان تأکید کرده اند که تا دستیابی به حقوق خود از تحصن عقب نشینی نخواهند کرد.

این اعتراضها در شامگاه روز پنجشنبه ۱۰ مهر، سه شنبه ۱۵ مهر، همچنین در یکشنبه شب ۲۰ مهر ادامه پیدا کرد. در این روز منابع دانشجویی اعلام کرده اند که نیروهای حراست دانشگاه با حضور در محل، اقدام به فیلم برداری از تجمع و تهدید دانشجویان معترض کرده اند.

روز دوشنبه ۲۱ مهر، در ادامه ی اعتراضهای شب گذشته دانشجویان خوابگاه «دانش» دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، دانشجویان در لابی دانشکده مهندسی هوافضا تجمع اعتراضی و تحصن کردند.

شامگاه روز شنبه ۲۶ مهر، اعتراضها در سلف پردیس رضایی نژاد ادامه پیدا کرد. این اعتراضها در شرایطی برگزار شد که دانشجویان به جای پاسخگویی با رفتار توهین آمیز و غیرمحترمانه مسئولان سلف مواجه شدند؛ اقدامی که موجب افزایش خشم و ناراضی دانشجویان گردید.

در نهایت، روز سه شنبه ۲۹ مهر، پس از پنج شب اعتراض و دوبار تحصن در پردیسهای دانشگاه و همچنان تعلل مسئولان در رسیدگی به خواسته های دانشجویان من باب تامین نیازهای اولیه زندگی، دانشجویان در لابی دانشکده ریاضی در پردیس رضایی نژاد گرد هم آمدند تا اعتراض خود را با صدایی رساتر به گوش مسئولان برسانند.

دانشجویان در این روز بیانیه ای را در محل قرائت کردند که بخشهایی از آن را می خوانیم:

«... ما، فرزندان دانشگاه، وارثان نسلی هستیم که سالها برای آگاهی و آزادی ایستاده اند. دانشگاه همیشه سنگر اندیشه و روشنگری بوده است؛ جایی که پرسیدن و اعتراض کردن جرم نیست، بلکه نشانه ی زیستن آگاهانه است.

... اکنون در ظهرگاه ۲۹ مهر، ما دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی بار دیگر خشم خویش را فریاد کردیم تا بگویم برای حقوق و احترام دانشجو جای هیچ مذاکره ای نیست.

... امروز دانشگاه ما زیر بار سیاستهای ناعادلانه و نگاه های سوداگرانه خم شده است. غذای سلف در شأن انسان نیست، شهریه ها نفس دانشجو را می بُند، و خوابگاهها از ازدحام و کمبود امکانات به جان آمده اند...
... دانشگاه را نمی توان با پول اداره کرد و با ترس ساکت نگه داشت. دانشگاه با آزادی زنده است؛ با حق انتقاد، با امید به تغییر، با صدای جمعی دانشجویان.

دانشگاه سکوت نخواهد کرد.

تا روزی که عدالت و آزادی در این سرزمین ریشه بدواند، ما ایستاده ایم — جمعی، آگاه، و آزاد.»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام خبرنگار، امیرکبیر، هراتا، تلگرام آموزشده توانا، ایستا، تلگرام دانشجویان متحد، عصر ایران، مهر، ایرنا، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، اعتراض مدنی بازار، شورای هماهنگی اعتراض پرستانان)

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۹

موسیقی

شکوه موسیقی کلاسیک در لندن

گاردین

لندن میزبان یکی از مهم ترین رویدادهای موسیقی کلاسیک جهان بود؛ مراسم اهدای جوایز «گرامافون ۲۰۲۵»! این مراسم که با همکاری Presto Music برگزار شد، از برجسته ترین هنرمندان، ضبطها و اجراهای سال تجلیل کرد و بار دیگر نشان داد که موسیقی کلاسیک همچنان در قلب فرهنگ جهانی جای دارد.

«سر سایمون رتل» (Sir Simon Rattle)، رهبر ارکستر برجسته بریتانیایی، به عنوان «هنرمند سال» معرفی شد؛ عنوانی که پیشتر در سال ۱۹۹۳ نیز به او تعلق گرفته بود.

جایزه «ضبط سال» به رافائل پیچون، (Raphaël Pichon) رهبر ارکستر فرانسوی، و گروه «پیگمالیون» (Pygmalion) برای اجرای «مس در B مینور» اثر یوهان سباستین باخ. این اثر توسط کمپانی Harmonia Mundi منتشر شده.

«کدکس کراسینسکی» (Codex Krasinski)، مجموعه ای از آثار موسیقی چندصدایی متعلق به قرن پانزدهم که از آتش سوزی نازیه ها در ۱۹۴۴ جان سالم به در برده بود، برای نخستین بار ضبط و به عنوان «ضبط موسیقی قدیم سال» معرفی شد.

مجله بریتانیایی گرامافون (Gramophone Magazine) یکی از معتبرترین نشریات تخصصی در حوزه موسیقی کلاسیک به شمار می رود. این مجله از سال ۱۹۲۳ فعالیت دارد، و از سال ۱۹۷۷ اقدام به اعطای این جوایز کرده است.

تشدید فشار امنیتی بر هنرمندان موسیقی

زیرزمینی در ایران

هرانا

در ادامه موج برخورد های امنیتی با هنرمندان مستقل، پلیس امنیت تهران با انتشار ویدئوهایی از سه خواننده آرش صیادی (ایسین)، اشکان شکاریان مقدم (اشکان لثو)، و رسام سهرابی ادعا کرده که آنان به دلیل «فعالیت بدون مجوز رسمی» و «اخلال در نظم عمومی» بازداشت شده اند.

در این ویدئوها، دستگیرشدگان در وضعیت نیمه برهنه دیده می شوند و به «کری خوانی» در فضای مجازی اعتراف می کنند. در پایان آنان از نهادهای قضایی و انتظامی «عذرخواهی» کرده و «تشکر» می کنند؛ اقدامی که از سوی نهادهای حقوق بشری به عنوان اعترافات اجباری و تحقیرآمیز محکوم شده است.

این اقدامات در حالی صورت می گیرد که موسیقی زیرزمینی در ایران، با وجود محدودیتهای قانونی، همچنان یکی از بسترهای مهم بیان اجتماعی و فرهنگی نسل جوان به شمار می رود.

زنان در مسیر رهایی (مهر ۱۴۰۴)

اسد طاهری

آن‌ها حجاب را خاکریز مهمی می‌دانند که در صورت از دست دادن آن، ایدئولوژی و اقتدار و سیطره رژیم صدمه جدی می‌بیند.

طالبان تبعیض علیه زنان را به دهلی آورد



در پی ممانعت از ورود خبرنگاران زن به نشست وزیر خارجه طالبان، سوهاسینی هایدار، روزنامه‌نگار سرشناس و دبیر امور خارجی روزنامه هندو گفت دولت هند با میزبانی رسمی از طالبان، تبعیض زن ستیزانه آنان را به خاک خود آورده است. او در شبکه اکس نوشت: «این رویکرد تسلیم پذیری است، نه دیپلماسی.»

امیر خان متقی وزیر خارجه طالبان که اخیراً به هند رفته شام روز شنبه ۱۰ اکتبر به سفارت افغانستان در دهلی رفت و در یک کنفرانس خبری با رسانه‌ها شرکت کرد.

چند رسانه بزرگ هندی، از جمله ایندیا تودی و تایمز ناو، برای پوشش نشست خبری وزیر خارجه طالبان، به سفارت افغانستان در دهلی نو دعوت شده بودند، اما مأموران امنیتی سفارت از ورود خبرنگاران زن جلوگیری کردند.

صدای زنان در تئاتر؛ سکوتی که باید شکسته شود

در دنیای پرهیاهوی تئاتر، صحنه‌ها عموماً به روایت داستان‌هایی از زندگی مردان و دغدغه‌های آنها اختصاص دارد، در حالی که صدای زنان به طرز چشمگیری نادیده گرفته می‌شود. این نادیده انگاری نه تنها در انتخاب آثار نمایشی، بلکه در فرصت‌های اجرایی و حمایت‌های مالی نیز مشهود است. در برخی شهرستان‌های خراسان رضوی، این چالش‌ها به وضوح نمایان است؛ جایی که بانوان هنرمند با موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متعددی روبرو هستند که مانع از بروز استعداد‌های شان می‌شود.

تئاتر، به عنوان یک هنر زنده و تأثیرگذار، می‌تواند ابزاری برای بیان موضوعات اجتماعی و فرهنگی باشد، اما در بسیاری از موارد، این ظرفیت به دلیل نبود آثار مناسب و عدم حمایت از هنرمندان زن، به هدر می‌رود. متون نمایشی غالباً به مسائل عمومی و مردانه پرداخته و از بیان تجارب و احساسات زنان غفلت می‌کنند. این وضعیت نه تنها به کاهش تعداد آثار تئاتر بانوان منجر می‌شود، بلکه باعث می‌شود که احساسات و دغدغه‌های زنان در جامعه به حاشیه رانده شوند.

برگزارکنندگان گفتند در دو روز اول دادگاه، شاهدانی از داخل و خارج افغانستان شهادت می‌دهند؛ زنانی که سالها با محدودیت و «خشونت سیستماتیک» زندگی کرده‌اند؛ تجربه خشونت خانوادگی یا ازدواج اجباری دارند، فعالان مدنی و



حقوق زنان و تعدادی از زنانی که مخفیانه در مخالفت با محدودیت‌های طالبان فعالیت کرده‌اند.

این دادگاه به ابتکار چهار نهاد مدنی و حقوقی افغان در تبعید و با همکاری نهاد «دادگاه دائمی مردمی» مستقر در رم برگزار شده است. چهار نهادی که این دادگاه را برگزار کرده‌اند، می‌گویند این نشست «واکنشی» است به محدودیت و کندی مسیرهای رسمی عدالت.

هرچند احکام دادگاه مردمی برای زنان افغانستان الزام‌آور نیست، برگزارکنندگان امیدوارند نتایج آن سندی تاریخی و اخلاقی برای دادخواهی زنان افغانستان باشد. آنها باور دارند که این دادگاه فرصتی مستقل و اخلاقی برای مستندسازی رنج‌ها و مطالبات زنان است

بازگشت گشت ارشاد باوحد وعده دولت پزشکیان



گزارش‌های میدانی از حضور گسترده مأموران گشت ارشاد در نقاط مختلف تهران، از جمله میدان انقلاب، میدان صنعت و مترو عباس‌آباد حکایت دارد. بر اساس مشاهدات شهروندان، مأموران به زنان تذکر حجاب می‌دهند و در برخی موارد آنان را برای گفت‌وگو کنار می‌کشند.

این در حالی است که دولت مسعود پزشکیان پیش‌تر از توقف فعالیت گشت ارشاد و پرهیز از برخوردهای خیابانی خبر داده بود.

لازم به ذکر است، در ماه‌های گذشته تصاویری از حضور زنان بدون حجاب اجباری در خیابان‌ها و برخی محافل، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که نشان می‌دهد زنان ایران در نتیجه مقاومت و جانفشانی رفته رفته عرصه عمومی شهرها را بازپس گرفته‌اند. ولی همچنان برای ورود به مراکز آموزشی و مراکز دولتی بدون حجاب اجباری، محدودیت‌های سختی برقرار است.

در همین مدت پزشکیان و نیز شورای عالی امنیت ملی، بنا به مصلحت نظام، به اسم وفاق، قانون حجاب و عفاف را اجرا نکرده‌اند که این موضوع با واکنش طیف اصولگرا مواجه شد.

طالبان آموزش کتابهای نوشته شده توسط زنان را ممنوع کرد



روز سه شنبه ۱ مهر، ضیاء رحمان آریوبی، معاون علمی وزارت آموزش عالی، در نامه‌ای خطاب به دانشگاه‌های افغانستان گفت که هیاتی از «علما و کارشناسان دینی» دریافته‌اند که کتابهای ممنوعه نقض تفسیر طالبان از قوانین شریعت است.

به گفته آریوبی، این آثار از نظر محتوای «ایدئولوژیک، فرهنگی، مذهبی و علمی» مورد ارزیابی قرار گرفتند. به گفته طالبان ممنوعیت کتابهای نوشته شده توسط ایرانیان یا چاپ شده در ایران بخشی از تلاش برای «جلوگیری از نفوذ محتوای ایرانی» به برنامه درسی افغانستان است.

بر اساس این دستورالعمل دانشگاهها موظف شده‌اند تا ۱۸ دوره دانشگاهی را که خلاف قوانین دینی تشخیص داده شده ممنوع کنند. همچنین ۲۰۱ دوره دانشگاهی «مشکل ساز» دیگر در دست بررسی هستند

ممنوعیت طالبان درمان زنان توسط دندانپزشکان مرد در قندهار

طالبان در ولایت قندهار در جنوب افغانستان، درمان زنان توسط دندانپزشکان مرد در کلینیک‌های دندانپزشکی را ممنوع اعلام کرد.

منابعی در قندهار روز پنجشنبه ۳ مهر اعلام کردند که اعضای کمیته امر به معروف و نهی از منکر طالبان، زنان را از کلینیک‌های دندانپزشکی در این استان اخراج کرده‌اند.

این منابع افزودند که نیروهای طالبان به کلینیک‌ها دستور داده‌اند که دیگر اجازه ندهند زنان توسط دندانپزشکان مرد درمان شوند. نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های امدادی هشدار داده‌اند که ادامه این روند می‌تواند به فاجعه‌ای انسانی در افغانستان منجر شود.

افزایش میزان مرگ و میر زنان و کودکان‌شان، سوءتغذیه، بازگشت بیماری‌های قابل پیشگیری، و بحران سلامت روان از جمله خطراتی است که سازمان جهانی بهداشت نسبت به افزایش آن در افغانستان، هشدار داده است.

دادگاه برای رساندن صدای زنان افغان به دنیا

روز چهارشنبه ۱۶ مهر در سومین روز نشست سه روزه «دادگاه مردمی برای زنان افغانستان» در مادرید، اعلام شد که «استماع و رسیدگی به جنایات علیه بشریت و نقض‌های فاحش حقوق بشری زنان و دختران در افغانستان» هدف دادگاه است.

زنان در مسیر رهایی

این مبارزه‌ای برای حق زندگی ست

بقیه از صفحه ۱۹

تبعیض علیه زنان در عراق نهادینه می‌شود

منصور امان



برخلاف هدف دستگاه سرکوب که زندان را نقطه پایان حیات اجتماعی فرد می‌خواهد و اینگونه نیز سازمان می‌دهد، زندانهای کشور صحنه کُش مدنی پرشور و مبارزه برای حق حیات گردیده است.

صدها تن از زندانیان قزلحصار کرج در اعتراض به موج فرارونده اعدامها و همبستگی با زندانیانی که در آستانه اعدام قرار دارند، دست به اعتصاب غذا زدند. در همین حال خانواده زندانیان و پشتیبانان آنها نیز با شعار «نه به اعدام، آری به زندگی» در برابر این اسارتگاه تجمع کرده اند.

پیش از این به ابتکار زندانیان سیاسی، کمپینی به نام «سه شنبه‌های نه به اعدام» با خواست لغو مجازات اعدام برای هر اتهام یا جرمی ایجاد شده بود که اکنون نودمین هفته خود را پشت سر می‌گذارد. کارزار یاد شده بی درنگ پس از راه‌اندازی با استقبال زندانیان در سایر زندانهای کشور روبرو شد، به گونه ای که اکنون در ۵۲ زندان در سراسر کشور، زندانیان «سه شنبه‌های اعتراضی» را به صفی نیرومند در برابر ماشین اعدام رژیم ج.ا تبدیل کرده‌اند.

اعتراض متحده در زندان قزلحصار کرج نشان از گسترش مطالبه حق زندگی و مسیر پیش رونده برای همگانی شدن آن به مثابه یک خواست اجتماعی دارد؛ آنچه که شدت گرفتن وحشیگری رژیم ولایت فقیه علیه زندانیان بی دفاع آن را ضروری می‌سازد. دستگاه تحت امر دژخیم مشهور، آخوند اژدهای، تنها در سه هفته اول ماه جاری ۱۶۲ زندانی را به اتهامهای گوناگون به قتل رسانده است. بر کسی پوشیده نیست که روند دادرسی در ج.ا گذشته از آنکه از استانداردهای پذیرفته شده جهانی فرستگها فاصله دارد، در مضمون نیز اغلب بر قوانینی متکی است که سرچشمه شان به عصر صحرانشینی برمی‌گردد.

در اساس، مجازات در سیستم قضایی ج.ا، جوهره ای انتقام جویانه دارد و هدف آن منکوب کردن متهم به وسیله آزار رساندن فیزیکی (شلاق، قطع عضو) و یا قتل وی است. قانون قصاص را می‌توان چکیده این نگرش و آینه تمام نمای آن دانست. زندان در این چارچوب کارکردی اجتماعی برای توان بخشی به زندانیان و بازگرداندن آنها به روندهای متعارف اجتماع ندارد، بلکه ابزاری انتزاعی برای مجازات و تحقیر به شمار می‌رود و نقش ماشین تادیب را ایفا می‌کند.

در همین حال مجازات اعدام برای استبداد مذهبی کاربُردی سیاسی نیز دارد. گذشته از استفاده بی دریغ از آن علیه مخالفان، دگراندیشان و سرکوب اقلیتهای ملی و مذهبی، زندانیان عادی نیز در این چارچوب سوژه‌های مشروع برای آن به حساب می‌آیند. از آنجا که حاکمیت به گونه عمومی مجازات اعدام را به مثابه وسیله‌ای برای ترور روانی جامعه و نمایش اقتدار خود بکار می‌برد، بنابراین به زندانیان عادی که پشتیبانی اجتماعی و رسانه ای کمی دارند، در نقش سوختی کم هزینه برای افزایش درجه وحشت پرانگی و تشویش چنگ می‌اندازد. این سیاست سازگار با شرایطی که رژیم حاکم در آن بسر می‌برد و میزان نگرانی نسبت به ثبات خویش، شدت و ضعف می‌یابد. افزایش شمار اعدامها همراه با فروپاشی اقتصادی و جنگ دوازده روزه، این تناسب جنایتکارانه را به خوبی نشان می‌دهد.

اعتراضهای فزاینده به گشتار زندانیان، گذشته از مبارزه برای حق بنیادی زندگی، همزمان به رسمیت نشناختن دستگاه فاسدی است که فاقد مشروعیت اخلاقی برای صادر کردن حکم می‌باشد و روندهای دادرسی آن را خودسری و زور تنظیم می‌کند. مجازات اعدام یک پایه حیاتی دستگاه سرکوب است و به این اعتبار، بیرون کشیدن این ابزار از دست خونریز رژیم ولایت فقیه، بنیاد دستگاهی که بر آن بنا شده را سست خواهد کرد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۴ مهر



روز چهارشنبه ۲۳ مهر، دیدبان حقوق بشر (HRW)، اعتراض خود را نسبت به قانون مدنی فقه جعفری که روز ۲ اکتبر از سوی ریاست جمهوری عراق تأیید شد، اعلام کرد. این سازمان اعلام کرد که در این قانون، در زمینه موضوعاتی نظیر ازدواج، طلاق، ارث، ولایت و حضانت کودکان، از مردان حمایت شده و تغییراتی مغایر با حقوق زنان وجود دارد.

سارا سانبار، پژوهشگر دیدبان حقوق بشر در امور عراق، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «قانون جدید احوال شخصیه، علیه زنان تبعیض اعمال می‌کند و به شکل حقوقی آنان را در جایگاه شهروندان زیردست قرار می‌دهد. این قانون، حقوق زنان و کودکان دختر بر زندگی‌شان را به مردان واگذار می‌کند و باید فوراً اجراء آن متوقف گردد.»

قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ سال ۱۹۵۹ عراق، به عنوان اصلی‌ترین چارچوب قانونی پذیرفته شده بود که به مدت شصت سال از حقوق زنان و کودکان دفاع می‌کرد. اما قانون مدنی فقه جعفری که از ۳۳۷ ماده تشکیل شده است و روز ۲ اکتبر از سوی رئیس جمهور عراق تأیید شد، این دستاوردها را به شکل جدی پایمال کرده و به عقب می‌راند.

تأیید این قانون، به دلیل احتمال محدود کردن حقوق نفقه، ولایت و میراث زنان و کودکان، اعتراضاتی را در سراسر کشور در پی داشت. سازمان‌های زنان و کنشگران جامعه مدنی اعلام کردند که قانون مذکور، نوعی «پسرفت تاریخی» در زمینه حقوق زنان است.

کنشگران اعلام کردند که قانون مدنی فقه جعفری، تهدیدی علیه حقوق زنان و کودکان است و تأثیراتی منفی بر وحدت جامعه و ساختار خانواده خواهد داشت و خواستار باطل شدن این قانون شدند.

خبرنگاران زن چالش غافلگیرانه طالبان در سفر خارجی



روز چهارشنبه ۲۳ مهر، سه روز پس از آنکه زنان خبرنگار از حضور در کنفرانس خبری وزیر امور خارجه طالبان در هند محروم شدند، توانستند بار دیگر با حضور در جایگاه خبرنگاران، او را به چالش بکشند و از او درباره تبعیض علیه زنان افغان سوال بپرسند.

سفر یک هفته‌ای متقی به هند، اولین سفر دیپلماتیک یک مقام ارشد طالبان از زمان به قدرت رسیدن این گروه در سال ۲۰۲۱ است.

در تصاویر مخایره شده از این رویداد، امیرخان متقی، وزیر امور خارجه طالبان در مقابل ردیفی از خبرنگاران زن در سفارت افغانستان در دهلی دیده می‌شود. این دیدار فرصتی نادر برای رویارویی با وزیر دولت طالبان بود؛ دولتی که تماماً مردانه است و طی چهار سال گذشته آزادی‌ها و آرزوهای زنان و دختران افغان را محدود کرده است.

اسمیتا شارما، خبرنگار مستقل از متقی پرسید: «چرا این شرایط در افغانستان برقرار است؟ چه زمانی به زنان اجازه داده می‌شود به مدرسه برگردند و حق تحصیل پیدا کنند؟»

این سفر به عنوان فرصتی برای بازتنظیم روابط دلی و کابل و بخشی از تلاش‌های طالبان برای پذیرفته شدن به عنوان یک دولت مشروع دیده می‌شود.

در نشست خبری نخست متقی که روز جمعه برگزار شد، تنها مردان حضور داشتند و بسیاری از خبرنگاران، گروه‌های مطبوعاتی و سیاستمداران هندی، این اقدام را توهینی به اصول دموکراسی و آزادی مطبوعات در هند دانستند.

باشگاه مطبوعات هند محرومیت خبرنگاران زن از حضور در این نشست را به شدت محکوم کرد و از دولت هند خواست «اطمینان حاصل کند که هیچ قدرت خارجی اجازه ندارد شرایط تعامل با رسانه‌های هندی را به آنها تحمیل کند.»

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: بورونیز، طلوع نیوز، بی‌بی‌سی، ایرنا، رسانه تحکیم‌ملت، ایسنا، ای اف ان نیوز)

جنبش رنگین کمان بیشماران (مهر ۱۴۰۴)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

در ماه گذشته با انتشار تازه ترین آمار رسمی از نیروی کار، ابر بحران بیکاری به خوبی نشان داده شد. بر اساس داده های منتشرشده، جمعیت در سن کار کشور حدود ۶۶ میلیون نفر برآورد شده که از این میان، تنها ۲۶ میلیون و ۹۳۹ هزار نفر در گروه «فعال اقتصادی» قرار دارند؛ یعنی کسانی که یا شاغل اند یا در جستجوی کار.

از این جمعیت، ۲۴ میلیون و ۹۵۸ هزار نفر شاغل و یک میلیون و ۹۸۰ هزار نفر بیکار هستند. اما در مقابل، ۳۹ میلیون نفر از مردم در سن کار، نه شغلی دارند و نه به دنبال کارند؛ به عبارتی از چرخه اقتصاد کنار گذاشته شده اند.

روز آدینه ۱۸ مهر ۱۴۰۴، همزمان با روز جهانی لغو اعدام، زندانیان سیاسی قزلقصار با سر دادن شعار به اعدام های گسترده در زندان های ایران اعتراض کردند.



آنها شعار می دادند: «هر ۳ ساعت یه اعدام، یادآور قتل عام! حکومت اعدامی، سرنگون سرتنگونی! مرگ بر خامنه ای! برپاییز، از جا کن، بنای کاخ دشمن / نه به اعدام، نه به اعدام، نه نه نه! سر خم قعدن! مرگ ظالمان ظالمان، سخت و بی امان!»

روز سه شنبه ۲۹ مهر در پی اختلال در خط مترو، مردم در ایستگاه گرمدره با کوبیدن به دیواره واگنها شعار «مرگ بر خامنه ای» سردادند. ویدیوهایی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده نشان می دهد گروهی از مسافران خط پنج مترو گلشهر تهران مجبور به ترک قطار در میانه راه شده و پیاده به مسیر خود ادامه می دهند.

در ماه مهر تعرض حکومت به سطح زندگی و معیشت کارگران و تهیدستان در ابعاد کلان ادامه داشت. رسانه حکومتی اقتصاد پویا در شماره روز شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۴ نوشت: «ایران کشوری ثروتمند با مردمی فلاکت زده. مردم ایران با فقر؛ بیکاری؛ تورم و کاهش قدرت خرید مواجهند. ۹۰ درصد از مردم زیر خط فقر هستند.»

کارگران و تهیدستان در واکنش به شرایط فاجعه بار و فقر و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۲۷۳ روز حرکت اعتراضی در ماه مهر انجام دادند. گزارش کوتاه این حرکتها را این مجموعه خواهید خواند. حرکت های اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می شود. در همین ماه شاهد سه شنبه های اعتراضی زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده های محکوم به اعدام بودیم.

سه شنبه ۱ مهر

*کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز بار دیگر و برای یازدهمین روز متوالی در محوطه شرکت دست به تجمع

اعتراضی زدند. به گزارش روز پیش ایلنا کارگران تاکید کردند که موقوفات دوماهه حقوق شان هنوز پرداخت نشده و وعده بانک ملی مبنی بر اختصاص بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان برای حقوق و راه اندازی خطوط تولید، تاکنون روی زمین مانده



است.

همچنین، مدیرعامل جدید شرکت حاضر به گفتگو با کارگران نشده و برنامه های روشن برای آینده مجتمع ارائه نکرده است؛ موضوعی که امنیت شغلی و بقای شرکت را به شدت تحت تهدید می کند.

*جمعی از مردم مرزنشین منطقه ریگ ملک شهرستان میرجاوه مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و خواستار بازگشایی گذر مرزی روتک شدند. به گزارش حال وش، یکی از ریش سفیدان حاضر در این تجمع در سخنانی خطاب به مسئولان گفت: «من از سپاه تقاضا دارم این گذر مرزی برای امرار معاش مردم منطقه بازگشایی شود. اکنون هر فرد ناچار است هزینه زندگی دستکم ده نفر را تامین کند. در این منطقه نه کشاورزی داریم و نه آب. اگر مرز بسته بماند، جوانان ناگزیر به کارهای خلاف و دزدی کشیده می شوند. خواهش می کنم مرز را باز کنید تا مردم بتوانند زندگی خود را بگذرانند.» *جمعی از کارکنان شرکت پویا نخ در اقدامی اعتراضی و پر قدرت مقابل ورودی استانداری ایلام تجمع کردند. این تجمع به حدی بود که در ورودی استانداری مسدود شد و تردد کارکنان و مراجعه کنندگان به طور کامل مختل گردید. به گزارش تلگرام اعتراض مدنی بازار، اعتراض کنندگان با فریاد و فشار مستقیم خواستار پاسخگویی مسئولان شدند و نشان دادند که خشم کارکنان علیه بی توجهی و مشکلات کاری به نقطه انفجار رسیده است.

*به گزارش مجله ماشین (ماشین نیوز)، مشتریان هرمس خودرو واردکننده محصولات هیوندای و کیا برای اعتراض به گران فروشی و تاخیر در تحویل مقابل ساختمان سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان در تهران تجمع کردند.

چهارشنبه ۲ مهر

*شماری از کارگران شرکت ایران پوپلین رشت، در اعتراض به عدم واریز حقوق مرداد و شهریور، در این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران می گویند: حقوق مرداد و شهریور واریز نشده است. در دو ماه اخیر فقط هشت میلیون تومان علی الحساب برای کارگران پرداخت شده که این پول، از اجاره خانه یک ماه هم کمتر است. نامه نگاریهای بسیار انجام دادیم اما نتیجه ای نگرفته ایم.

پنجشنبه ۳ مهر

*شهروندان روستای تهللاب در میرجاوه در اعتراض به انتقال آب منطقه شان به زاهدان تجمع کردند. به گزارش حال وش،

این تصمیم غیرمسئولانه، کشاورزی و منابع آب زیرزمینی روستا را به نابودی می کشاند و معیشت مردم را در وضعیت بحرانی قرار می دهد.

مردم معترض می گویند که مرزها بسته شده و هیچ گونه راه امرار معاشی وجود ندارد و با انتقال آب، کشاورزی و دامداری در این منطقه نیز از بین خواهد رفت.

آدینه ۴ مهر

*شهروندان طرق رود از توابع شهرستان نطنز در استان اصفهان و روستاهای اطراف به اعتراضهای دامنه دارشان نسبت به فعالیت مخرب معادن سنگ، آسیب رسانی به چشمه گرداب و کاهش چشمگیر آب قنوت با راهپیمایی، تجمع و سردادن شعار «معدن دار حیاکن منطقه را رهاکن» ادامه دادند و خواهان تعطیلی کارمعدان در کوه های منطقه شدند.

به گزارش ایران فید، دلیل اعتراض روشن است: قنات گرداب، رگ حیاتی این منطقه، زیر فشار فعالیت ویرانگر معادن در حال خشک شدن است. مردم هشدار می دهند ادامه این روند به نابودی کامل منابع آبی و حیات منطقه می انجامد، اما مسئولان همچنان در برابر این فاجعه سکوتی مگر بار پیشه کرده اند.

طرق رود شهری از توابع بخش مرکزی شهرستان نطنز در استان اصفهان ایران است.

شنبه ۵ مهر

*شماری از شهروندان روستای برزیون از توابع شهرستان بهمنی مقابل ساختمان شرکت بهره برداری سد و نیروگاه مارون در بهبهان تجمع کردند. به گزارش هرانا، معترضان که عمدتاً جوانان بومی هستند، می گویند به دلیل استقرار شرکت در استان خوزستان از شرکت در آزمون استخدای محرومند. آنها تاکید دارند که بارها از طریق مسئولان محلی و استانی موضوع را پیگیری کرده اند، اما تاکنون پاسخی نگرفته اند. بسیاری از ساکنان این منطقه نیز پس از آبیگری سد ناچار به ترک خانه و زمینهای خود شده اند.

*گروهی از رانندگان کامیون در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت و در اعتراض به عدم ترخیص کامیونهای وارداتی این شهروندان برگزار شد.

*شماری از لوکوموتورانان استانهای مختلف کشور، در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود، مقابل وزارت راه و شهرسازی در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، همسان سازی دستمزد و مزایا با سطح سختی و مسئولیت شغل، اجرای کامل قوانین مربوط به مشاغل سخت و زیان آور، پرداخت به موقع مزایا و اضافه کار، ساماندهی قراردادهای ایجاد امنیت شغلی و تدوین آییننامه های شفاف در خصوص ارتقا، آموزش و رفاه شغلی، از جمله مطالبات این افراد به شمار می آید.

*جمعی از کشاورزان شوش برای اعتراض به عدم رهاسازی آب در مسیر کرخه دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان در کلانشهر اهواز زدند.

یکشنبه ۶ مهر

*گروهی از کارگران کارخانه چینی تقدیس واقع در شهرک صنعتی گناباد برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند.

بقیه در صفحه ۲۲

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۱

به گزارش ایلنا، اعتراض این کارگران به دنبال بی‌توجهی مسئولان به عدم پرداخت چندین ماه مطالبات مزدی آن‌ها صورت گرفته است. کارگران تصریح کردند: طی ماه‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خود به چند نهاد دولتی مراجعه کردیم اما هنوز اتفاقی نیفتاده است.

خاطر نشان می‌شود که کارخانه چینی تقدیس از سال ۱۳۸۶ با حدود هزار کارگر در زمینه تولید انواع ظروف چینی هتلی، رستورانی و خانگی در شهرک صنعتی گناباد فعالیت دارد.

*تجمع شهروندان روستاهای بخش غیزانیه شهرستان اهواز، استان خوزستان (روستاهای روزنه، غدیرحسه، مدینات، هوره سید یوسف، گرائیه، غیزانیه، زنه، ابوصلیبخت و حیاویه) برای اعتراض به عملکرد صندوق بیمه کشاورزی از جمله میزان اعلام خسارت بیمه کشاورزی.

*جمعی از اعضای تعاونی مسکن پاک‌اندیش پاکدشت برای اعتراض به بلاتکلیفی ۱۲ ساله و عدم صدور اسناد مالکیت زمینهای خود و وعده های توخالی مسئولان با تجمع دو باره مقابل استانداری تهران سومین یکشنبه اعتراضی خود را رقم زدند. به گزارش تسنیم، اعضای این تعاونی که از سال ۱۳۹۲ اقدام به خرید زمین از طریق این مجموعه کرده‌اند، تاکنون موفق به دریافت سند رسمی مالکیت نشده‌اند. به گفته آنان، طی ۱۲ سال گذشته وعده‌های متعددی از جمله تغییر کاربری اراضی از کشاورزی به مسکونی، اخذ تأییدیه های منابع طبیعی و آبخیزداری به دلیل وجود رودخانه فصلی و تصویب طرح‌های الحاق و هادی از سوی شهرداری مطرح شده، اما هیچ‌یک از این وعده‌ها تاکنون عملی نشده است.

*گروهی از رانندگان کامیون برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این تجمع در اعتراض به عدم ترخیص کامیونهای وارداتی این شهروندان برگزار شد.

دوشنبه ۷ مهر

*کارگران معترض گروه صنعتی فولاد ایران برای هفتمین روز پیاپی در این ماه مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و سپس به سمت فرمانداری اهواز راهپیمایی کردند. این تجمع با حضور نیروهای انتظامی همراه بود. به گزارش ایلنا، این کارگران که علاوه بر عدم پرداخت حقوق شان به قطع اضافه‌کاری‌ها، پاداش‌ها و مزایای خود و کاهش تولید معترض بودند.

معترضان اعلام کرده‌اند که پس از تجمع مقابل فرمانداری، به ساختمان مدیریت بانک ملی استان راهپیمایی خواهند کرد و در آنجا نیز به اعتراضها خود ادامه می‌دهند. این راهپیمایی پرشور، که با حضور گسترده کارگران همراه بود، نمادی از خشم آنان نسبت به فساد، دستمزدهای موقه، تعطیلی خطوط تولید و وعده‌های توخالی مسئولان غارتگر نظام است. خیابانهای اهواز به دلیل راهپیمایی بی سابقه کارگران گروه ملی فولاد ایران به لرزه درآمد. از محوطه کارخانه تا بازار مرکزی شهر، جمعیتی انبوه و متحد با فریادهای اعتراض آمیز خود، نه تنها حکومت، بلکه تمام ارکان قدرت را به وحشت انداختند.

سرانجام پس از نزدیک به سه هفته اعتراضهای پیگیر و مداوم، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز، توانستند دولت و مدیریت شرکت را به عقب نشینی وادارند.

*شماری از کارگران شرکت گیل راد رشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای خود و قطع بیمه دست به تجمع مقابل این شرکت زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، از خرداد ماه تاکنون حقوق کارگران پرداخت نشده و هفت ماه است که بیمه آنها قطع شده است.

*رانندگان ونهای فرسوده مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به وضعیت نابسامان ناوگان حمل‌ونقل شهری به شدت اعتراض کردند.

*تجمع کارگران برداشت مکانیزه (هاروستر) کشت و صنعت کارون نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی.

*تجمع اعتراضی کارگران کارخانه گل راد شمال در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق و حق بیمه در این واحد تولید کننده مفتولهای مسی واقع در شهرک صنعتی سپیدرود رشت.

سه شنبه ۸ مهر

*جمعی از کارکنان بهداشت و درمان تبریز مقابل دانشگاه علوم پزشکی این شهر، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به گزارش هرانا، آنها در اعتراض به شرایط نامطلوب معیشت خود، تبعیض شغلی و ناکافی بودن مبالغ کارانه و اضافه کار، تجمع کردند.

*جمعی از شهروندان با تجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه در تهران خواستار اصلاح قانون مهریه و به ویژه حذف مجازات حبس برای بدهکاران شدند. این افراد که خواستار تغییر و اصلاح قانون مهریه هستند، شعارهایی چون «جرم من زندانی، مهریه ایرانی» و «حقوق ما ۱۰ تومن، سکه ۱۱۰ تومن» سر دادند.

*رانندگان ونهای فرسوده مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به وضعیت نابسامان ناوگان حمل‌ونقل شهری به شدت اعتراض کردند.

*تجمع تراکتورداران اردکان در اعتراض به کاهش دوباره سهمیه سوخت مقابل اداره جهاد کشاورزی این شهرستان در استان یزد.

*به گزارش هیرکانی، شماری از شهروندان ساکن دیلمان، در اعتراض به تخریبهای گسترده کارخانه سیمان سبز گیلان، دست به تجمع زدند. شهروندان می‌گویند فعالیت این واحد صنعتی نه تنها کشاورزی و دامداری سنتی، که ستون اصلی معیشت مردم دیلمان بوده را ویران کرده، بلکه حتی چندین گورستان باستانی را نیز در روند توسعه خود تخریب کرده است. اقدامی که در حکم تجاوزی آشکار به میراث طبیعی و فرهنگی گیلان به شمار می‌رود.

بر این اساس، این کارخانه که زیرمجموعه شرکت سیمان تهران و زیرمجموعه بنیاد مستضعفان است، از سال ۱۳۹۲ با برداشت بی‌رویه از معادن و منابع طبیعی دیلمان، باعث آسیب به جنگلها و مراتع و اقتصاد بومیان این منطقه شده است.

*تجمع جوانان متقاضی کار روستای برزیون شهرستان بهمئی بهبهان مقابل ساختمان شرکت سد و نیروگاه مارون و بازداشت ۱۱ نفرشان توسط نیروهای سرکوبگر. به گزارش تلگرام اتحاد بازنشستگان، استفاده از ماموران وزارت اطلاعات برای بازداشت کسانی که تنها سلاح شان پلاکارد و صدا بوده است، نشاندهنده یک الگوی خطرناک است: «امنیتی‌سازی مطالبات معیشتی».

چهارشنبه ۹ مهر

*کارگران شرکت بنا آفرینان نوپاد تبریز برای به عدم پرداخت ماههای حقوق و حق بیمه از جمله تجمع مقابل فرمانداری تبریز و استانداری آذربایجان شرقی خبر دادند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت بنا آفرینان نوپاد گفتند: حدود ۱۰۰ نفر شامل

کارگران ساختمانی، کارکنان اداری، پیمانکاران و فروشندگان مصالح ساختمانی هستیم که چندین سال است در پروژه ای وابسته به شرکت بنا آفرینان نوپاد کار کرده ایم. متأسفانه این شرکت مدت طولانی‌ای است که حقوق و دستمزد و مطالبات ما را یا به‌طور کامل پرداخت نکرده و یا تنها بخش اندکی از آن را پرداخته است.

پنجشنبه ۱۰ مهر

*تجمع صاحبان تانکرهای سوخت بلاتکلیف در افغانستان برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی در مرز میلک، براساس گزارش حال وش، حدود چهار ماه است که دهها دستگاه تانکر سوخت در آن سوی مرز افغانستان گیر افتاده‌اند؛ نه اجازه تخلیه بار به آنها داده می‌شود و نه امکان بازگشت دارند. این در حالی‌ست که رانندگان از همان ابتدای توقف بارها دست به اعتراض زده و حتی یک ماه پیش نیز اعتصاب کرده بودند. با این حال، وعده مسئولان مبنی بر حل مشکل در دو روز، تاکنون محقق نشده است.

کانال اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران در این خصوص نوشت: ماه‌هاست تانکرهای سوخت این رانندگان در خاک افغانستان متوقف شده است، اجازه تخلیه بار ندارند و امکان بازگشت نیز برای آنها فراهم نشده است.

آدینه ۱۱ مهر

*جمعی از نمایندگان سمنها و فعالان محیط زیست مقابل استانداری مشهد تجمع کردند تا با فریاد بلند اعلام کنند: «ارتفاعات جنوبی خط قرمز مردم است». به گزارش کانال خبری شبکه تشکلهای محیط زیستی خراسان رضوی، در حالی‌که مشهد از قبل گرفتار کشف رود آلوده، آسمان خاکستری و بحران جدی آب است، مسئولان به جای چاره‌جویی علمی و نجات مردم، دست به نیش قبر پروژه‌های مخرب زده‌اند: کمر بند جنوبی و مرتفع‌سازی در ارتفاعات جنوبی.

این پروژه‌ها نه تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه آخرین ریه‌های تنفسی شهر را نابود می‌سازد. مردمی که دیگر توان نفس کشیدن در این شهر را ندارند، حالا باید نظاره‌گر غارت رسمی کوه و طبیعت توسط باند‌های قدرت و پیمانکاران باشند.



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

* جمعی از شهروندان شهر علیویه واقع در استان اصفهان، در ارتفاعات این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این شهروندان در اعتراض به فعالیت مخرب معادن سنگ برای محیط زیست این منطقه صورت گرفته است.

شنبه ۱۲ مهر

* گروهی از کارگران شهرداری اندیمشک مقابل ساختمان فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش هرنان، این کارگران روزمزد، با در دست داشتن پلاکاردهایی اعلام کردند که با وجود دارا بودن هشت سال سابقه کار در شهرداری اندیمشک، از داشتن بیمه و دیگر مزایای قانونی خود محروم هستند. آنها خواستار رسیدگی مسئولان جهت حل مشکلات خود شدند.

* گروهی از کشاورزان و تراکتورداران مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان دزفول دست به تجمع زدند. به گزارش هرنان، دلیل اعتراض این افراد کاهش سهمیه گازوئیل است.

* جمعی از شهروندان بهرباغ جم در بوشهر مقابل فرمانداری شهرستان تجمع کردند تا اعتراض خود به کم آبی و مشکلات جدی تامین آب آشامیدنی را نشان دهند.

* جمعی از ساکنان شهرک پارس جم در اعتراض به نبود مدارس دولتی و هزینه‌های بالای مدارس غیرانتفاعی تجمع کردند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مطالبات کارکنان رسمی صنعت نفت ایران، خانواده‌ها می‌گویند با وجود ۶ ماه پیگیری، هیچ مسئولی پاسخگو نبوده و هیچ اقدامی برای حل مشکل انجام نشده است.

* شهروندان روستای نسلج در اعتراض به فعالیت‌های مخرب معدن نیاسر دست به تجمع زدند. به گزارش اتحاد کارگران، شهروندان روستای نسلج می‌گویند فعالیت‌های مخرب معدن نیاسر، حریم این روستای گردشگری را به شدت تهدید می‌کند. انفجارهای پیاپی، لرزش‌های مداوم، صدای مهیب ماشین‌آلات و گرد و خاک سنگین، نه تنها آرامش و زیبایی روستا را از بین برده، بلکه سلامت مردم و محصولات کشاورزی را نیز با خطر جدی روبه‌رو کرده است.

* جمعی از متقاضیان مسکن ملی ۳۵۲ واحدی دانه‌سای یزد مقابل محل اجرای پروژه تجمع کردند تا اعتراض خود به تأخیرها و مشکلات اجرایی طرح را اعلام کنند. معترضان می‌گویند که وعده‌های دولتی برای خانه‌دار شدن، ماهها و سالها به تعویق افتاده و بسیاری از خانواده‌ها با ناامیدی و فشار اقتصادی روبه‌رو شده‌اند.

یکشنبه ۱۳ مهر

* جمعی از شهروندان در اعتراض به بسته شدن گذرگاه مرزی روتک، مقابل ساختمان استانداری سیستان و بلوچستان در زاهدان دست به تجمع زدند و خواستار بازگشایی این گذرگاه شدند. به گزارش حال‌وش، به گفته این شهروندان، انسداد گذرگاه مرزی روتک، معیشت ساکنان این منطقه را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. در ماه‌های گذشته نیز شهروندان در خاش، سراوان و روتک بارها نسبت به مسدود شدن گذرگاه‌های مرزی و سخت‌گیری‌های سپاه اعتراض کرده بودند.

* شماری از نیروهای بخش مشترکان و رانندگان، شرکت توزیع برق شهرستان سرباز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق

و معوقات مزدی در مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش کمیته فعالین بلوچ، این اقدام کارگران، در اعتراض به عدم پرداخت به‌موقع حقوق آنان صورت گرفته است. کارگران می‌گویند بخشی از مطالبات گذشته نیز همچنان تسویه نشده و خواستار رسیدگی فوری مسئولان و پرداخت کامل معوقات خود هستند.

* تجمع دوباره شهروندان طرقرود و روستاهای اطراف در اعتراض به فعالیت مخرب معادن سنگ.

دوشنبه ۱۴ مهر

* جمعی از متقاضیان طرح نهضت ملی مسکن سراج کرمانشاه مقابل استانداری کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، افزایش شدید اجاره بها و اقساط این واحدها، همچنین بی‌کفایتی و پاسخگو نبودن مسئولان از دلایل این تجمع توسط معترضان عنوان شده است. آنها پس از ۷ سال انتظار و پرداخت اجاره‌های سنگین، خواستار پاسخگویی مسئولان به خلف وعده‌ها و تأخیر در ساخت و تحویل مسکن شدند.

* صاحبان تانکرهای سوخت بالاتکلیف در افغانستان برای اعتراض به بالاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی مسئولان با تجمع در مرز میلک، ادامه دادند.

بر اساس گزارش حال‌وش، حدود چهار ماه است که ده‌ها دستگاه تانکر سوخت در آن سوی مرز افغانستان گیر افتاده‌اند؛ نه اجازه تخلیه بار به آنها داده می‌شود و نه امکان بازگشت دارند.

سه شنبه ۱۵ مهر

* جمعی از کارگران روزمزد شهرداری اندیمشک در استان خوزستان در اعتراض به نداشتن بیمه و عدم برخورداری از مزایای قانونی، مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض می‌گویند با وجود گذشت بیش از هشت سال از اشتغال شان در مجموعه شهرداری، همچنان به‌صورت روزمزد فعالیت می‌کنند و از بیمه، مزایای قانون کار و امنیت شغلی محروم‌اند. یکی از کارگران گفت: «سالهاست با حداقل دستمزد کار می‌کنیم اما نه بیمه داریم، نه عیدی، نه مزایا، وعده‌ها تکراری است و هیچ تغییری در وضعیت ما ایجاد نشده.»

چهارشنبه ۱۶ مهر

* شهروندان روستای گردشگری خانمیران اراک، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش عصر مرکزی، این تجمع در اعتراض به حذف دوربرگردان ورودی روستا توسط راهداری و نبود زیرگذر ایمن، صورت گرفته است. شهروندان ساکن این منطقه می‌گویند تلاش‌هایشان برای تامین امنیت این جاده و دسترسی مناسب نادیده گرفته شده و بی‌توجهی مسئولان، باعث شده آنها برای احقاق حقوق خود تجمع کنند. * شماری از کارگران کارخانه فولاد سیادن، در اعتراض به وضعیت مطالبات معوقه خود، دست از کار کشیدند و ضمن اعتصاب، ابتدا مقابل درب این کارخانه و سپس در مقابل ساختمان فرمانداری اهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران می‌گویند: انتظار داریم حقوق مراد و شهرپور به زودی به حسامان واریز شود. در شرایط فعلی هزینه‌های زندگی بالاست و ما انتظار داریم کارفرما با پایبندی به تعهدات خود، هرچه زودتر نسبت به پرداخت معوقات مزدی کارگران اقدام کند.

* کارگران کارخانه موتوژن تبریز، برای دومین روز متوالی از انجام فعالیت‌های روزانه خود امتناع کرده و در محل کارشان

دست به اعتصاب زدند. به گزارش هرنان، بر این اساس، این اقدام کارگران در اعتراض به دستمزد ناکافی و وضعیت نامطلوب معیشت آنان صورت گرفته است.

* نیروهای شرکتی خدمات شهری شهرداری ایلام، به دلیل پرداخت نشدن سه ماه حقوق و عدم پرداخت معوقات مزدی دیگر، از انجام فعالیت‌های خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران در خصوص مشکلات خود می‌گویند: «سه ماه کار کردیم، نه حقوق گرفتیم، نه کسی پاسخگوست. چطور باید زندگی کنیم؟»

* مردم خشمگین از تخریب کوه‌ها و غارت منابع طبیعی، دست به اقدام اعتراضی بی‌سابقه‌ای زدند و ماشین‌آلات و تجهیزات معدن طلای بانه را به آتش کشیدند.

پنجشنبه ۱۷ مهر

* برای سومین روز متوالی، کارگران شرکت ارس فولاد اصفهان مجتمع فولاد بافق واقع در استان یزد، شهرستان بافق، یکمتر ۱۰- بافق- بهاباد، برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به اعتصاب زدند. همزمان کارگران شرکت‌های رناپ و الکترو کنترل این مجتمع هم برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق و اخراج از کار دست به تجمع زدند.

* برای چندمین روز متوالی، قصابان زنجان با خودداری از کشتاردام و نیمه باز کرک‌های مغازه‌های خود اعتراضشان رانست به تصمیم ستاد تنظیم بازار مبنی بر قیمت‌گذاری گوشت گوساله بنمایش گذاشتند. به شورای بازنشستگان ایران، در میان گرانی دام زنده، افزایش بی‌سابقه نهاده‌های دامی و بالا رفتن هزینه‌های حمل و نقل، تصمیم ستاد تنظیم بازار برای تعیین قیمت ۸۵۷ هزار تومان برای هر کیلو گوشت گوساله، جرقه‌ای بود بر خرم نارضایتی قصابان زنجان.

* شماری از کشاورزان ساکن گرمسار و آرادان، همزمان با سفر وزیر نیرو به گرمسار، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش هرنان، این کشاورزان با در دست داشتن بنرهای اعتراضی، خواستار اجرای کامل قانون توزیع آب و تخصیص قنایه قانونی شدند. یکی از کشاورزان معترض گفت: «بارها تجمع کردیم، صدار وعده شنیدیم اما هیچ کاری نکردند. هر بار گفتند در حال پیگیری هستیم، اما فقط دروغ و وعده بود. عمل؟ فقط در دزدی‌ها و اختلاس‌ها دیدیم که چطور بلدند عمل کنند!» کشاورزان شعار می‌دادند: «ما آب می‌خواهیم، نه وعده!»

شنبه ۱۹ مهر

* شماری از مردم مرزنشین شهرستان میرجاوه در اعتراض به بسته‌بودن گذر مرزی «روتک» در مقابل قرارگاه قدس جنوب شرق کشور در زاهدان تجمع کردند. به گزارش حال‌وش، معترضان با سر دادن شعارهایی، از مسئولان خواستار بازگشایی این گذر مرزی و پایان دادن به محدودیت‌های معیشتی و فشارهای اقتصادی بر مردم منطقه شدند. به گفته معترضان، «ما بهترین عزیزانمان را برای حفظ این مرزها از دست داده‌ایم، اما امروز خانواده‌های همان شهدا در سخت‌ترین شرایط اقتصادی زندگی می‌کنند و مسئولان نه تنها حمایتی نمی‌کنند، بلکه با بستن مرزها راه نان مردم را هم بسته‌اند.»

* رانندگان استیجاری نهادهای نفت و گاز و مخابرات از سراسر کشور خود را به تهران رساندند و با برپایی تجمع مقابل سازمان اداری و استخدامی کشور اعتراضشان را نسبت به عدم تبدیل وضعیت به نمایش گذاشتند.

بقیه در صفحه ۲۴

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

یکشنبه ۲۰ مهر

* گروهی از متقاضیان مسکن ملی پروژه «شهید بابایی» شهر مهاجران واقع در شهرستان شازند، با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند. به گزارش هرانا، تجمع این افراد مقابل ساختمان استانداری استان مرکزی در اراک صورت گرفته است. شهروندان نسبت به روند پیشرفت این پروژه و عدم شفافیت و پاسخگویی مسئولان در خصوص قیمت واحدها معترض هستند.

* کارگران فضای سبز منطقه ویژه اقتصادی پارس عسلویه برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت به اقماری و پرداخت نشدن مطالبات مبنی بر عیدی، سنوات، پاداش جنگ و حق ایاب و ذهاب و غذا دست به تجمع زدند و خواستار تسویه کامل مطالبات، افزایش مزایا و تبدیل وضعیت کاری به سیستم اقماری مشابه سایر بخشها شدند.

* کارگران و رانندگان وانت نیسان بندر دیر برای اعتراض به بیکاری و مصوبه مالیات ۵ درصدی مقابل گمرک این شهرستان در استان بوشهر تجمع کردند. به گزارش پایگاه خبری سورا، با تغییر رویه باربری به کانتینری و انتقال بار توسط کامیون‌ها و خاورها، فعالیت آنان به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است.

دوشنبه ۲۱ مهر

* تعدادی از کارگران شرکت چوکای رضوانشهر در محوطه این شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران می‌گویند: حقوق شهروندی واریز نشده و کارگران در پرداخت اجاره خانه، اقساط بانکی و خرید مایحتاج حداقلی خانوادگی خود دچار مشکل شده‌اند.

کارگران چوکا با تاکید بر اینکه مهر ماه خرج خانواده‌های کارگری افزایش می‌یابد و پولی برای تامین هزینه‌های آموزش فرزندانمان نداریم؛ خواستار پرداخت فوری موقوفات مزدی خود شدند. صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) در شهرستان رضوانشهر استان گیلان قرار دارد که حدود هفتصد کارگر در این واحد تولیدی کار می‌کنند.

* تعدادی از خانواده‌ها و بیماران بیماری سیستم تنفس مقابل وزارت بهداشت در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هم‌میهن، این شهروندان تامین قطره چشمی خارجی، کیت تشخیص و کاهش قیمت داروی خارجی سیستم تنفس را از جمله مطالبات خود عنوان کردند. به گفته معترضین، قیمت داروی سیستم تنفس تا مردادماه امسال با احتساب سهم بیمه ۲۰۰ هزار تومان بوده و اکنون به ۲۷ میلیون تومان افزایش یافته است.

این بیماری متابولیکی موجب تجمع غیرطبیعی سیستئین در اعضای مختلف بدن می‌شود و نیازمند مصرف مستمر دارو و تجهیزات پزشکی خاص است.

سه شنبه ۲۲ مهر

* مالکان زمینهای هوانیروز بیستون مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند تا به ناکارآمدی و سنگ‌اندازی سیستم مدیریتی اعتراض کنند.

* جمعی از شهروندان معترض به قوانین مهریه مقابل ساختمان مجلس رژیم در تهران، تجمع کردند. به گزارش

هرانا، معترضان در این تجمع با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی و سر دادن شعارهایی، خواستار اصلاح قانون مهریه و به‌ویژه حذف مجازات حبس برای افراد ناتوان از پرداخت مهریه شدند.

* شماری از معازره داران بازار تاناکورای سندج در اعتراض به ضبط کالاهای شان در برابر استانداری کردستان دست به تجمع زدند.

* جمعی از شهروندان روستای سرزه برای اعتراض به اهانت رئیس آموزش و پرورش شهرستان سیریک به مدیر مدرسه این روستا در استان هرمزگان دست به تجمع زدند. به گزارش حال و ش، رئیس آموزش و پرورش سیریک که خود را شیعه حزب الهی می‌نامد، هنگام بازدید از مدرسه با مدیر اهل سنت مدرسه روستای سرزه برخورد توهین‌آمیز داشته و زمانی که مدیر نسبت به این رفتار اعتراض کرده، او را تهدید کرده که از سمت مدیری برکنار خواهد کرد.

چهارشنبه ۲۳ مهر

* ساکنان حدود ۷۰۰ خانوار شهرک الغدیر (حده) اهواز، که از امکانات ابتدایی زندگی مانند جاده، فاضلاب، مدرسه، بهداشت، برق و آب کم‌فشار محروم‌اند، برای دهمین بار مقابل استانداری تجمع کردند. با وجود ۲۰ سال سکونت و پیگیری‌های مکرر، مسئولان هنوز هیچ اقدامی عملی برای رفع مشکلات نکرده‌اند. به گزارش ایلنا، این متقاضیان در شعارهای خود به وعده‌های محقق نشده مسئولان اشاره کردند و گفتند: «ما به دیگر وعده ندهید. در خواست ما تحویل مسکن ملی بعد از سالها انتظار است.»

* کارگران شرکت خدماتی شبنم در شهر چابهار در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و بیمه معوقه، دست از کار کشیده و مقابل شهرداری دست به تجمع زدند. به گزارش حال و ش، کارگران این شرکت می‌گویند، نزدیک به پنج ماه است که بیمه آنها پرداخت نشده، دو ماه حقوق نیز دریافت نکرده‌اند و با وجود مراجعات مکرر به مسئولان شرکت و شهرداری، هیچ پاسخی دریافت نکرده‌اند.

پنجشنبه ۲۴ مهر

* شماری از زنان ساکن بخش مرزی ریگ ملک از توابع شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان، در اعتراض به بسته ماندن گذر مرزی روتک سپاه، دست به تجمع و تحصن زدند.

به گزارش حال و ش، این زنان که برخی از آنان سرپرست خانوار هستند، با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار بازگشایی گذر مرزی شدند و گفتند: «شش ماه است که این گذرگاه بسته شده و زندگی ما را مختل کرده است. نان و داروی فرزندانمان از همین مسیر تأمین می‌شد.»

* پانزدهمین روز اعتصاب تجمع رانندگان خط ایذه - اصفهان و تجمعهای شان مقابل اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌های فرمانداری شهرستان در اعتراض به عدم نظارت بر فعالیت شرکت‌های مسیر ایذه به اصفهان. به گزارش ایلنا، یکی از رانندگان گفت: «بیشتر ما دارای گواهینامه پایه یک و سابقه کاری بیش از ۲۰ سال هستیم، اما با وجود مراجعه به مراجع مختلف، مشکلات ما همچنان پابرجاست و هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ایم.»

این رانندگان افزودند: «پس از ۱۴ روز تحصن، از سه روز پیش خودروهای خود را در حیاط اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌های ایذه رها کرده‌ایم و دیگر کاری انجام نمی‌دهیم. به فرمانداری مراجعه کردیم اما نه تنها مشکلمان حل نشد، بلکه

به اداره راهداری ارجاع داده شدیم و همچنان پاسخی دریافت نمی‌کنیم.»

شنبه ۲۶ مهر

* جمعی از مالباختگان شرکت آرمان فرش ترنج در شهرکرد تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، زمان برگزاری تجمع این شهروندان اشاره‌ای نشده است.

لازم به ذکر است، شرکت آرمان فرش ترنج، پس از خرید فرش از تعداد زیادی از شهروندان، مبالغ فرش‌های خریداری شده را پرداخت نکرده است. مالباختگان پرونده فرش ترنج در شهرکرد: ۲۰۰۰ شاکی، ۱۰ متهم و ۷ سال وعده و وعید و هیچ نتیجه‌ای!

* جمعی از خریداران و سرمایه‌گذاران واحدهای مسکونی پروژه شهرآفتاب کیش (کیش الیت) برای اعتراض به سالها بلاتکلیفی مقابل ساختمان سازمان منطقه آزاد کیش تجمع کردند و خواستار تعیین تکلیف این پروژه چندین سال بر زمین مانده شدند. به گزارش کیش نیوز، پروژه مسکونی شهرآفتاب یا همان کیش الیت پروژه‌ای که حدود ۲۹ سال پیش کلنگ آن بر زمین خورد و طی سالهای متمادی به صورت بسته و گریخته فعال و غیر فعال بوده است. این پروژه در مقطعی طولانی به دلایل متعدد متوقف و ساخت و ساز آن تعطیل گردیده و طی سالهای گذشته مشکلات بی شماری را برای خریداران بوجود آورده است.

* جمعی از متقاضیان طرح مسکن ملی با حضور مقابل استانداری گیلان، در اعتراض به تأخیر در تحویل واحدهای مسکونی و افزایش مداوم مبلغ آورده اولیه دست به تجمع زدند. به گزارش گیل خبر، در این تجمع، معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار تحویل فوری واحدهای پروژه ۶۲۴ واحدی لاکان و توقف افزایش مکرر آورده‌ها از سوی بنیاد مسکن شدند.

به گفته برخی از تجمع‌کنندگان، تأخیر در اجرای تعهدات و تغییرات پی‌درپی در میزان آورده، فشار اقتصادی مضاعفی بر خانواده‌های متقاضی وارد کرده و آنان خواستار ورود مسئولان استانی به موضوع و رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند.

دوشنبه ۲۸ مهر

* تجمع اعتراضی باغداران قصرالدشت شیراز در اعتراض به عدم همکاری شهرداری شیراز برای احیای باغات مقابل ساختمان شورای شهر

* جمعی از رانندگان پیکهای موتوری اسنپ‌فود، دست از کار کشیدند و تجمع اعتراضی برگزار کردند. این افراد در اعتراض به کاهش کرایه‌ها، پایین بودن دستمزد، نبود بیمه، فقدان امنیت شغلی و شرایط سخت کاری تجمع کردند و خواستار رسیدگی مسئولان و بهبود وضعیت کاری خود شدند.

سه شنبه ۲۹ مهر

* به گزارش شبکه‌های اجتماعی شماری از مردم منطقه اندرگان و زرکان در استان آذربایجان شرقی با نیروهای یگان ویژه درگیر شدند. نیروهای جنایتکار یگان ویژه و شلیک گلوله ساچمه‌ای شماری از مردم را مجروح کردند. معترضان می‌گویند منطقه‌ای به مساحت چندین هکتار در این منطقه برای استخراج طلا به شرکت‌های روسی سپرده شده است و نیروهای یگان ویژه و امنیتی این منطقه را قرق کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۲۵

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

*کارگران کارخانه «پگاه تهران» دست از کار کشیدند و در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوق خود، در محل کارشان اعتصاب کردند. به گزارش هرنان، این کارگران می‌گویند با وجود وعده های مسئولان، ماههاست حقوق و مزایای قانونی‌شان پرداخت نشده است.

*کارگران پیمانکاری شهرداری چابهار، مقابل ساختمان شهرداری چابهار تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، به گفته کارگران، حدود ۲۰۰ کارگر تحت مسئولیت یک شرکت تامین نیرو در شهرداری مشغول کارند که حدود پنج ماه حق بیمه پرداخت نشده دارند. در عین حال حقوق آنها طی سه تا چهار ماه گذشته به صورت علی‌الحساب بدون محاسبه اضافه کاری پرداخت می‌شود.

*همزمان با سفر رئیس قوه قضاییه به ایلام، گروهی از مالباختگان یک پروژه مجتمع سازی در این شهرستان، دست به تجمع زدند. مالباختگان مجتمع موسوم به «عباس زاده»، مقابل دادسرای ایلام تجمع کردند و خواستار تعیین تکلیف این پرونده پس از ۱۳ سال شدند.

*مالباختگان مجتمع تجاری الماس درگهان قشم، مقابل ساختمان دادگستری کل استان هرمزگان دست به تجمع زدند. به گزارش هرنان، این شهروندان خواستار رسیدگی و پیگیری این پرونده قضایی و حل شدن مشکلات خود شدند. آنها می‌گویند که بالاتکلیف مانده اند و وعده های مسئولان در این خصوص محقق نشده است.

*کارگران کارخانه شیر پاستوریزه پگاه تهران در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوق خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش طلایه، کارگران می‌گویند ماههاست حقوق و مزایای قانونی‌شان پرداخت نشده، در حالی که مدیران همچنان از «تولید ملی» و «افزایش بهره‌وری» سخن می‌گویند.

*جمعی از شهروندان شهرک های برق، دریا و فرهنگیان و روستای آبشورک از توابع بخش مرکزی بندرعباس برای اعتراض به وضعیت نامناسب عمرانی، بهداشتی و خدماتی منطقه و وعده های توخالی مسئولان مقابل استانداری هرمزگان در بندرعباس تجمع کردند. به گزارش صبح ساحل، یکی از تجمع کنندگان گفت: بیش از ۲۰ سال از ساخت این شهرک‌ها می‌گذرد، اما هنوز مردم از ابتدایی‌ترین خدمات محرومند.

*شهروندان ساکن قزوین در اعتراض به تملک اجباری بیش از ۳۰۰ هکتار از اراضی شخصی شان توسط نهادهای شهرداری و استانداری، مقابل ساختمان استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش هرنان، معترضانی می‌گویند این زمینها بدون اطلاع و رضایت مالکان و بدون رعایت تشریفات قانونی، در حال تصرف است و خواستار بازگرداندن اراضی و پاسحکوبی مسئولان شدند. این شهروندان، از آنچه «تصرف غیرقانونی و نادیده‌گرفتن حق مالکیت» خواندند، انتقاد کردند و اظهار داشتند که مسیرهای قانونی را برای رسیدگی به این موضوع طی کرده، اما پاسخی نگرفته اند.

چهارشنبه ۳۰ مهر

*گروهی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه دست به تجمع زدند. به گزارش کانال مستقل کارگران هفت تپه، این کارگران با راهپیمایی و سر دادن شعارهایی در

محوطه محل کارشان، نسبت به مساله تعیین حق غذای خود اعتراض کردند. اخیرا مسئولان این شرکت با صدور اطلاعیه‌ای، حق غذای کارگران را ۶۰ هزار تومان تعیین کرده اند.

کارگران با شعار «دورباشی حیا کن، هفت تپه را رها کن» نسبت به تعیین حق غذا اعتراض و راهپیمایی کردند. این اعتصاب فردا نیز ادامه خواهد داشت. لذا از همکاران در سایر قسمتها هم تقاضا میکنیم در این اعتراض شرکت نموده و اجازه ندیم حق ما پایمال بشود!

کنشهای مداوم پرستاران و کادر درمان

منبع: تلگرام شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

در ویدئویی از نشست پرستاران خوزستان با وزیر بهداشت، پرستاری با صدایی بغض آلود از ناتوانی در تأمین حداقل‌های زندگی گفت: «من تغذیه درست ندارم، با ۱۳ تا ۱۴ میلیون تومان چطور می‌شود زندگی کرد.»

شنبه ۵ مهر: جمعی از پرسنل بیمارستان روانپزشکی رازی (امین‌آباد) تهران مقابل درب ورودی این بیمارستان دست به تجمع زدند. پرسنل این مرکز درمانی خواستار رسیدگی فوری مسئولان بیمارستان و دانشگاه علوم توانبخشی به وضعیت معیشتی‌شان شدند. معترضانی می‌گویند بی‌توجهی و بی‌کفایتی مدیران باعث شده تا آنها و خانواده‌هایشان در شرایطی سخت و غیرقابل تحمل قرار بگیرند. شماری از پرستاران رفسنجان مقابل دفتر مرکزی دانشگاه علوم پزشکی این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها با فریاد و پلاکارد، خواستار پرداخت فوری اضافه‌کار و معوقات چندماهه خود شدند. این اعتراض آشکار نشان می‌دهد که کادر درمان، که در خط مقدم سلامت جامعه ایستاده اند، بارها قربانی بی‌توجهی مسئولان و بدقولیهای مالی شده اند و دیگر سکوت را جایز نمی‌دانند.

یکشنبه ۱۳ مهر: تعدادی از پرسنل بیمارستان «مردم» در تهران وابسته به بنیاد مستضعفان برای اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، از انجام فعالیتهای روزانه خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند.



یکشنبه ۲۰ مهر: تعدادی از پرستاران کرمانشاه مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی این شهر دست به تجمع زدند. تجمع پرستاران در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی ۱۰ ماهه آنها صورت گرفته است. به گزارش ایلنا، پرستاران ماههاست تعرفه و اضافه‌کاری خود را دریافت نکرده‌اند. پیشتر رئیس دانشگاه به آنها وعده پرداخت مطالبات داده بود، اما این وعده تاکنون محقق نشده است.

دوشنبه ۲۸ مهر: تعدادی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه مقابل ساختمان این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. پرستاران می‌گویند: نه ماه است تعرفه‌های پرستاری پرداخت نشده است و حقوق بسیاری از آنها حتی به بیست میلیون تومان هم نمی‌رسد. رقمی بسیار ناچیز که در

برابر گرانی سرسام‌آور موجود، خرج یک زندگی بخور و نمیر را نیز کفاف نمیدهد. یکی از پرستاران می‌گوید: «ما با شیفت‌های سنگین و شب‌های بی‌پایان کار می‌کنیم، اما هر بار که مطالبه می‌کنیم فقط وعده می‌شنویم. تبعیض و بی‌عدالتی خسته‌مان کرده است.»



شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

سه‌شنبه ۲۹ مهر: شماری از پرستاران و کارکنان درمانی بیمارستان مسیح دانشوری تهران، دست از کار کشیدند و در محوطه بیرونی ساختمان این بیمارستان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این اقدام پرستاران و کادر درمان، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی، کارانه‌ها و دیگر بستانکاری‌های آنها صورت گرفته است.

هرکتهای اعتراضی نانوایان در گوشه و کنار کشور

منابع: ایلنا، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هرنان

شنبه ۵ مهر: نانوایان مشهد در اعتراض به پرداخت نشدن یارانه‌ها، مقابل استانداری تجمع کردند. آنها با صدای بلند پرسیدند چرا یارانه نان، که باید ضامن معیشت مردم و بقای نانواییها باشد، پرداخت نمی‌شود. این بی‌توجهی، نان مردم را نشانه گرفته و نانوایان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است.

یکشنبه ۶ مهر: شماری از نانوایان با برگزاری تجمع اعتراضی در اهواز خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. این تجمع در مقابل ساختمان استانداری اهواز و در اعتراض به عدم دریافت یارانه نان، این شهروندان برگزار شد.

دوشنبه ۷ مهر: شماری از نانوایان در اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت یارانه نان، مقابل ساختمان استانداری دست به تجمع زدند. معترضان اعلام کردند از تیرماه سال جاری هیچ یارانه‌ای به حساب آنها واریز نشده و با توجه به افزایش هزینه های تولید، ادامه فعالیت برایشان ممکن نیست.

سه شنبه ۸ مهر: جمعی از نانوایان مشهد در اعتراض به عدم پرداخت یارانه ها و مطالبات صنفی خود، با سردادن شعارهایی مقابل دفتر شرکت «نانینو» که تحت نظر بانک سپه مشهد فعالیت می‌کند، تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان شعارهای «نانینو دزدی می‌کند دولت حمایت می‌کند»، «نانینو حیاکن نانوایی رو رهاکن»، «وعده و وعید کافی سفره ما خالی» سردادند.

بقیه در صفحه ۲۶

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۵

شنبه ۱۲ مهر: شماری از نانوایان استان خراسان جنوبی مقابل ساختمان استانداری در بیرجند تجمع اعتراضی برگزار کردند. نانوایان می‌گویند در حالی که هزینه آرد، انرژی، اجاره و دستمزد کارگران روزبه‌روز افزایش یافته، یارانه نان و حمایت‌های وعده‌داده شده پرداخت نمی‌شود و بسیاری از نانوایی‌ها در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند.

یکشنبه ۱۳ مهر: نانوایان مشهد برای چهارمین بار به خیابان آمدن تا علیه پرداخت نشدن یارانه‌ها اعتراض کنند. نانوایان مشهد مقابل ساختمان ناینو در مشهد با شعار «وعده وعید کافی سفره ما خالی» تجمع کردند.

چهارشنبه ۱۶ مهر: شماری از نانوایان مشهد در اعتراض به پرداخت نشدن یارانه نان، مقابل ساختمان استانداری خراسان رضوی تجمع کردند. آنان اعلام کردند که سه ماه است مبلغی دریافت نکرده‌اند و مسئولان مربوطه نیز در خصوص مطالبات آنان پاسخگو نیستند.

دوشنبه ۲۱ مهر: جمعی از نانوایان شیراز مقابل ساختمان استانداری فارس دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم پرداخت یارانه‌ها، کارکرد نامناسب سامانه ناینو و هزینه‌های سنگین تولید نان صورت گرفته است.

چهارشنبه ۲۳ مهر: گروهی از نانوایان ساکن بندرعباس، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات صنفی خود در این شهر تجمع کردند. این نانوایان که نان سنگک تولید می‌کنند، با تجمع و ارائه مستندات هزینه‌ای، نسبت به پایین بودن نرخ مصوب نان اعتراض کردند. یکی دیگر از نانوایان بندرعباس، با اشاره به شرایط معیشتی صنف نانوایان گفت: خود اتحادیه نانوایان چند ماه پیش هزینه تمام شده هر قرص نان را حدود ۹،۷۰۰ تومان اعلام کرد، اما رسانه ملی نرخ فروش را ۹،۱۲۵ تومان و کارگروه استانی ۶،۸۵۰ تومان مصوب کرد.

شنبه ۲۶ مهر: نانوایان در مشهد با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. تجمع این شهروندان مقابل ساختمان اتحادیه نانوایان مشهد و در اعتراض به پرداخت نشدن یارانه‌های نان و مشکلات صنفی این افراد صورت گرفته است.

یکشنبه ۲۷ مهر: شماری از نانوایان مقابل ساختمان اتحادیه این صنف در تهران دست به تجمع زدند. عدم واریز یارانه‌ها، افزایش قیمت آرد و عملکرد نامناسب سامانه «ناینو» از جمله مهم‌ترین دلایل اعتراض نانوایان به شمار می‌آید.

جنبش سراسری بازنشستگان

منابع: شورای بازنشستگان ایران، مخابرات فردا، گروه اتحاد بازنشستگان، ایلنا

بازنشستگان گروه‌های گوناگون اجتماعی در ماه مهر به کُنشهای اعتراضی گسترده در سراسر کشور اقدام کردند.

همسان‌سازی حقوق‌ها، افزایش دریافتیهای متناسب با هزینه‌های زندگی، خروج سازمان تامین اجتماعی از انحصار دولت و اصلاح ماده ۸۹ قانون تامین اجتماعی در رابطه با دریافت خدمات درمانی از جمله مطالبات بازنشستگان محسوب می‌شود.

اجرای همسان‌سازی، حذف سقف حقوق، عدم ادغام صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در صندوق بازنشستگی کشوری و همچنین حل مشکلات مربوط به خدمات درمانی از جمله مطالبات بازنشستگان صنایع فولاد است.

اصلاح بیمه‌ها، خدمات درمانی مناسب، اجرای کامل آییننامه ۲۴/۸۹ و بازنگری همسان‌سازی از جمله مطالبات بازنشستگان مخابرات است.

شعارهای بازنشستگان:

نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت/ زیربار ستم نمی‌کنیم؛ زندگی، جان فدا می‌کنیم، در ره آزادی/ شریفه محمدی باید آزاد گردد/ معلم زندانی آزاد باید گردد/ اعدام هر یک نفر نقض حقوق بشر/ درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید/ نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار، رفاه می‌خواهیم، ماندگار/ ما می‌گیریم پول نداریم هزینه‌ها گران می‌شه/ از خوزستان تا تهران مرگ بر این مدیران/ تامین را غارت کردند ما را بیچاره کردند/ دلار صد هزاری پزشک‌های کجایی/ وعده وعید چه خوب بود ولی همش دروغ بود/ ظلم و ستم کافیست سفره ما خالی/ عزا عزاست امروز حقوق بازنشسته روی هواست امروز.

یکشنبه ۶ مهر: تعدادی از بازنشستگان صنایع فولاد با برگزاری تجمع اعتراضی در شهرهای تهران و اصفهان خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. تعدادی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان این سازمان در شهرهای اهواز و رشت دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۷ مهر: بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، همدان، زنجان، اهواز، کرمانشاه، سنندج، میوان، بابل و بیجار دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، کرخه و هفت‌تپه.

سه شنبه ۸ مهر: جمعی از بازنشستگان کشوری، تأمین اجتماعی و مخابرات مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری استان کرمانشاه تجمع کردند.

یکشنبه ۱۳ مهر: شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، اهواز، شوش و تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان و اهواز/ شماری از بازنشستگان کرمانشاه از جمله بازنشستگان تامین اجتماعی، کشوری، لشکری، فرهنگیان، نفت، علوم پزشکی و مخابرات، مقابل ساختمان استانداری در کرمانشاه دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۱۴ مهر: شماری از بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، تبریز، میوان، همدان، سنندج، کرمانشاه، زنجان، اهواز، اصفهان و رشت دست تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۲۰ مهر: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، اهواز، شوش، شوشتر، کرمانشاه و تهران.

دوشنبه ۲۱ مهر: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای اصفهان، اهواز، تبریز، تهران، سنندج، زنجان، کرمانشاه و میوان

سه شنبه ۲۲ مهر: جمعی از بازنشستگان کشوری، تأمین اجتماعی و مخابرات مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری استان کرمانشاه تجمع کردند.

یکشنبه ۲۷ مهر: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز، رشت، شوش و کرمانشاه/ تعدادی از بازنشستگان صنایع فولاد با برگزاری تجمع و راهپیمایی اعتراضی در شهر اصفهان خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

دوشنبه ۲۸ مهر: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای ارومیه، کرمانشاه، میوان، اصفهان، همدان، شیراز، بیجار، زنجان، تبریز، سنندج، تهران و اهواز/ شماری از بازنشستگان صدا و سیما مقابل ساختمان این سازمان در تهران تجمع کردند.

کُنشهای اعتراضی

کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

منبع: افکار نفت، ایلنا، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

مهمترین خواسته کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی عبات است از:

۱. اصلاح حقوق کارکنان حداقلی
۲. اعاده کامل فوق العاده‌های مناطق جنوبی شامل بدی آب‌وهوا، دوری از خانواده و سایر مزایای مربوط به پرسنل عملیاتی
۳. حذف سقف سنوات بازنشستگی
۴. استرداد مالیاتهای مازاد کسر شده مطابق با قوانین موجود
۵. اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کلیه موقوفات مربوطه (Back Pay)
۶. استقلال کامل صندوق بازنشستگی صنعت نفت
۷. حذف تفکیک ناعادلانه مشاغل عملیاتی به تخصصی و پشتیبان

سه شنبه ۱ مهر: شماری از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و شرکت نفت فلات قاره ایران در جزیره سیری، به صورت جداگانه در محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند. گروهی از کارگران شاعل در فاز ۱۴ مجتمع گاز پارس جنوبی دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

چهارشنبه ۲ مهر: تعدادی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاعل در منطقه خارک، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

پنجشنبه ۳ مهر: جمعی از کارکنان شرکت نفت مناطق مرکزی در منطقه خارتنگ، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

آدینه ۴ مهر: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه سیری تجمع کردند.

شنبه ۵ مهر: دومین روز اعتصاب و تجمع کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی، کنگان مقابل ورودی مجتمع.

یکشنبه ۶ مهر: تجمع کارگران شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی خارک.

دوشنبه ۷ مهر: تجمع کارکنان شرکت نفت و گاز پارس جنوبی در منطقه عسلویه، کنگان و منطقه ویژه و همچنین در پالایشگاه‌های دوم، هفتم، نهم، دهم و یازدهم و در برخی از سکویهای ۴۰ گانه. تجمع کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه لاوان.

سه شنبه ۸ مهر: شماری از نیروهای پیمانکاری شرکت نفت و گاز پارس در مناطق مختلف از جمله عسلویه و سکویهای گازی پارس جنوبی، تجمعات اعتراضی برگزار کردند. شماری از شاغلان و بازنشستگان صنعت نفت، مقابل ساختمان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز، دست به تجمع زدند. جمعی از کارکنان شرکت نفت و گاز گچساران در محوطه اداره مرکزی این مجموعه و شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری، به‌طور جداگانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۶



چهارشنبه ۹ مهر: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره به طور جداگانه در ساختمان نمازخانه منطقه خارک و سکوی فرورزان این مجموعه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

گروهی از کارکنان پالایشگاه نفت شیراز، با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. **پنجشنبه ۱۰ مهر:** کارگران رسمی تازه استخدام شده آرمونی مجتمع گاز جنوبی برای اعتراض به کف حقوق (حداقل حقوق براساس قانون و ضایف و اختیارات وزارت نفت) دست به تجمع زدند و خواهان اصلاح کف حقوق شدند.

شنبه ۱۲ مهر: شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه بهرگان دست به تجمع زدند. **یکشنبه ۱۳ مهر:** جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه خارک و سبیری، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۱۴ مهر: تجمع کارکنان شرکت نفت و گاز پارس جنوبی در منطقه عسلویه، کنگان، منطقه ویژه و همچنین در پالایشگاه‌های دوم و یازدهم.

سه شنبه ۱۵ مهر: شماری از کارکنان و بازنشستگان صنعت نفت مقابل ساختمان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز، دست به تجمع زدند. جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه سبیری، تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران پالایشگاه ۶۰ هزار بشکه ای در حال ساخت نارگان در جزیره قشم، دست از کار کشیدند و اقدام به تجمع مقابل این شرکت کردند. شماری از کارکنان پالایشگاه نفت شیراز، از برگزاری چهارمین تجمع صنفی خود در دو هفته اخیر خبر دادند.

چهارشنبه ۱۶ مهر: اعتصاب کارگران پروژه‌های پالایشگاه میعانات گازی پاسارگاد قشم وارد دومین روز خود شد. از صبح روز دوم، فضای پالایشگاه زیر کنترل نیروهای انتظامی و امنیتی بود. نماینده کارفرما با حضور میان کارگران وعده داد که «حقوق‌ها تا هفته آینده پرداخت می‌شود»؛ وعده‌ای که با تمسخر و خشم کارگران روبه‌رو شد. آنان گفتند: «این وعده‌ها را بارها شنیده‌ایم. تا پول در حساب‌مان ننشیند، هیچ‌کس سر کار نمی‌رود.» جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه خارک و بهرگان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

پنجشنبه ۱۷ مهر: کارگران پروژه ای پالایشگاه نفت ستاره بندرعباس، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد‌های شان از تیرماه تاکنون، برای دومین روز متوالی دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

آدینه ۱۸ مهر: جمعی از کارگران ارکان ثالث شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه لاوان دست به تجمع زدند.

شنبه ۱۹ مهر: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق نفتی بهرگان و لاوان، با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

تعدادی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در سکوی رسالت واقع در منطقه عملیاتی لاوان، دست به تجمع اعتراضی زده بودند.

یکشنبه ۲۰ مهر: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در مناطق خارک و سبیری تجمع اعتراضی برگزار کردند.



دوشنبه ۲۱ مهر: تجمع کارکنان رسمی در مجتمع گازی پارس جنوبی پالایشگاه‌های دوم، سوم، هفتم و نهم، نفت و گاز پارس سکوی‌های ۴۰ گانه، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه پارس ۱ و شرکت نفت و گاز پارس کنگان پارس ۲.

تجمع جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه لاوان در محل کار خود.

سه شنبه ۲۲ مهر: تجمع کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه سبیری و سکوهای نصر و ایلام، شماری از بازنشستگان شرکت نفت، مقابل صندوق بازنشستگان نفت در منطقه آمیبه اهواز، دست به تجمع زدند.

چهارشنبه ۲۳ مهر: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق خارک و بهرگان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۲۶ مهر: کارگران ارکان ثالث پالایشگاه آبادان با فراخوان قبلی دست به تجمع و اعتراض زدند. تجمع کارگران شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی لاوان و سکوهای رسالت و رشادت. کارگران شرکت پایانه‌های نفتی جزیره خارک دست به تجمع مقابل ساختمان اداره مرکزی این پایانه در جزیره خارک زدند.

یکشنبه ۲۷ مهر: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه سبیری، تجمع اعتراضی برگزار کردند. شماری از بازنشستگان صنعت نفت از چند استان کشور مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. جمعی از بازنشستگان صنعت نفت مقابل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۲۸ مهر: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع در منطقه لاوان صورت گرفت. گروهی از کارکنان شاغل در بخش تعمیرات پتروشیمی ایلام مقابل اداره کار و رفاه اجتماعی این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۲۹ مهر: تعدادی از کارکنان مجتمع گاز پارس جنوبی در پالایشگاه دوم این مجموعه دست به تجمع اعتراضی زدند. کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه سبیری؛ برای احقاق حقوق از دست رفته تجمع کردند.

چهارشنبه ۳۰ مهر: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق بهرگان و خارک، تجمع اعتراضی برگزار کردند. فراسوی خبر ...

وقتی ائتلاف پنهان کاران فرو می‌پاشد!

زینت میرهاشمی

اتحاد جنایتکاران با عنوان وفاق بر پایه سهم خواهی در قدرت و ثروت که دوام آن بر دروغ، سرپوش گذاشتن بر جنایت و جعل روایت است، بسته به شرایط و قدرت جنبشهای اجتماعی و امکان به فعل شدن سرنوشتی انقلابی رژیم، شکافهای اساسی بر می‌دارد.

جدال باندهای درون حکومت و قربانی کردن یکدیگر که شرایط فلاکت‌آورد، سیاسی و سرکوب حاصل عملکرد آنان است، دور از انتظار نیست. رسواکردن همدیگر یکی از نمونه‌های بارز دوران قبل از فروپاشی نظام دیکتاتوری و نوید بازگشایی افقهای عدالت و دادرسی به پرونده جنایتکاران است.

سخن پراکنیهای حسن روحانی، ظریف و پاسدار شمخانی و ... در مورد پنهانکاری شلیک عامدانه سپاه پاسداران به هواپیمای اوکراینی، یکی از نمونه‌های رسوایی اتحاد جنایتکاران است.

هنگام وقوع جرم، از روحانی، رئیس‌جمهور ولی ققیه و ظریف، وزیر خارجه تا بقیه کارگزاران حکومتی اظهار بی‌اطلاعی کرده و آن را به یک سانحه که مقصر آن معلوم نیست کاهش دادند. همه باندهای حکومتی با دروغ بر چنین جنایت بزرگی سرپوش گذاشتند.

پاسدار شمخانی روز یکشنبه ۲۰ مهر، افشا کرد که بلافاصله بعد از وقوع حادثه، خبر را به روحانی داده است. او می‌گوید: «به من گفتند هواپیمای اوکراینی را بجه‌ها به اشتباه زده‌اند/ همان زمان تلفن کردم و به رئیس‌جمهور گفتم/ وظیفه‌ام نبود به "ظریف" بگویم، "روحانی" باید به او می‌گفت...» (انتخاب، ۲۰ مهر ۱۴۰۴)

شمخانی در ادامه گفت: «در مراسم خاکسپاری یکی از قربانیان هواپیمای اوکراینی به بهشت زهرا رفتم. خانواده آنها را من برخورد بدی داشتم، اصلاً ناراحت نشدم، چون داغ بسیار بزرگی بود.» (فرارو، ۲۰ مهر ۱۴۰۴)

محمود واعظی به اظهارات شمخانی در مورد هواپیمای اوکراینی چنین پاسخ داد: «صبح پنجشنبه، بعد از جلسه دبیرخانه شورای امنیت ملی، معاون شمخانی از ظریف می‌خواهد که چیزی را اعلام کند؛ ظریف می‌گوید من هیچ چیزی نمی‌دانم، چه چیزی را اعلام کنم.

ظریف به شمخانی می‌گوید در بیرون گفته شده به هواپیما شلیک شده که شمخانی می‌گوید این را هم داریم بررسی می‌کنیم. ساعت ۲:۳۰ عصر، ظریف با اسلامی یا من تماس گرفتند که این‌ها دارند این عامل را هم بررسی می‌کنند. در جلسه شام، روحانی به قطعیت رسید [که هواپیما زده شده] و اصرار می‌کند که باید امشب به مردم اعلام شود.

در جلسه مخالفت وجود داشته که ما به قطعیت نرسیدیم؛ روحانی می‌گوید تمام رسانه‌ها چیز دیگری می‌گویند، شما چیز دیگری می‌گویید؛ محکم بگویید هست یا نیست.

بعد از جلسه توافق می‌کنند که بیانیه بدهند؛ روحانی هر چه صبر می‌کند می‌بیند بیانیه اعلام نمی‌شود. بالاخره شنبه اعلام شد.» (اصلاخات نیوز، ۲۰ مهر ۱۴۰۴)

روحانی در مورد این جنایت می‌گوید: «در موضوع هواپیمای اوکراینی خوب حادثه صبح چهارشنبه اتفاق افتاد و ما هم صبح چهارشنبه در دولت بودیم. در واقع بعد از اون حادثه در دولت بودیم، آنچه در دولت مطرح شد، یک سانحه بود... ساعت چهارونیم بعدازظهر رئیس‌ستاد فرماندهی نیروهای مسلح با من تماس گرفت و آنجا رسماً به من اعلام کرد که این خطا صورت گرفته است. یعنی اولین لحظه‌ای که به‌طور رسمی به من اعلام شد، چهارونیم بعدازظهر جمعه بود» (تلویزیون رژیم ۲۷ بهمن ۱۳۹۸)

روحانی در این گفتگو مدعی شد که ۷۲ ساعت بعد از وقوع جرم، خبردار شده است. البته نه حرف او و نه حرف دیگر کارگزاران رژیم در این مورد را کسی باور نکرد. از همان لحظه پخش خبر سقوط هواپیما و جانباختن ۱۷۶ مسافر آن، انگشت مردم به سوی رژیم نشانه رفت.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 495 /23 October 2025

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

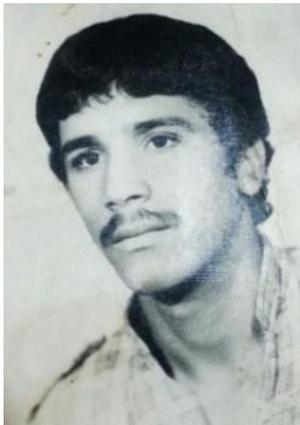
E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهیدان فدایی در آبان ماه



رفیق احمد پیل افکن

رفقای فدایی: شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - رفیق محمد رضا چمنی - محمد رحیم خدادادی - بهنام موحد - عثمان کریمی - داود مدائن - محمد (اصغر) سلیمانی - محمد داود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مجید راشدی - مهران محمدی - ابراهیم شریفی - داریوش مولوی - منیژه طالبی

- جهان بخش طغیانی - عزت الله (موسی) بهرامی -

جمشید دژآگاه - مرتضی فخر طباطبایی - بهروز سلیمانی - سوزان نیکزاد - هوشنگ والی زاده - عزیز پوراحمدی - علی بهروزی - حسین مدیر شانه چی - منصور اسکندری تربقان - علی اصغر غلامی - محمد حسین خادمی - نصرت رئیسی - علی بُرنشان - محمد قادری - مینا سهیلی زاده - ناصر شادنژاد - احمد پیل افکن - احمد طهماسبی - مجید شریفی پور - نبی (علی) جدیدی - مظفر قادری - عبدالله (حکمت) کردستانی - محمد حسین رکنی - مهین جهانگیری - محمد قلی جهانگیری - علی رضا شفیعی - علی اصغر ذاکری - فرج الله نیک نژاد - هادی اشکافی - پرویز کرمی - محمد کریم جلیوند - ابوالقاسم گندمی دراز - جهان شاه نجفی - ژیلای راجایی - محمد بهرامی - علی ململی - همت چگنی - رضا حسینی مستعان - مسعود شریفیان - حسن جمالی - علی مولائی و... از سال ۵۰ تا کنون در ماه آبان در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

یادواره شهیدان فدایی

شهیدان فدایی مریم و جمشید دژآگاه

امیر ابراهیمی

می پرداخت. در ادامه جهت نیاز تشکیلاتی به اراک منتقل گردید. در این شهر مسئولیت چند هسته دانش آموزی را بر عهده داشت. او رفیقی پرکار بود و داوطلبانه در رابطه با سایر فعالیتها نیز همیشه آماده بود. در ۱۴ دی ماه سال ۱۳۶۰ هنگام شعارنویسی دستگیر و زیر شکنجه قرار گرفت. بعد از ده ماه اسارت در چهارم آبان ۱۳۶۱ استوار در برابر گلوله‌های دژخیمان قرار گرفت.



رفیق جمشید (مجتبی) دژآگاه در سال ۱۳۳۸ در شهر دورود به دنیا آمد. پس از قیام از فعالان دانش آموزی پیشگام بود؛ و به همراه رفیق مجید شریفی پور اقدامات اعتراضی دانش‌آموزان را سازماندهی می‌کرد. زنده یاد رفیق جمشید چند بار دستگیر شد ولی هر بار پس از آزادی با شور بیشتری به مبارزه ادامه داد. از آنجاکه شناخته شده بود، جهت فعالیت به شهر اراک منتقل و در بخش محلات سازماندهی شد. در یکی از شبهای آبان ماه سال ۱۳۶۰ هنگام پخش اعلامیه در این شهر دستگیر و یک سال بعد در چهارم آبان ۱۳۶۱ به همراه دیگر رفقای هم‌رزمش به جوخه اعدام سپرده شد.

منابع: فیس بوک و تلگرام جانباختگان فدایی

سال شصت به عنوان یک سرفصل در تاریخ مبارزاتی تاریخ معاصر مردم ایران شناخته می‌شود و حاکمان با عنوان (خدای دهه شصت) از آن یاد می‌کنند. آن سال یاد آور گشتارهایی سهمگین از جمله قتل عام زندانیان سیاسی و جاری شدن رودی خروشان از شهیدان است. دو ستاره پرفروغ از کهکشان شهیدان فدایی رفقا مریم و جمشید دژآگاه هستند.

رفیق مریم دژآگاه در سال ۱۳۴۰ در شهر دورود متولد شد. در دوران دبیرستان با مسائل سیاسی آشنا و یکی از فعالان سازمان در این شهر بود. پس از پایان تحصیلات به عنوان معلم مشغول به کار شد. ولی پس از چندی از کار اخراج گردید. رفیق مریم در بخش زنان و همچنین کانون معلمان به عنوان نماینده فعالیت می‌کرد. سپس به علت مسائل امنیتی به بروجرد منتقل شد و در بخش زنان شروع به فعالیت نمود. اگرچه طی این مدت چندین بار دستگیر شده بود، ولی هر بار پس از آزادی با عزمی راسخ‌تر به فعالیت

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم